



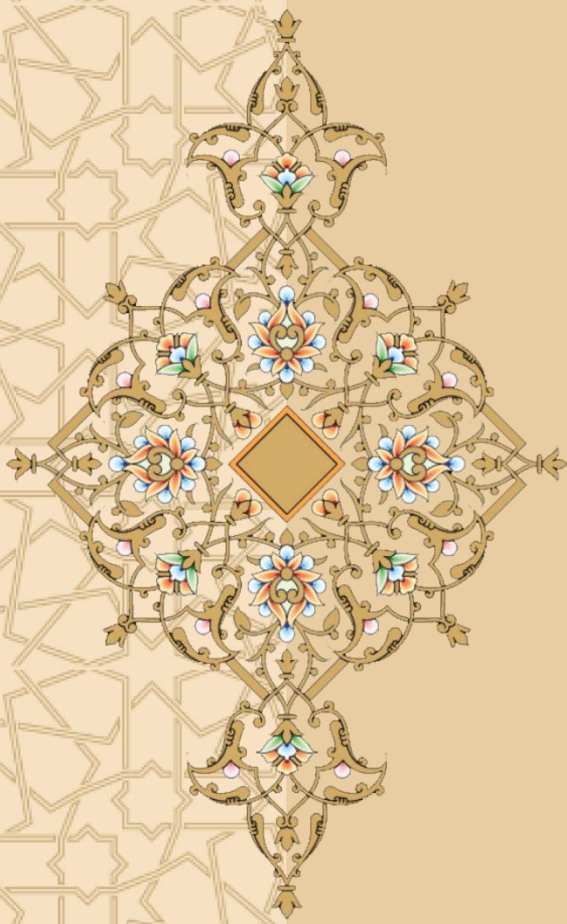
فصلنامه دِ الْقَلَمِ

دوره اول - شماره اول

پائیز ۱۴۰۱

بامحوریت عفاف، خانواده و امنیت اجتماعی

نقش و تأثیر مدرنیزم بر فروپاشی خانواده..... فائزه عظیم زاده اردبیلی، سمانه طاهری و معصومه کر معلی نیا
جایگاه زن در دوران جاهلیت و اسلام با تأکید بر زنان کشور عراق..... فاطمه اسدی
جایگاه و نقش زن در دوران انقلاب اسلامی ایران..... سحر حکار
ترمیمت عقیقانه در فقه اجتماعی..... زهرا السادات نجم آبادی
حریم خصوصی نهاد خانواده..... معصومه شیرازی
جامعه و امنیت اجتماعی..... فاطمه دانایان
ترمیمت فرزند؛ رسالت مادری..... مبینا عطر
عفاف و امنیت اجتماعی..... مانده بابایی
گشت ارشاد؛ طرح ارتقای امنیت اجتماعی..... فاطمه سوزنی



السلامة الحبل الرحيم

فصلنامه ن والقلم

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی فرسنگی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران

حامي: انجمن علمی دانشجویی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران

ناظر علمی: دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

مدیر مسئول: زهرا السادات نجم آبادی

سر دبیر: زینب السادات حسینی

هیئت تحریریه: سمانه طاهری، فاطمه اسدی، سحرکار، زهرا السادات نجم آبادی، معصومه شیریاری، فاطمه

دائیان، مینا عطر، مائده بابایی و فاطمه سوزنی

مترجمان: فاطمه یونسی، زهرا السادات نجم آبادی و سیده آستار ضوی

ویراستاران: زهرا السادات نجم آبادی، زینب السادات حسینی، بهاره کرمی، فاطمه دائیان و سامر زینانی

طراح جلد و صفحه آرا: زینب السادات حسینی



میں ارتباط با م 😊

سخن سردبیر

هو الفتح

تقدیم به ساحت مقدس عصمت الله الکبری؛ حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام

نخستین شماره از فصلنامه فقهی- حقوقی «ان و العلم» با محوریت "عفاف، خانواده و امنیت اجتماعی" که پس از مدتی وقفه در دوره‌ی جدید فعالیت خود، به یاری خداوند به کوشش جمعی از دانشجویان انجمن علمی دانشجویی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام - پردیس خواهران، تدوین شده تا در مسیر تبیین و ترویج معارف و آموزه‌های اسلام ناب محمدی و اصول راهبردی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در حوزه زن و خانواده، گامی هر چند کوچک بردارد.

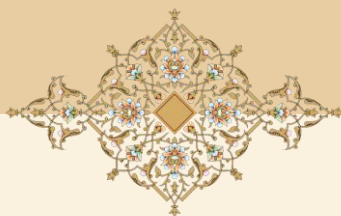
در این شماره از فصلنامه، سه مقاله و شش یادداشت گردآوری شده که پیشکش محاکمان می‌گردد.

در آخر از اساتید بزرگوار و دانشجویان عزیزی که ما را در نشر این اثر علمی یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

زینب السادات حسینی

فهرست

۱.....	نقش و تأثیر مدرنیسم بر فروپاشی خانواده.....
۲۹.....	جایگاه زن در دوران جاهلیت و اسلام با تأکید بر کشور عراق.....
۴۷.....	جایگاه و نقش زن در دوران انقلاب اسلامی ایران.....
۶۶.....	تربیت عصفیانه در فقه اجتماعی.....
۷۰.....	حریم خصوصی نهاد خانواده.....
۷۳.....	جامعه و امنیت اجتماعی.....
۷۸.....	تربیت فرزند؛ رسالت مادری.....
۸۴.....	عفاف و امنیت اجتماعی.....
۸۹.....	کشت ارشاد؛ طرح ارتقای امنیت اجتماعی.....



The role and impact of modernism on the collapse of the family

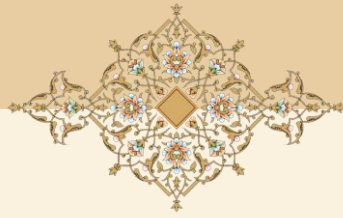
Faezeh Azimzadeh Ardebili^۱, Samane Taheri^۲, Masoumeh Karamalinia^۳

Abstract

This article has been written to study the role and impact of modernism on the collapse of the family and provide a solution to prevent this issue. The family is considered the first social institution and the smallest and most important system of society. With the arrival of modernism in Iran, the family system has also been affected by the theories of modernism and has suffered significant damage, therefore we found it vital to research and understand this issue and provide solutions which can reduce the harmful effects of modernism on the family. This research seeks to answer the following questions: What are the principles of modernist thinking? How does modernism affect the thoughts of a family? How has modernism increased the divorce rate? In other words, our intention in this research is to express the principles of modernist thinking and its effects on the Islamic family institution and destroying this sacred institution, and how it has caused an increase in the divorce rate. The method of collecting information in this article is a documentary library and the type of article is qualitative and descriptive-analytical. The research community is a collection of sources in the field of modernism and family. According to the studies carried out, it is determined: modernism has caused the collapse of the family foundation and increased divorce rates, by presenting its theoretical foundations such as feminism, secularism, liberalism, etc., and also by promoting its other theories, including women's employment, homosexuality, encouraging celibacy and sexual satisfaction without having a family, unchastity and unrestrainedness and disturbing family functions.

Key words: Modernity, divorce, feminism, de-religiousness, disintegration of the family.

-
- ۱- Associate Professor of Jurisprudence and Islamic Law department, Imam Sadiq (AS) University, Women's Campus, Tehran, Iran, E-mail address: faezehazimzadeh@yahoo.com (Responsible Author)
 - ۲- Master's student of family law, Imam Sadiq (AS) University, Women's Campus and third level student of Islamic Jurisprudence and Principles of Al-Zahra (S) Islamic Seminary (non-attendance), Tehran, Iran, E-mail address: taheri@isuw.ac.ir
 - ۳- Master's student of criminal law and criminology, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, E-mail address: masoumehkaramalinia@gmail.com



دور و تأثیر الحداثه فی انهيار الأسرة

فائزه عظیم زاده اریلی^۴، سمانه طاهری^۵، معصومه کرملی نیا^۶

المخلص

الهدف من كتابة هذه المقالة هو البحث حول تأثير الحداثه على انهيار الأسرة و إيجاد الحل لهذا الموضوع. تعتبر الاسره هي بمثابة اللبنة الإجتماعية و الأساسية الأولى في المجتمع، تأثر نظام الأسرة عندما وصلت الحداثه و نظرياتها إلى إيران و اصابت الأسرة بعدد من المشاكل، لذلك من المهم البحث في هذه القضية حتى يمكن من خلال فهم المشكله توفير حلول لتقليل الآثار الضارة للحداثه على الأسرة؛ يسعى هذا البحث للإجابة على الأسئلة التالية: ما هي مبادئ التفكير في الحداثه؟ كيف تؤثر الحداثه على تفكير نظام الأسرة؟ كيف تسبب الحداثه يارتفاع معدل الطلاق؟ بعبارة اخرى، غايتنا من هذا البحث هي تبين مبادئ تفكير الحداثه و كيفية تأثيرها على نظام الأسرة الإسلامية و تدمير هذا النظام المقدس و كيف تسبب بزيادة نسبة الطلاق. كتابة هذه المقالة على نحو بحث المكتبي و الوثائقي. و منهج المقال وصفي-تحليلي و مخاطبي البحث عبارة عن مجموعته من الموارد في مجال الحداثه و الأسرة؛ ووفقاً للدراسات التي تم إجراؤها، فقد تم تحديد: الحداثه، من خلال تقديم أسسها النظرية، بما في ذلك النسوية و العلمانية و الليبرالية و غيرها، وأيضاً من خلال تعزيز نظرياتها الأخرى، بما في ذلك توظيف المرأة، و الشذوذ الجنسي، و تشجيع العزوبة، الرضا الجنسي دون تكوين اسره تسببت الأسرة، و عدم العفه و عدم التقيد، و تعطيل و ظائف الأسرة، في انهيار أسس الأسرة و زيادة معدلات الطلاق.

الكلمات المفتاحية: الحداثه، الطلاق، النسوية، عدم الدين، تدمير الأسرة

۴- استاذ مشارك، قسم الفقه و القانون الإسلامي، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، قسم الاخوات، طهران، إيران، البريد الإلكتروني:

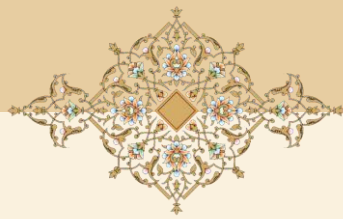
faezehazimzadeh@yahoo.com (المؤلف المسؤول)

۵- طالبة ماجستير في مجال قانون الأسرة، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، قسم الاخوات و طالبة المستوى ۳ في مجال فقه و مبادئ،

مدرسة الزهراء عليه السلام (عدم الحضور)، طهران، إيران، البريد الإلكتروني: Taheri@isuw.ac.ir

۶- طالبة ماجستير في مجال القانون الجنائي و علم الجريمة، جامعة كردستان، سنندج، إيران، البريد الإلكتروني:

masoumehkaramalinia@gmail.com



نقش و تأثیر مدرنیسم بر فروپاشی خانواده

فائزه عظیم زاده اریلی^۷، سمانه طاهری^۸، معصومه کر معلی نیا^۹

چکیده

با هدف بررسی نقش و تأثیر مدرنیسم بر فروپاشی خانواده و ارائه راهکار برای جلوگیری از این مسئله این مقاله به رشته تحریر درآمده است. خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و کوچکترین و مهم‌ترین نظام جامعه به حساب می‌آید؛ با ورود مدرنیسم به ایران، نظام خانواده نیز متأثر از نظریه‌های مدرنیسم گشته و آسیب‌های قابل توجهی را متحمل شده است لذا اهمیت دارد تا این موضوع مورد پژوهش قرار گرفته تا با شناخت مسئله بتوان راهکارهایی ارائه نمود که سبب کاهش اثرات مضر مدرنیسم بر خانواده باشد؛ این تحقیق در پی آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد: اصول تفکر مدرنیسم چیست؟ مدرنیسم از چه طریقی بر تفکر نهاد خانواده اثرگذاری می‌کند؟ مدرنیسم چگونه سبب افزایش نرخ طلاق شده است؟ به بیانی دیگر، قصد ما در این تحقیق، بیان نمودن اصول تفکر مدرنیسم و چگونگی تأثیر این تفکر بر نهاد خانواده اسلامی و اضمحلال این نهاد مقدس است و اینکه چگونه موجب افزایش نرخ طلاق گردیده است. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله اسنادی-کتابخانه‌ای می‌باشد؛ و نوع مقاله کیفی و توصیفی-تحلیلی است. جامعه تحقیق، مجموعه‌ای از منابع در حوزه مدرنیسم و خانواده هستند؛ با توجه به مطالعات به عمل آمده مشخص گردید: مدرنیسم، با ارائه مبانی نظری خود از جمله فمینیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و... و همچنین با ترویج تئوری‌های دیگر خود از جمله؛ اشتغال زنان، هم‌جنس‌گرایی، تشویق به تجرد و ارضای جنسی بدون داشتن خانواده، بی‌عفتی و بی‌بندوباری و اخلاق در کارکردهای خانواده، موجب فروپاشی بنیان خانواده و افزایش نرخ طلاق گردیده است.

واژگان کلیدی: مدرنیته، طلاق، فمینیسم، دین زدایی، اضمحلال خانواده

۷- دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

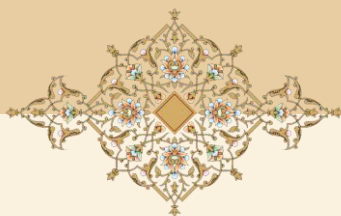
faezehazimzadeh@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۸- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران و طلبه سطح ۳ رشته فقه و

اصول حوزه علمیه جامعه الزهراء (ع) (غیرحضوری)، تهران، ایران، پست الکترونیکی: taheri@isuw.ac.ir (نویسنده مسئول)

۹- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، پست الکترونیکی:

masoumehkaramalinia@gmail.com



۱- مقدمه و بیان مسئله

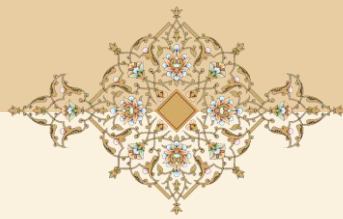
با هدف بررسی نقش و تاثیر مدرنیسم بر فروپاشی خانواده و ارائه راهکار برای جلوگیری از این مساله این مقاله به رشته تحریر درآمده است. نهاد خانواده یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهای درون جامعه است زیرا که اولین بستر رشد و محیا سازی افراد برای ورود به جامعه می‌باشد؛ لذا تنها خانواده‌ای که در چارچوب سبک زندگی اسلامی حرکت کند می‌تواند تربیت‌کننده افراد سالم و صالح و مفید برای جامعه باشد. لیکن امروزه با ورود مدرنیسم و مؤثر واقع شدن آن بر نهاد خانواده و تحمیل تفکرات مدرنیسم بر خانواده، تفرقه در سبک زندگی رخ می‌دهد و در نتیجه نهاد خانواده در معرض قرار می‌گیرد. از این رو اهمیت پرداختن به مدرنیسم و اثرات آن مشخص می‌گردد. این تحقیق در پی آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد: اصول تفکر مدرنیسم چیست؟ مدرنیسم از چه طریقی بر تفکر نهاد خانواده اثرگذاری می‌کند؟ مدرنیسم چگونه سبب افزایش نرخ طلاق شده است؟ لذا این تحقیق در پی آن است تا ابتدا به معرفی و شناخت مدرنیسم پرداخته و سپس تأثیر آن بر فروپاشی خانواده را مورد بررسی قرار دهد و راهکارهایی برای گذر از بحران مذکور ارائه دهد.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- مدرنیته

مدرنیته معادل واژه modernus و به معنای گذشته به یار نزدیک است که در زبان عامیانه معادل واژه این اواخر، اخیراً است و در اصطلاح عبارت است از حالتی که بیانگر تازه بودن زمان حال به همراه اتصال آن به گذشته نزدیک و آینده پیش رو باشد را می‌گویند و در معنای کلی به تازگی و خلاقیت و ترقی و پیشرفت و حرکت به سمت تکامل را می‌گویند که مقابل آن گذشته‌گرایی و قدیمی بودن و سنت‌گرایی و... قرار دارد.

(نوذری، ۱۳۸۰، ص ۶۵، زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۳۳)



۲-۲- طلاق

طلاق از مصدر طلق، يطلق و به معنای آزاد گذاشتن و ترک کردن و رهایی یافتن و خالی شدن از عهد، پیمان و محدودیت -طبیعی یا قراردادی- است و در اصطلاح عبارت است از برداشتن و جدا کردن زن از محدودیت قراردادی‌ای که به واسطه علقه زوجیت و ازدواج ایجاد شده بود. (بهادری و ابراهیمی پور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶)

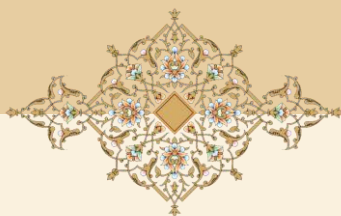
۲-۳- فمینیسم

فمینیسم لغتی برگرفته از واژه *femme* از زبان فرانسوی است و در اصطلاح عبارت است از مبارزه‌ای که علیه فرودستی زنان نسبت به مردان انجام می‌شود؛ اعم از فرودستی در خانه، محیط کار، جامعه و باورهای مردم و... و به عقیده فمینیسم ایشان به دنبال احقاق حقوق زنان هستند و این دیدگاه نسبت به فشار مضاعف که بر روی زنان است و در تولید اقتصادی و تولیدمثل نمایان می‌شود اعتراض دارد و با ایجاد جنبش در بین زنان به اعتراضات خویش می‌پردازد. (عطار زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰)

۳- پیشینه بحث

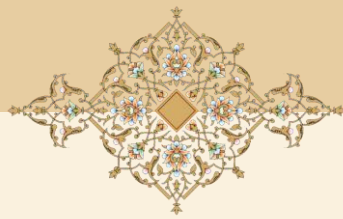
۳-۱- پیشینه نظری

۱. امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی مدرنیته را حرکت از «همبستگی مکانیکی» یا ماشین پاره به «همبستگی ارگانیکی» یا اندامواره می‌داند که پیامد تقسیم کار فرایندهای است که در واقع کلید جامعه‌شناختی زندگی مدرن به‌شمار می‌رود.
۲. فردینان تونیز جامعه‌شناس آلمانی، مدرنیته را به مثابه حرکت می‌داند که از پیوندهای بین شخصی موجود در «جماعت» به سمت تفرد یا فردیت ناپیدا و گمنام «جامعه» تلقی می‌گردد.
۳. ماکس وبر مدرنیته را فرایند تعمیم‌یافته و همگانی عقلانی شدن و حصول عقلانیت و فرایند افسون زدایی و رهایی از توهمات می‌داند.
۴. گیورک زیمل فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی عقیده دارد که مدرنیته شکل عینیت یافته فرهنگ مدرن است که در پول و با پول تجسم پیدا می‌کند فرهنگی که در قلب ذهنیت بیگانه شده‌ی زندگی مدرن قرار دارد.



۵. کارل مارکس فیلسوف، نظریه پرداز اجتماعی و متفکر سیاسی انقلابی، مدرنیته همراه با احیا مداوم و بازآفرینی مستمر انگیزه‌ها و محرک‌ها به سمت تغییر و تحول، در واقع نتیجه پویایی‌های انباشت سرمایه محسوب می‌شود. (نوذری، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۶۷)

۶. آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی» در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروهای سه گانه ارتش با فرمانده کل قوا مورخ ۲۹/۰۱/۱۳۷۹ با اشاره به نقش مدرنیسم اروپایی در ایمان زدایی از جوامع و ملل مختلف، از دست دادن ایمان را بزرگ‌ترین خسارت برای بشر امروز برشمردند؛ ایشان همچنین در خطبه‌های نماز جمعه تهران مورخ ۰۴/۰۲/۱۳۶۶ چنین فرمودند: «سانسوری که در کشورهای غرب هست، تقریباً از جهاتی شبیه هست به همان سانسور و کنترلی که در دوران ظهور اسلام در مکه نسبت به افکار انقلابی رسول خدا وجود داشت. حالا آن‌ها در دوران جاهلیت زندگی می‌کردند، این‌ها در دوران مدرنیسم زندگی می‌کنند. روش‌ها تفاوت کرده، اما روح قضیه همان هست.» همچنین در بیانات پس از بازدید از ستاد کلاً نیروهای مسلح در جمع رئیس و مسئولان این ستاد مورخ ۲۱/۱۲/۱۳۶۸ فرمودند: «تفکری که امروز ما داریم عرضه می‌کنیم به دنیا، هم کاملاً نو و بسیار نو است، هم مبتنی است بر یک پایه‌ی مذهبی. دنیا و تحلیل‌های مادی و نگرش‌های مادی دنیا عادت کرده بودند مدرنیسم را از تفکرات الهی و معنوی جدا کنند و این‌ها را نقطه‌ی مقابل هم بدانند؛ هر چیز مذهبی و معنوی -چه اسلامی، چه غیر اسلامی- متعلق به گذشته و ارتجاعی به حساب می‌آمد. هر چیزی می‌گفتند نو است و مدرن است، معنایش این بود که حتماً ضد مذهب و غیر معنوی و مذهبی است؛ این یک برداشت غلط از مذهب بود. امروز به عکس، عدالت اجتماعی‌ای که ما مطرح می‌کنیم و حقوق بشر به سبکی که اسلام مطرح می‌کند، به مراتب راقی‌تر است از آنچه دنیای دموکراسی آن را مطرح می‌کند. ما عدالت اجتماعی‌مان از دنیای به اصطلاح سوسیالیسم پیشرفته‌تر است.» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر و حفظ و نشر آیت الله العظمی خامنه‌ای)



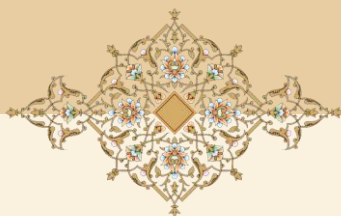
۳-۲- پیشینه پژوهشی

۱. خالقی نژاد، مریم، ۱۴۰۱، تأثیرات مدرنیته و مدگرایی بر هویت، نامه هویت، ش ۸۱.
۲. انصاری مقدم، مجتبی و دیگران، ۱۴۰۱، مقایسه تطبیقی حقوق خانوادگی زن از دیدگاه فمینیسم و اسلام، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم، ش ۵۱.
۳. ارژنگ، اردوان؛ علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ علی زاده، فاطمه، ۱۴۰۱، مبانی فمینیسم در سقط جنین؛ واکاوی نقادانه از منظر فلسفه فقه، پژوهش‌های فقهی، دوره هجدهم، ش ۱.
۴. مزینانی، مهدی؛ مرتضوی هشترودی، سید محمود؛ محمدی، حمیدرضا، ۱۴۰۰، بررسی روابط زن در اجتماع از منظر فمینیسم، خانواده در آینه فقه، ش ۶.
۵. میرومونی، زهرا سادات، ۱۳۹۴، نقد جنبش فمینیسم و پیامدهای آن، پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، ش ۲.
۶. عارفیان، غلامرضا؛ رزمی، محسن؛ احمری، حسین، ۱۳۹۲، قدرت، اقتدار و قوامیت خانواده از منظر فمینیسم و فقه‌های شیعه، فقه و تاریخ تمدن، سال دهم، ش.

۴- تحلیل محتوا

۴-۱- اصول تفکر مدرنیسم

کسب معرفت و زمان‌شناسی واجب است و باطل‌شناسی نیز یک ضرورت است پس اگر مدرنیته و اسلام تقابل نظر دارند، شناخت مدرنیته لازم است؛ (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) به طور خلاصه مبانی نظری مدرنیته را می‌توان چنین بیان کرد: ۱- بشرانگاری و اومانیسم ۲- تاکید و تکیه بر عقل جزوی نفسانیت مدار استیلاجو (عقل مدرن) ۳- اعتقاد به اصل پیشرفت تاریخی ۴- اصالت علم جدید ۵- جدا کردن اخلاق از تاروپود عالم ۶- فناوری جدید و نظام تکنوکراسی ۷- سکولاریزم و سکولاریزه کردن امور ۸- بوروکراسی پیچیده مدرن ۹- نهیلیسم به عنوان صفت ذات ۱۰- اعتقاد به قانون‌گذاری توسط عقل جزوی بشری و حق



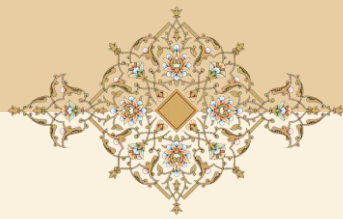
حاکمیت بشری ۱۱- سرمایه سالاری (زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۳۵) مدرنیسم تفکرات و نظریه‌های مختلفی را پدید آورده است که به عنوان نمونه تعدادی از آن‌ها معرفی می‌گردد:

۴-۱-۱- اومانیسم

اومانیسم در لغت به معنای بشرانگاری و در اصطلاح اشاره به تفکری دارد که اصالت را به انسان می‌دهد و اصالت انسان را بجای اصالت خدا جایگذاری کرده و تفکرات و رفتارهای این گروه از اصل دانستن انسان نشأت می‌گیرد. رشد علمی بشر در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی که نوعی غرور در بشر ایجاد می‌کرد به همراه برخورد غیرانسانی کلیسا که به پای معنویت و امور دینی نوشته می‌شد، سبب شکل‌گیری تفکر اومانیستی گردید تا انسان را از عبد خدا بودن جدا کند و انسان‌محوری را جایگزین خدا‌محوری قرار بدهد؛ (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۸-۶۹) اومانیسم و تفکر اومانیستی را می‌توان روح غالب عصر مدرن و مهم‌ترین ویژگی و وجه ممیزه عصر جدید دانست؛ اومانیسم در بسیاری از تفکرات مدرنیسم اساس آن تفکر را تشکیل می‌دهد. (زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۳۷-۳۸)

۴-۱-۲- راسیونالیسم

راسیونالیسم اشاره به عقل‌گرایی و اصالت عقل دارد و عقل انسان را محور تصمیماتش می‌داند و عقل الهی را که احکام الهی برای بشریت نازل کرده است نادیده می‌گیرد و خود را بی‌نیاز از آن می‌داند؛ راسیونالیسم از اومانیسم نشأت می‌گیرد با این توضیح که اومانیسم انسان را محور می‌داند و راسیونالیسم عقل انسان را ملاک قرار می‌دهد؛ در مکتب اصالت عقل، عقلی که تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده افعال انسان است عقل مدرن یا عقل ابزاری یا عقل کارافزار می‌نامند که در آن عقل انسان هرچه را خوب بداند همان خوب است و هرچه را بد بداند همان بد است و این سبب نسبی‌انگاری ارزشی می‌شود؛ به‌طور کلی عقل بشری است که حکم‌فرمایی می‌کند و احکام الهی که از عقل الهی نشأت گرفته‌اند محور تصمیمات نیستند چراکه انسان خود را از عقل الهی بی‌نیاز می‌داند. (زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۴۳)



۴-۱-۳- ماتریالیسم

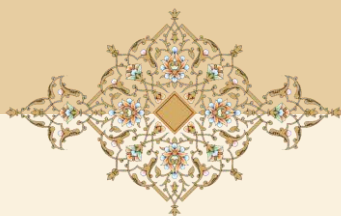
ماتریالیسم یا مادی گرایی به تفکری اطلاق می شود که اصالت را به ماده می دهد و ماده را بر امور غیر ماده مقدم می داند؛ این تفکر وجود ماورای ماده را انکار کرده و هر آنچه را که بشر نتواند احساس و یا لمس کند مورد انکار قرار می دهد؛ فکر و روح و... را نیز خواص ماده می دانند و اموری غیرمادی در نظر نمی گیرند. این گروه به خدا اعتقاد ندارند چون به امور غیرمادی اعتقادی ندارند؛ (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی) ماتریالیسم نیز از روح اومانیسم به وجود آمده است.

۴-۱-۴- سکولاریسم

در تعریف سکولاریسم به جدایی دین از دنیا و اصالت دادن به امور دنیوی اشاره می شود و آن را سیاست روی کردن به دنیا به قیمت فراموش کردن آخرت و خدا می دانند؛ سکولاریسم از روح اومانیسم نشأت گرفته و دین را از زندگی اجتماعی و سیاسی جدا می کند و معتقد است برای امور نهادهایی مثل حکومت، خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد و... عقل آدمی کفایت می کند و انسان با تکیه بر عقل خود می تواند زندگی فردی و اجتماعی خویش را مدیریت کند. (بريجانيان، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۸۰؛ بابایی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۱؛ حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۵؛ زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۵۱-۵۳)

۴-۱-۵- نیهیلیسم

نیهیلیسم یا پوچ گرایی نوعی وضعیت روان شناختی است که در آن هستی، زندگی، حیات معنای خود را از دست داده و فرد دچار ناامیدی و اضطراب و یاس می گردد؛ در نیهیلیسم، متعالی ترین پدیده ها از اعتبار ساقط می شوند و ارزش ها تنزل می یابند. ثبات و نظم فرومی ریزد و به جای آن سرگردانی می نشیند. مهم ترین کارکردها و پیامدهای نیهیلیسم در ابعاد جامعه شناختی عبارت اند از: ۱- کاهش مشارکت اجتماعی-سیاسی ۲- بالا رفتن اضطرابات اجتماعی ۳- افزایش کم صبری و بی حوصلگی در تعاملات اجتماعی و در نتیجه ایجاد جامعه ی پر نزاع ۴- افزایش طلاق ۵- افزایش اعتیاد ۶- افزایش ناهنجاری های رفتاری ۷- نادیده گرفتن حقوق دیگران ۸- خودخواهی افراطی ۹- بی اعتنائی به هنجارها و ارزش ها



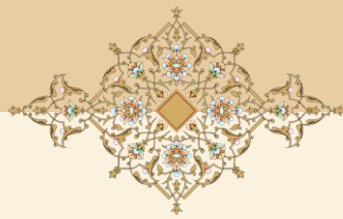
(جامعه‌ی هنجارشکن) ۱۰- لذت طلبی‌های افراطی و بی‌هدف ۱۱- افول اخلاق و غروب فرهنگ متعالی ۱۲- رشد نارضایتی‌ها ۱۳- رشد بی‌اعتمادی اجتماعی ۱۴- کاهش همدلی و همکاری‌های اجتماعی (در سطوح مختلف) ۱۵- افزایش انتظارات و آرزوهای مهارگسیخته و بی‌حدومرز ۱۶- کاهش ارزش اجتماعی کار و فعالیت و لذا رسیدن به بیشترین سود و ثروت با کمترین فعالیت و کار ۱۷- افزایش مصرف انواع مواد مخدر ۱۸- ظهور انواع نحله‌هایی که مدعی کاهش رنج‌ها و آلام زندگی هستند. ۱۹- مسدود شدن راه مفاهمه و گفتگو (زمانیان، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۱۱۱)

۴-۱-۶- لیبرالیسم

لیبرالیسم برگرفته از واژه Liber به معنای «آزادی» است؛ در لیبرالیسم، آزادی از سه منظر مطرح می‌گردد: ۱- آزادی اخلاقی و دینی ۲- آزادی سیاسی ۳- آزادی اقتصادی؛ متفکران لیبرال غالباً در طرح مفهوم لیبرالیسم به هر سه این وجوه توجه داشته‌اند. مبانی لیبرالیسم عبارت‌اند از: ۱- اومانیزم ۲- ذره‌گرایی (اتمیسم) حقوقی و اجتماعی ۳- امپریسم و پوزیتیویسم ۴- آزادی لیبرال یعنی عدم مزاحمت برای آزادی دیگری ۵- حقوق بشر ۶- تفکیک قوا ۷- نظام نمایندگی و پارلماناریسم ۸- تساهل و تسامح ۹- نسبی‌گرایی ۱۰- عدم دخالت دولت در اقتصاد ۱۱- سکولاریسم (زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴-۱۲۳)

۴-۱-۷- فمینیسم

فمینیسم در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از ریشه لاتین femina (به معنای زن) هست؛ در زبان فارسی از اصطلاح فمینیسم برای طرف‌داری از حقوق زن و جنبش آزادی زنان استفاده شده است. دو مفهوم اساسی و مهم در تعریف فمینیسم بیان شده است: ۱- فمینیسم آموزه‌ای است که از حقوق مساوی برابر زنان با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دفاع می‌کند. ۲- فمینیسم جنبش سازمان‌یافته‌ای است که برای به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان شکل گرفته است. گرایش‌های فمینیسم عبارت‌اند از: ۱- گرایش لیبرالی ۲- گرایش مارکسیستی ۳- گرایش رادیکالی ۴- گرایش سوسیالیستی ۵- گرایش پسانوگرا.

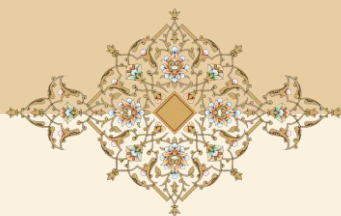


فمینیست‌ها، الگوی هم‌جنس‌گرایی زنان را الگوی مناسب اخلاقی که جایگزین الگوی اخلاقی مادری است دانسته و از آن جهت که الگوی هم‌جنس‌گرایی را نمونه صحیحی از مراقبت دوجانبه می‌دانند بر این اساس از نظر آن‌ها می‌تواند الگوی سایر روابط اجتماعی قرار گیرد. فمینیست‌ها بر جامعه تک‌جنسی تأکید کرده تا به زنان این امکان را بدهد که بر مبنای احساسات زنانه به هم خدمت نمایند. آزادی بی‌حد و حصر فمینیست‌های افراطی به عنوان مخرب‌ترین و زننده‌ترین تئوری اجتماعی منجر به ایجاد پدیده هم‌جنس‌گرایی گردید، پدیده‌ای که می‌توان گفت یکی از نتایج لاینفک مرد ستیزی فمینیست‌ها است. این امر از دیرباز یکی از منفورترین و مذموم‌ترین رفتار نابهنجار بشری است که در غالب ادیان و فرهنگ‌ها از جمله دین اسلام به شدت مورد نهی و مذمت قرار گرفته است. این پدیده که در رابطه با مردان لواط^۷ و در رابطه با زنان مساحقه^۸ نامیده شده است در آیات و روایات فراوانی وارد شده است و روایاتی نیز در این زمینه از معصومین نقل گردیده است؛ در رابطه با منفور بودن این عمل نیاز به توضیح نیست و خود هم‌جنس‌گرایان با آگاهی بر نابهنجاری این عمل و ایجاد بیماری‌های خطرناک نظیر ایدز از این طریق باز هم بر الگوهای روابط جنسی خویش تأکید نموده و اصرار بر رسمی شدن ازدواج هم‌جنس‌گرایان دارند و متأسفانه برخی از دولت‌های غربی با بی‌شرمی تمام این عمل را قانونی کرده و از هم‌جنس‌بازان حمایت قانونی می‌نمایند.

اسلام حقیقت ازدواج را در سه امر عنوان کرده است: ۱- تکامل: انسان همواره برای تأمین نیازهای خودش تلاش می‌نماید و برای جبران کمبودها و تأمین نیازهایش تصمیم به ازدواج می‌گیرد؛ با انتخاب همسری مناسب، زمینه رشد و تکامل و پختگی را فراهم می‌آورد که تنها با ازدواج میسر است. ۲- آرامش بخشی: نیاز به آرامش و حس آسودگی یکی از مهم‌ترین نیازهایی است که با ازدواج تأمین خواهد شد. نیاز به آرامش، ریشه در فطرت آدم دارد و در قرآن نیز بدان اشاره شده است. ۳- تولید نسل: هدف از خلقت جهان، پرورش و

۷- Perderasty

۸- Lesbianism



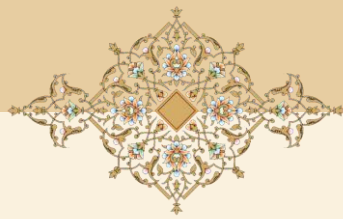
تکامل انسان‌های صالح و نیکوکار است که امری پسندیده شمرده می‌شود و موجب سعادت‌مندی والدین است؛ لذا امامان معصوم (ع) تولید نسل را از اهداف مهم ازدواج دانسته‌اند.

ازدواج یک راهبرد صحیح، فطری و عقلانی است که مسلماً در ازدواج دو هم‌جنس نه تنها این اهداف سه‌گانه محقق نخواهد شد بلکه به این اهداف نیز آسیب می‌رساند؛ ازدواج هم‌جنس در ادیان آسمانی و اسلام ممنوع گردیده است. لواط و هم‌جنس‌بازی، عملی بر خلاف فطرت است و هر چه با فطرت مطابقت نداشته باشد، تأثیر مخربی بر جسم و روح آدمی دارد. در همین راستا روایات زیادی درباره نکوهش هم‌جنس‌بازی نقل شده که بسیار تکان‌دهنده است. از نظر پزشکی نیز ثابت شده که رابطه هم‌جنس با هم‌جنس یک رابطه پرخطر محسوب می‌شود و هیچ نظریه پزشکی مبنی بر سالم بودن و بی‌ضرر بودن این رابطه ارائه نگردیده، برعکس، این رابطه همیشه از نظر پزشکی نقض گردیده است.

۴-۲- نحوه اثرگذاری مدرنیسم بر نهاد خانواده

۴-۲-۱- تحلیل جایگزین پذیری نظام خانواده

پیشرفت فناوری به حدی رسیده است که در بسیاری از عرصه‌ها رباط‌ها جایگزین انسان شده است و سبب شده تا این تفکر به ذهن انسان‌ها راه یابد که برای تأمین نیازهای روحی و عاطفی انسان نیز، پاسخ‌های داروهای و فناوری‌ها مشابه عرضه کنند؛ از جمله آثار این مشابه‌سازی و ارضای تصنعی نیازهای درونی انسان‌ها، ساختن روش‌های خاصی برای تأمین نیازهای جنسی و معنوی و انسان‌ها، فارغ از روش‌های سنتی و طبیعی است و از آن جمله روابط همسری و نهاد خانواده و تربیت فرزندان است. از آن جا که نیاز انسان به همراهی، هم‌اندیشی و آرامشی در زندگی امری انکارناپذیر می‌باشد، برخی گمان کرده‌اند که می‌توان این نیاز را از طریق هم‌جنس تأمین کرد و خانواده‌ای بر اساس دو مرد یا دو زن تشکیل داد و زنان در صورت تمایل به داشتن فرزند، با استفاده از روش‌های جدید بارداری از طریق تلقیح می‌توانند بدون داشتن شوهر، باردار شوند و حداقل می‌توانند در یک رابطه غیر سنتی و آزاد و بدون تن دادن به مسئولیت‌های زندگی مشترک خانوادگی، صاحب

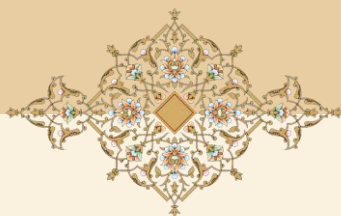


فرزند شوند این‌ها تلاش‌هایی است برای یافتن جایگزینی مناسب برای نظام خانواده لکن برخلاف فطرت و طبیعت انسان است و همچنین مطالعات علمی حاکی از این موضوع است که هم‌جنس‌گرایی موجب یأس و آشفتگی و روان‌پریشی برای فرد و جامعه خواهد شد. قرآن کریم، افرادی که به جای نظام خانواده، نیازهای جنسی و عاطفی خود را از طریق هم‌جنس‌گرایی تأمین نمودند را با این تعبیر یاد کرده است. «بل انتم قوم تجهلون»، (نمل، ۵۵) «بل آنتم قوم مسرفون»، (اعراف، ۸۱) «بل انتم قوم عادون»، (شعراء، ۱۶۶) «القوم المفسدین» (عنکبوت، ۳۰) و «کانوا ظالمین». (عنکبوت، ۳۱)

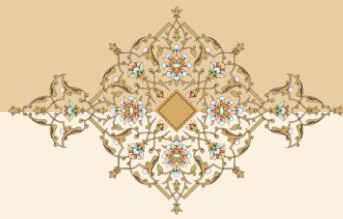
۴-۲-۲- خانواده ستیزی

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای بشری محسوب می‌شود که سابقه آن با پیدایش انسان‌ها برابری می‌کند. متأسفانه در عصر حاضر بحران «فروپاشی خانواده» فراگیر شده است؛ این معضل در غرب آثار مخربی را به دنبال داشته است به تبع آن اندیشمندان اجتماعی را به واکاوی علل این پدیده تلخ و تلاش برای یافتن راهکار مقابله با آن واداشته است. برای یافتن علت وقوع این بحران، رویکردهای متفاوتی وجود دارند می‌توان گفت دیدگاه تک بعدی در حل مسئله کارساز نخواهد بود و مجموعه‌ای از عوامل مختلف در اضمحلال نهاد خانواده نقش داشته است؛ لکن مهم‌ترین دلیل وقوع این معضل، کمرنگ شدن نقش دین در زندگی و ترویج آزادی‌های جنسی است. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۶)

یکی از مبانی فکری تفکر فمینیسم فردگرایی است که ریشه در اومانیزم دارد؛ به این صورت که حقوق فردی و آزادی فرد جایگاه ویژه‌ای دارد تاجایی عامل ضعف زنان را «نظام خانواده» معرفی نموده و رابطه زنان و مردان در نهاد خانواده را مورد حمله قرار داده است؛ هرچند مکتب فمینیسم در ظاهر به دنبال حقوق زنان است لکن در لایه‌های زیرین آن به دنبال نابودی نهاد خانواده است (مهاجری، ۱۳۹۰، ص ۹۹-۱۱۵) نادیده گرفتن نهاد خانواده یکی از مبانی فکری فمینیست‌ها تلقی می‌شود. در این رویکرد، خانواده، محور جامعه معرفی نمی‌شود بلکه نهادی ظلم خیز است که باید تغییر یابد و این تغییر با تشویق زنان به مشاغل گوناگون و تضعیف نقش کلیدی مادری در نظام خانواده، حاصل خواهد

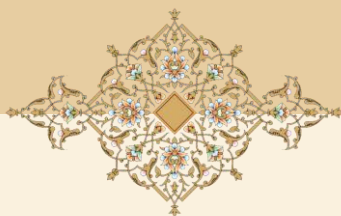


شد. به اعتقاد سیمون دوبووار، چیزی که زن را در حصار بندگی قرار می‌دهد دو عنصر «ازدواج» و «مادری» است. وی نهاد خانواده را به شدت مورد حمله قرار داد و ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل تیره‌بختی زنان می‌دانست و با تولیدمثل و شکل مرسوم رابطه جنسی مخالف بود. (مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، ص ۱۲) فمینیست‌های رادیکال نظریه جدا زندگی کردن زنان و مردان در خانواده را مطرح کردند و در تبلیغات خود با بیان اینکه زن با ازدواج به موجودی «خانه‌دار» و «فرزند زار» و مرد به «نان‌آور»، «پدر» و «من اصلی» تبدیل می‌کند و دلیل آن را این‌گونه مطرح می‌کردند که مردان، سعی دارند حتی در نزدیک‌ترین نوع روابط، زنان را تحت سلطه خود قرار دهند، لذا زنان باید به‌دوراز مردان زندگی کنند. در همین راستا، نظریه «زوج آزاد» بهترین راه‌هایی از بردگی ناشی ازدواج می‌دانستند. نظریه «زوج آزاد» نوعی همزیستی مشترک بین زن و مرد است که بر اساس آن، طرفین هیچ مسئولیت حقوقی در مقابل یکدیگر ندارند و بدون در نظر گرفتن وجوه عاطفی فقط به نیازهای جنسی، پاسخ می‌دهند در یک دیدگاه افراطی‌تر، نظریه «زوج آزاد» تا هم‌جنس‌بازی پیش می‌رود. این نوع همزیستی پیامدهای دست و پاگیری مانند زایمان و فرزند زایی به دنبال ندارد و زنان را از خود دیگربینی تاریخی رها خواهد ساخت. (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶) فمینیست‌های مارکسیست به نحوی دیگر نهاد خانواده را از کانون خارج نموده‌اند؛ آن‌ها فعالیت زایشی زنان را یک روند حیوانی می‌دانند تا عملی انسانی! آن‌ها معتقدند سرشت انسانی از طریق کار زایشی تغییر نخواهد کرد بلکه از طریق کار تولیدی تغییر می‌کند و اذعان می‌کنند علیرغم اینکه کار زنان از نظر اجتماعی، ضروری محسوب شود لکن از نظر تاریخی کاملاً انسانی محسوب نمی‌شود آن‌ها معتقدند: زنان در طول تاریخ، در درجه اول با کار جنسی و زایشی خود، به عنوان مادران تعریف شده‌اند و این جدا کردن زنان از عرصه تولید و در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان مادر، استثمار زنان را، که در جامعه صنعتی شدت یافته، گسترش داده است. به‌طور مثال نیمی از کشاورزان جهان زن هستند، لکن کار تولیدی آنان ذیل تعریف مادری در سایه قرار می‌گیرد. فمینیست‌ها معتقدند زنان برای رهایی از بدبختی‌ها و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری موجود در جامعه باید از ازدواج



و تشکیل خانواده پرهیزند و آنچه باعث استقلال شخصیتی زنان و رشد اجتماعی آنها می‌شود، پرهیز از روابط خانوادگی و بنیان‌های خانواده است. در ادبیات فمینیسم رادیکال و سوسیال نیز ازدواج همیشه مسئله‌ای یک‌طرفه بوده است که به صورت نابرابر به دو جنس تحمیل شده است مرد با ازدواج مالک همه چیز می‌شود و زن تمام داشته‌هایش را از دست می‌دهد، قانون استبدادی و حاکمیت شهوات از آن مرد است و اطاعت محض صرفاً مناسب زن تلقی می‌شود. (رید، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱) در ادبیات فمینیسم لیبرال و مارکسیستی نقش خانه‌داری زن همچون بیگاری و بردگی دانسته می‌شود و در مرحله‌ی بعد و در ادبیات فمینیسم رادیکال و سوسیال نقش‌های همسری و مادری زنان به چالش کشیده می‌شود آنان معتقدند در جامعه‌ای که بر پایه حقوق مساوی همه بنا شده باشد، در عمل هیچ نیازی به ازدواج قانونی نیست. (آلیس واتکینز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۸) افراطی‌گرایان فمینیستی مفاهیم و نظریاتی را ارائه دادند که بتوانند با خانواده‌گرایی مقابله کنند. نظریه پردازی درباره هم‌جنس‌خواهی و نفی دگر جنس‌خواهی، خواهری جهانی و دفاع از سقط جنین، بخشی از تلاش‌های این گروه برای مقابله با خانواده و نقش‌های وابسته به آن است.

این در حالی است که بنیان خانواده بر پایه مودت و الفت تشکیل شده است. انسان از طریق خانواده به حداکثر رشد عاطفی و عقلی نائل می‌شود و با تربیت و پرورش فکری در سایه پدر و مادر می‌تواند وارد اجتماع شود و با تشکیل خانواده و اقدام به ازدواج می‌تواند بخش دیگر زندگی اجتماعی خود را باز یابد. در واقع این نهاد خانواده است که می‌تواند نظم و ثبات اجتماع را حفظ کرده و الگوهای اخلاقی و هنجارهای جامعه را در افراد نهادینه سازد. نکته دیگر اینکه ترغیب زنان به ترک خانواده، نه تنها استقلال شخصیتی زنان و دختران را تضمین نکرده چه بسا آنان را در گرداب مشکلات و فسادهای موجود در جامعه بیش‌ازپیش هلاک خواهد نمود. بدون تردید خانواده‌گریزی دنیای امروز یکی از عواقب تلخ فمینیسم افراط‌گراست که آثار و نتایج شومی را در جامعه به دنبال داشته است.

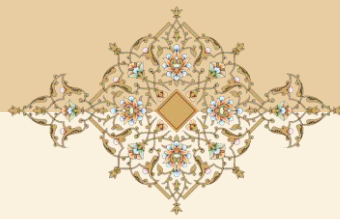


۴-۲-۳- سقوط حجاب و عفاف

فمینیسم با نابودی عفاف اولین مقابله‌اش را خانواده آغاز و چهارچوب خانواده را بدون هیچ قید و شرطی تعریف کرد. بدین صورت که عفاف را از زنان و تعهد را از مردان گرفت از آنجایی که تعهد مردان در روابط خانوادگی در برابر عفت زن قرار می‌گیرد و زنان باید با عفت خود از فروپاشی نظام خانواده جلوگیری نمایند. خانم شلیت در این زمینه می‌گوید: چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم مردان محترمانه رفتار کنند؛ درحالی که تعداد زیادی از زنان با بی‌عفتی خود دائماً پیام می‌فرستند که لازم نیست این گونه باشید. (شلیت، ۱۳۸۳، ص ۳۳) در این نظام فکری، پاکدامنی و عفت زنان و تعهد مردان هیچ ارزشی ندارد؛ به عبارت دیگر، رعایت پاکدامنی جنسی از نگاه فمینیست‌ها ناشی از عقده‌ای روانی است که به علت بدرفتاری والدین با فرزندان، در دوران کودکی، به وجود آمده است (فاضل فیض‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۲) از دیدگاه وندی شلیت، نویسنده آمریکایی، پاکدامنی امری فطری است که در سلامت فرد و جامعه نقشی اساسی دارد و بحران اخلاقی، که اختاپوس وار حیات و هستی انسان غربی را فراگرفته است، معلول اندیشه فمینیستی است. با ترویج فردگرایی، حقوق فردی احیا و در عوض ستار اخلاق افول کرد. از مهم‌ترین دلایل تزلزل و سقوط خانواده، پایبند نبودن به اخلاق و تعهدات انسانی است؛ زیرا ایمان و رعایت مسائل اخلاقی قدرت ایستادگی انسان را در مقابل مشکلات و مسائل گوناگون در انسان تقویت می‌کند. متأسفانه این موضوع در اندیشه فمینیستی نادیده گرفته شده است؛ معتدل‌ترین دیدگاه فمینیست‌ها به اصطلاح خانواده گرا، دیدگاهی مطرح شد که خواهان احیای نقش مهم همسری، مادری و تقویت نهاد خانواده بودند. (بستان، ۱۳۸۲، ص ۶۵-۶۶)

۴-۲-۴- تحقیر مادری و توصیه به سقط جنین

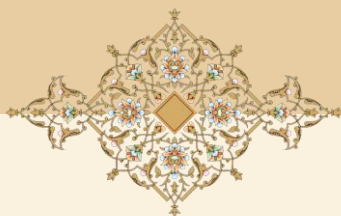
فمینیست‌ها با طرح دیدگاهی که نقش پدر و مادر را در خانواده و اجتماع بی‌ارزش تلقی می‌کرد تلاش کردند تا نقش مادری و تربیت فرزندان توسط زنان در خانواده را از بین ببرند از نظر آن‌ها زنان با ایفای نقش مادری نمی‌توانند نقش پررنگی در اجتماع داشته باشند و این مسئله از جایگاه زن در جامعه می‌کاهد و باعث می‌شود تا زن از رشد اجتماعی بازماند.



آن‌ها معتقدند ارزش و اعتبار واقعی یک زن در نقش مادری دلسوز برای فرزندان نیست، بلکه در میزان کارکرد اجتماعی و فعالیت‌های عمومی وی در جامعه است. از دید آن‌ها حس مادرانه زن باعث کاهش مشارکت و حضور اجتماعی زنان در جامعه می‌شود و آن‌ها باید سعی در نابودی این احساس نمایند. باید توجه داشت که اگرچه مشارکت اجتماعی زنان می‌تواند در رشد و تعالی روحی زنان و جامعه مفید باشد، اما زنانی هستند که به هر دلیلی محیط خانواده و پذیرفتن نقش‌های مادری و همسری را بر هر امر دیگری ترجیح می‌دهند. تحقیر این زنان و ترغیب آنان به مشارکت اجباری در امور اجتماعی نه تنها امری منافی اخلاق بلکه با ادعای آزادی‌اندیشه و استقلال هر فرد متفکر در تقابل است. همواره زنانی موفق بوده‌اند که در کنار حضور و مشارکت در جامعه به نقش مادرانه خود در خانواده نیز پرداخته‌اند، علاوه بر آن هیچ فعالیتی در اجتماع، به اندازه تربیت و پرورش فرزندان سالم و عاقل جهت خدمت به جامعه، نمی‌تواند نقش مؤثر و شایسته زن را در اجتماع نشان دهد و خدمتی بزرگ‌تر از تحویل انسان‌های شایسته و صالح به جامعه نمی‌باشد و این وظیفه و خطیر زنان در اجتماع است.

۴-۲-۵- تأکید بر سقط جنین

یکی از اقدامات اساسی فمینیست‌ها، تلاش برای تصویب سقط جنین بوده است. فمینیست‌های افراطی سقط جنین را اقدامی جهت رهایی آنان از زیر بار مسئولیت کودکان و استقلال فردی زنان می‌دانند. به این معنی که هر زنی در هر زمان که بخواهد بتواند جنین خود را از بین برده و هیچ قانونی او را به خاطر این مسئله بازخواست ننماید. گرفتن حق زندگی از یک انسان، برخلاف حقوق بشر بوده و از دید تمامی فرهنگ‌ها و اجتماع‌ها مذموم شمرده می‌شود. این مسئله هم از دید اخلاقی و هم از لحاظ دینی برخلاف رفتار انسانی محسوب می‌شود. فعالیت‌های فمینیستی احساس مادرانه بخشی از افراد جامعه را مورد سوءاستفاده قرار داده تا از این طریق به اهداف و مقاصد شوم خود دست یابد. باید گفت که اگر فمینیست‌ها ادعا می‌کنند که مردها حقوق زنان را در جامعه ضایع کرده‌اند، همین مردها تربیت و پرورش یافته زنان هستند و این ادعای فمینیست‌ها، جایگاه و نقش خودشان

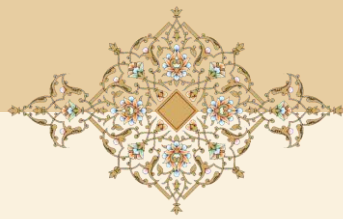


را به عنوان یک زن زیر سؤال می‌برد. کاهش نقش مادر در خانواده و تربیت فرزندان بدون تردید یکی از اهداف جنبش‌های فمینیستی است. گرچه برخی از نحله‌های فمینیستی مانند فمینیست‌های لیبرال در صدد نفی مادری نبوده و خواهان اصلاحات جدی در این زمینه مانند ایجاد امکانات و مراکز عمومی نگهداری کودکان، اجرای قانون منع تبعیض جنسی در اشتغال، آموزش برابر و مختلط، حق زنان برای کنترل باروری، حق سقط جنین و... می‌باشند. ولی برخی دیگر از نحله‌های فمینیستی مانند رادیکال‌ها گرچه در مورد تأکید بر حق زن در کنترل جسم خود و حق سقط جنین با لیبرال‌ها هم‌نظر هستند، اما اساساً با مادری مخالف بوده و آن را موجب فرودستی تاریخی زنان می‌دانند و خواهان حذف همیشگی آن می‌باشند. از جمله تبلیغات منفی شبکه‌های ماهواره‌ای فمینیستی درباره کاهش نقش مادری بسیاری از زنان ایرانی در خانواده و تربیت فرزندان از این قرار است: کاهش نقش شیردهی مادران ایرانی برای فرزندان، افزایش زنان شاغل، افزایش مهدکودک‌ها، تفاوت نگرش‌ها در امور دینی و اجتماعی، گسترش بدحجابی و آرایش زنان و دختران جوان، تغییر در الگوی همسرگزینی، کاهش نقش خانواده در انتخاب همسر برای فرزندان، شیوع جریان خاموش (ازدواج سفید)، افزایش زندگی مجردی، افزایش سن ازدواج، افزایش میزان طلاق، مدگرایی و عرفی شدن خانواده‌های ایرانی، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی.

۳-۴- مدرنیته و افزایش نرخ طلاق

۳-۴-۱- تشویق به تجرد و کاهش نرخ جمعیت

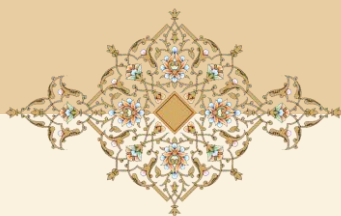
مدرنیسم، با مشکل جلوه دادن تشکیل خانواده، جوانان را به مجرد ماندن و ارضای جنسی بدون داشتن خانواده تشویق نمود؛ چون آزادی و ارضای بی‌دغدغه، بدون محدودیت شهوت‌ها، یکی از رهنمون‌های نگرش لیبرالیسم جنسی به زندگی است. از این رو، سرسپردگی به خانواده، به نوعی عدم تمکین در برابر اهداف مدرنیسم است. در جوامع مدرن با اینکه از لحاظ سنتی فرزند داری یکی از مهم‌ترین وظایف و یکی از بزرگ‌ترین منابع رضایتش از زندگی کردن است- این باور رشد کرده است که زن نیازی به فرزند ندارد. (اینگلهارت، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴) با گسترش جهان‌بینی لیبرالیسم جنسی در جوامع، آزادی



وسیع روابط جنسی میان زن و مرد پدید آمد. این آزادی روابط جنسی نوعی روابط بین مرد و زن را رقم می‌زد که به آن هم خانگی یا زندگی مشترک یک زن با یک مرد بدون ازدواج می‌گویند. البته گاهی نیز ثمره فرایند تجرد با خود ارضایی و هم‌جنس‌گرایی نمایان و حتی توصیه می‌شود که این دو را باید از مهم‌ترین دلایل متهم دانستن مدرنیزاسیون خانواده در فروپاشی خانواده قلمداد کرد. در هم خانگی که شبه شکلی از خانواده معرفی شده است، زوجین بدون اینکه ازدواج کرده باشد، با هم زندگی می‌کنند و رابطه جنسی دارند که به یمن سیطره بی‌خدایی بر جوامع غربی، به صورت هنجار درآمده است و صورت‌های عینی آن را در کشورهای غربی می‌توان دید. در بریتانیا تعداد زنان و مردان ازدواج نکرده که خانه مشترکی دارند در سال ۱۹۷۰ رشد ۳۰۰ درصدی را نشان داده است (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۴۱). با این حال، احتمال طلاق این گونه زوج‌ها که پیش از ازدواج مدتی را باهم زندگی کرده‌اند، بیش از آنانی است که قبل از ازدواج باهم زندگی نکرده‌اند. (ویتز، ۱۳۸۳، ص ۳۴-۳۸)

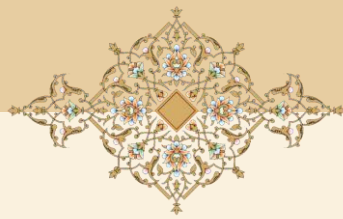
۴-۳-۲- طلاق و اضمحلال خانواده

با توجه به اهرم فردگرایی لذت‌گرایانه حاکم بر تفکر مدرنیسم، بهترین نمونه‌های خانواده مدرنیته؛ والدین جدا از هم مطلقه‌ها و خانواده‌های ازهم‌پاشیده غیر سنتی هستند. این خانواده‌ها، خروجی اجتناب‌ناپذیر مدرنیسم به شمار می‌روند. (ویتز، ۱۳۸۳ الف، ص ۷۵-۸۵) لیبرالیسم توانسته است این عقیده را در خانواده‌ها نهادینه کند که خوشی و لذت، مقدم بر استواری و نگهداری کانون خانوادگی است. علت این قاطع‌گویی این است که لیبرالیسم جنسی توانست با معیار پر قدرت زندگی برای لذت بیشتر بی‌میلی به تحمل ناسازگاری‌های دیرین و هوس برای درک کام‌جویی‌های جدید را بالا ببرد. از این رو، طلاق بزرگ‌ترین ناهنجاری است که مدرنیته به خانواده‌ها می‌قبولاند؛ چرا که افزایش طلاق‌ها در خانواده‌های دیرینه پیوند، توجه ناسازگار شدن زوجین را که در مورد جوانان نوظهور عرضه می‌کردند، بی‌معنا کرده است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۴۵) به عبارت دیگر: «هرچه سکولاریسم در اعتقادات افراد بیشتر گسترش می‌یابد، به سبب کاهش قبح و ناپسندی طلاق که در



مذاهب بر آن تأکید شده است، طلاق در بین آن‌ها افزایش می‌یابد.» (قدسی، ۱۳۹۰ ص ۴۶ - ۶۷) در کشورهایی مانند ایران زنانی که چه‌بسا تا دیروز در زیر سایه آموزه‌های وحیانی، حاضر می‌شدند مشکلات و یکنواختی کسل‌کننده زندگی را با سعه صدر بپذیرند، امروزه - با تصور داشتن مزایایی همچون مهریه - می‌کوشند به یکنواختی زندگی خاتمه دهند و با داشتن ثروت ناشی از جدا شدن که در سایه اشتغال یا گرفتن حق و حقوق خود - مثل مهریه - رقم می‌خورد، شرایط جدید و متنوعی را برای خود ایجاد کنند. از سویی دیگر، در خانواده‌هایی که بانگیزه‌های سکولاری تشکیل می‌شوند، چون به ازدواج تنها از نظر کام‌جویی و فرد محوری می‌اندیشند، پیوندهای زناشویی هرچه زودتر تجدید و تبدیل می‌شود تا لذت بیشتری به کام زن و مرد بریزد و طبعاً وجود فرزند مانع تحقق این هدف است و این همان کاهش نرخ جمعیت است. هر قدر لذت خواهی سکولار رشد کند، خانواده‌ها سست‌تر و انگیزه‌ها برای جدایی بیشتر می‌شوند.

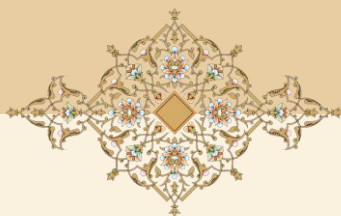
گیدنز در مورد علل گسترش طلاق در خانواده‌ها می‌گوید: به‌طور کلی، رفاه بیشتر به این معناست که در صورت نارضایتی از زناشویی، می‌توان خانه جداگانه تشکیل داد و این امر امروزه آسان‌تر از گذشته ممکن است. وی از دیگر عوامل طلاق را جست‌وجوی افراد در یافتن رابطه‌ای ثمربخش و ارضاکننده در پسِ اطلاق می‌داند تا زن و شوهر بدون مواجه شدن با محرومیت اجتماعی، به یک رابطه غیر رضایت‌بخش پایان دهند. ولی دست کم از لحاظ آماری، میزان طلاق در ازدواج‌های دوم بالاتر از میزان طلاق در ازدواج‌های اول است؛ چراکه ممکن است این‌ها در ازدواج‌های بعدی انتظارات بالاتری از ازدواج داشته باشند. از این‌رو، ممکن است، آمادگی بیشتری برای برهم زدن ازدواج‌های جدید داشته باشند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲۷-۴۳۳) از سویی دیگر، طبق آمارهای اقتباس شده از مردان و زنان جدا شده از هم ۶۸ درصد اظهار کرده‌اند در اثر طلاق بیمار و رنجور شده‌اند، ۶۰ درصد دچار اضطراب دائمی، ۸۲ درصد دارای احساس گناه و ۶۲ درصد مبتلا به پریشانی‌اند. این عده پس از طلاق، دچار خستگی و کاهش کمیت و کیفیت در شغل، بی‌علاقه شدن به آن، بی‌اعتمادی به دیگران، دلتنگی و بی‌حوصله شدن در تربیت و نگهداری فرزندان، ستیزه‌جو



شدن، تمایل برای خودکشی و... شده‌اند. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰ - ۳۴۲) البته هویدا است که تمامی این موارد با عدم تمایل به فرزند بیشتر و کاهش جمعیت به طور مستقیم در ارتباط است. در جوامعی که هنوز پیوندهای خانوادگی مستحکم است، تبلیغات فمینیسم بر روی طلاق متمرکز است؛ با این شعار که با طلاق خویشتن را آزاد کنید! بروس کوئن می‌گوید: این یک واقعیت است که گسست پیوند زناشویی ننگ محسوب نمی‌شود و این وضعیت از تغییر ارزش‌های ما سرچشمه می‌گیرد. (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳) با استقبال از این شعار در تجربه آمریکایی - جایی که طلاق گرفتن از تاکسی گرفتن نیز آسان‌تر شده - این شعار به‌غیر از آزاد شدن از مسئولیت خانواده، شرایط دیگری را با خود به همراه آورد؛ زنان مطلقه آمریکایی خرسند نیستند؛ از هر چهار زن مطلقه آمریکایی، یکی الکلی می‌شود و میزان خودکشی در میان آن‌ها، سه برابر زنان شوهردار است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۴۵)؛ بنابراین، خودکشی که ریشه در ناهنجاری‌های خانوادگی منشعب از سکولاریسم دارد، خود از علائم تحدید نسل‌ها خواهد بود.

مدرنیسم با محوریت لذت در زندگی و دور کردن هرگونه ناراحتی و تلاش برای کسب منفعت بیشتر، آستانه تحمل زوجین را پایین می‌آورد؛ چراکه زمانی که زندگی بر اساس مادیات است، نباید مشکلات سخت وجود داشته باشد و این خوی فرار از مشکلات که از لوازم نگرش مدرن است، باعث افزایش میزان طلاق می‌شود. گسترش طلاق یا استنکاف از ازدواج، رابطه مستقیم و طرفینی با گسترش فحشا دارد. از طرفی، خود تشکیل خانواده، ملازم با تقبل بسیاری از وظایف و مسئولیت‌هاست و در مقابل، انسان مدرن باید به دنبال حقوق خویش باشد نه انجام وظایف و مسئولیت‌ها؛ بنابراین، به ارضای جنسی خویش متمایل می‌شود که این ارضاها عموماً برای کسب لذت جنسی است نه تولیدمثل دست‌وپا گیر و پرمسئولیت و پرهزینه.

بدین ترتیب، در نیمه دوم قرن بیستم با رواج مدرنیسم، خانواده تک سرپرست گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۶۷ کمتر از چهار میلیون خانواده آمریکایی تک سرپرست وجود داشت؛ اما این رقم در ۱۹۹۱ به ده میلیون خانوار رسید. در انگلستان نیز در سال ۱۹۷۱

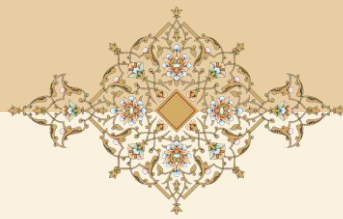


حدود ۵۷۰ هزار خانواده تک سرپرست وجود داشت، اما در سال ۱۹۹۶ این رقم به حدود یک میلیون و ششصد هزار خانوار افزایش یافت؛ فقدان پدر یا مادر - که هر یک، رکنی از مدیریت خانواده است - موجب آسیب‌های جدی روانی و اقتصادی به اعضای آن خانواده می‌شود و این مشکلات مانع از تولید مثلی است که خود نیازمند سرمایه‌گذاری اقتصادی و روانی است. البته این مشکلات زمانی که زن، عهده‌دار سرپرستی باشد، بیشتر است؛ زیرا زنان سرپرست، با مشکلات اشتغال و کمبود درآمد مواجه‌اند. برحسب برخی آمارها، زنان سرپرست نود درصد از خانواده‌های تک سرپرست در آمریکا هستند و این در حالی است که خانواده‌های تحت سرپرستی زنان، ۵۵ درصد از کل خانواده‌های فقیر را تشکیل می‌دهد و ۲۳ درصد از کل خانواده‌های آمریکایی دارای فرزند، توسط مادران بدون شوهر اداره می‌شوند. (بستان، ۱۳۸۳، ص ۵۹-۶۰)

بنابراین، مدرنیسم با شیوه‌های گوناگون محبت زن را از دل مرد بیرون می‌کشد و چیزهای دیگری را جایگزین آن می‌کند که خود موجب ازهم گسیختگی خانواده می‌شود.

۴-۳-۳ ویژگی‌های خانواده سالم

مهم‌ترین ملاک خانواده سالم این است که خانواده بتواند نیازهای مادی، عاطفی و روانی اعضایش را فراهم سازد. شناخت این که چه موقع نیازهای اعضای خانواده به حد کافی برآورده شده است نیز مشکل است. در حقیقت هرگونه مرزبندی در این زمینه قراردادی است. بر اساس ملاک‌های زیر می‌توان خانواده‌های سالم را از ناسالم تشخیص داد: ۱- همه اعضای خانواده با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند و کسی در خانواده احساس تنهایی نمی‌کند. ۲- هریک از اعضای خانواده، هم نسبت به خانواده احساس تعلق دارد و هم استقلال لازم را داراست. ۳- خانواده به حد کافی انعطاف‌پذیر است، حالت تحجر ندارد و از ثبات نسبی برخوردار است. ۴- روابط بین اعضای خانواده از وضوح و شفافیت لازم برخوردار است، ادراکات تحریف‌نشده است و نقش هر یک از اعضا مبهم یا معارض با نقش دیگران نیست. ۵- مرزهای بین نسلی، مانند مرزهای والدین با فرزندان و فرزندان با پدر و مادر بزرگ و یا



زن و شوهر با خانواده اصلی خود، از هم گسیخته نیست. ۶- خانواده به سوی هدف یا اهدافی در حرکت است. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

۴-۳-۴- بنیان‌های استحکام خانواده از منظر قرآن

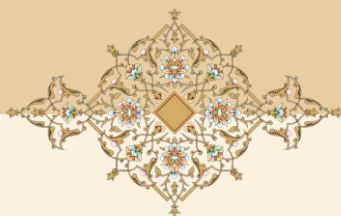
بر اساس آیه‌های قرآن کریم می‌توان بنیان‌های استحکام خانواده را به شرح زیر برشمرد:

- ۱- مساوات: وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا (روم، ۲۱) و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی آفرید. ۲- آرامش: لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم، ۲۱) که در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید. ۳- مودت: وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً (روم، ۲۱) و میان شما رأفت برقرار فرمود. ۴- مهربانی: وَرَحْمَةً (روم، ۲۱) و مهربانی برقرار فرمود. ۵- خوش رفتاری: وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (نساء، ۱۹) و در زندگانی با آنها به انصاف رفتار نمایید. ۶- عدالت: وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ (بقره، ۲۳۱) و روا نیست آنان را به آزار نگاه داشته تا بر آنها ستم کنید. هرکس چنین کند همانا بر خود ظلم کرده است. ۷- میثاق الهی: وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء، ۲۱) و آن زنان (مهر را در مقابل عقد زوجیت و) عهد محکم از شما گرفته اند. ۸- تقوی: اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَاُنْثٰی وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ (حجرات، ۱۳) ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و انگاه شعبه‌های بسیار و و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگ و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

۵- راهکارهایی برای گذر از بحران

به طور خلاصه می‌توان راهکارهای زیر را برای مصون و در امان ماندن کیان خانواده از آسیب‌های ناشی از مدرنیسم ذکر کرد:

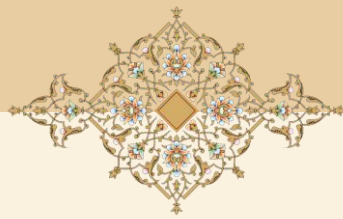
۱. درونی‌سازی ارزش‌ها و حفظ کیان خانواده، از طریق برنامه‌های آموزش خانواده.
۲. ارائه الگوی خانواده سالم، بر مبنای فرهنگ دینی و ملی از طریق وسایل ارتباط جمعی.
۳. حفظ و تأمین نیازهای همه‌جانبه و توجه به رشد همه‌جانبه اعضای خانواده.
۴. آموزش مهارت‌های زندگی به اعضای خانواده و توجه به اصل آموختن برای زیستن.



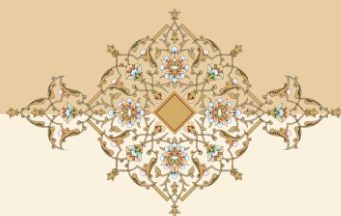
۵. حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی اعضای خانواده.
۶. افزایش زمان و مکان آگاهی خانواده‌ها از تحولات دنیای پیرامون خانواده.
۷. شناسایی و ارزیابی واقع‌بینانه و به موقع منافع، پیامدها و تهدیدات جهانی شدن.
۸. استفاده بهینه از فرصت‌های جهانی.
۹. اجتناب از ممنوعیت‌ها و انزوا گرایی از سویی و نیز امتناع از تسلیم گرایی و انفعالی عمل کردن از دیگر سو.
۱۰. حفظ هویت دینی و ملی و عدم ذوب شدن در فرهنگ وارداتی.
۱۱. حضور و مشارکت در صحنه‌های جهانی و تبیین و ترسیم فرهنگ دینی و ملی خود برای جهانیان.
۱۲. برقراری ارتباط گسترده با جهان و داشتن تعامل تأثیرگذار، مؤثر و سازنده با جهانیان (نوابی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱-۱۹۲)

۶- نتیجه گیری

مدرنیسم، جریان حاکم بر تمدن جدید غرب است که جدا از آموزه‌های دینی و با محور قرار دادن انس و تکیه بر آزادی همه‌جانبه او و نیز اعتقاد به عقل بشری و اصالت دادن به فرد، درصدد تحلیل همه‌جانبه امور اعم از طبیعت، ماوراء طبیعت، ارزش‌ها و... برآمده است و با اندیشه تغییر و نو کردن دائمی و همه‌جانبه‌ی حیات انسانی، هر آنچه در مقابل آن واقع می‌شود (دین، سنت، آداب و رسوم) را نفی می‌کند. در میان مبانی نظری مدرنیته که همگی در این مقاله بررسی و بیان گردید، فمینیسم بیشترین نقش را در تخریب ارزش‌های جامعه و فروپاشی خانواده داشته است. فمینیسم با گذر از مرحله نظریه‌پردازی‌های علمی، به مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و مستحکم‌ترین پایگاه زندگی بشر یعنی خانواده، برخورد کرد که تقابل این دو رقیب تعیین‌بخش در حیات انسانی آوردگاه تزارحماتی گردید که در آن بنیان‌های خانواده، دستخوش تغییرات بنیادین شد. فمینیسم با شعار تساوی حقوق زن و مرد و با داعیه طرفداری از حقوق زنان و رفع تبعیض در برابر خانواده‌ای ایستاد که مهم‌ترین رکن آن، «زن» یعنی مادر خانواده، بود. فمینیست‌های لیبرال با شعار برابری و رفع تبعیض

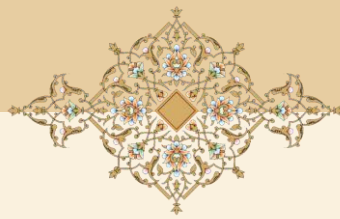


معتقدند که به مقتضای فردگرایی، تمایزی میان زن و مرد وجود ندارد و موضوع «تفاوت جنسیتی» اهمیت خود را در حیات سیاسی و اجتماعی از دست داده است و «تفاوت جنسیتی» تنها ناشی از زندگی اجتماعی است نه امری ذاتی. لذا با نادیده گرفتن ساختار وجودی زن، او را از محیط خانه و خانواده بیرون کشیدند و در نظام سرمایه‌داری و محیط کارخانه‌ها همچون مردان به اشتغال واداشتند. همچنین فمینیست‌های مارکسیست معتقدند؛ کار بی‌مزد زنان و وسیله‌ای برای به جا گذاشتن وارثان سرمایه‌داران گردیده است و نظام سرمایه‌داری باعث ستم بر زنان شده لذا یکی از عوامل مهم، برای رهایی زنان، استقلال اقتصادی آنهاست. علاوه بر آن؛ خواهان طلاق آسان، الغای روابط تک‌همسری، استقلال اقتصادی زنان و جدی نگرفتن رابطه جنسی و از همه مهم‌تر حذف مالکیت خصوصی است. دسته‌ای دیگر از طرفداران فمینیست‌های رادیکال و سوسیالیستی، نجات زن را در حذف مردسالاری در جامعه به وسیله انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی می‌دانند. علاوه بر این فمینیسم با ارائه نظریه «سیاست جنسی» جنسیت‌گرایی را مشابه نژادپرستی است، ظلم می‌داند بنابراین آنچه که در قدیم شناخته می‌شد: یعنی ازدواج زن و مرد، دیگر طبیعی محسوب نمی‌شود، پس هم‌جنس‌گرایی را به عنوان یک امر عادی و اجتماعی و قانونی جلوه دادند و جایگزین پیوند آسمانی ازدواج گردید. نگاه بدبینانه فمینیست‌ها به دین و خانواده باعث شد که دین را ساخته و پرداخته مردان، برای زیر سلطه گرفتن زنان بدانند. سیمون دوبووار با بیان اینکه ماندن زن در خانواده و پرورش کودکان را آماری برخلاف حقوق زن می‌داند و خواهان آزادی مطلق زنان، از قیدوبند زندگی خانواده است. هریک از این تئوری‌ها به تناسب بر هر یک از کارکردهای خانواده اثرگذار بوده و اثرات مخربی را بر آنها داشته‌اند و موجب اضمحلال خانواده گردیده است. در پایان این نکته شایان ذکر است با ارائه راهکارهایی که پیش‌تر به آن پرداختیم خانواده‌ای پایدارتر با کانونی گرم، در بستر جامعه خواهیم داشت.

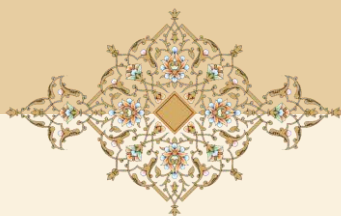


کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. قرآن کریم، ترجمه سید محمدرضا صفوی.
۳. احمدی، خدا بخش، ۱۳۸۶، آسیب‌شناسی خانواده، تهران، سازمان مطالعات و تحقیقات بسیج.
۴. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۸۲، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، تهران، مریم وتر (مترجم)، کویر.
۵. بریجانیان، ماری، ۱۳۷۱، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، تهران، بهاءالدین خرمشاهی (ویراستار)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۸۳، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۷. بهادری، یوسف؛ ابراهیمی پور، قاسم، ۱۳۹۰، جستاری در طلاق، مجله معرفت، ش ۱۷۱.
۸. چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۸۹، خانواده، اسلام و فمینیسم؛ تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
۹. حسینی، ابراهیم، ۱۳۷۹، فمینیسم علیه زنان، بی‌جا، کتاب نقد، ش ۱۷.
۱۰. حسینی، سید محمد عارف، ۱۳۸۱، رویارویی تمدن اسلام و مدرنیسم؛ بررسی نظریات مختلف، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۱. رید، ایولین، ۱۳۸۴، فمینیسم و مردم‌شناسی، تهران، افشنگ مقصودی (مترجم)، نشر گل‌آذین.
۱۲. زرشناس، شهریار، ۱۳۹۲، مبانی نظری غرب مدرن، قم، دفتر نشر معارف.
۱۳. زمانیان، علی، ۱۳۸۵، نهیلیسم؛ از انکار تا واقعیت (با نگاهی به مثابه‌ی یک آسیب فرهنگی در ایران)، مجله راهبرد، ش ۴۰.
۱۴. عطار زاده، مجتبی، ۱۳۸۵، فمینیسم و کارآمدی آن در دفاع از حقوق زنان مسلمان خاورمیانه در زمینه اشتغال، فصلنامه بانون شیعه، ش ۹.
۱۵. فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۲، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، بی‌جا، منصوری.
۱۶. قادری، حاتم، ۱۳۷۹، اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، تهران، سمت.



۱۷. قدسی، علی محمد، ۱۳۹۰، بازدارنده‌ها و تسهیل کننده‌های اقتصادی و اجتماعی زنان، تهران، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۳.
۱۸. کوئن، بروس، ۱۳۷۰، درآمدی بر جامعه‌شناسی، تهران، محمود نظری پور (مترجم)، فرهنگ معاصر.
۱۹. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجلّد و تشخّص، تهران، ناصر موفقیان (مترجم)، نی.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۲۱. مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، نگاهی به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۲۲. مهاجری، مریم، ۱۳۹۰، آسیب‌شناسی پیامد اخلاقی فمینیسم در غرب و بازتاب آن در نهاد خانواده، بهار و تابستان، پژوهش‌نامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، ش ۱.
۲۳. نصیری، مهدی، ۱۳۸۹، اوینی و مدرنیته (مجموعه مقالات)، تهران، کتاب صبح.
۲۴. نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۸۴، جهانی‌شدن و تغییر در ارزش‌های خانواده، تهران، خانواده و جهانی‌شدن (مجموعه مقالات)، انجمن اولیاء و مربیان.
۲۵. نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۰، مدرنیته و مدرنیسم (مجموعه مقالات)، تهران، نقش جهان، چ ۲.
۲۶. واتکینز، سوزان آلیس و دیگران، ۱۳۸۴، فمینیسم؛ قدم اول، بی‌جا، زیبا جلالی نائینی (مترجم)، نشر شیرازه.
۲۷. ویتز، پل، ۱۳۸۳، پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده، سیاحت غرب، سال دوم، ش ۹.
۲۸. ویتز، پل، زوال خانواده، ۱۳۸۳، سیاحت غرب، سال دوم، ش ۱۰.
۲۹. farsi.khamenei.ir
۳۰. makarem.ir



The position of women in the era of Jahiliyyah and Islam with emphasis on the women of Iraq

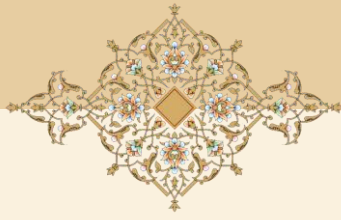
Fatemeh Asadi^۹

Abstract

The present article is an attempt to show the status and life of women in Iraq from Jahiliyyah until now, especially at the beginning of Islam, from different dimensions and cultural, political and social developments. Therefore, it begins with an introduction to the past of that country and then to some viewpoints and also the challenges they face and the participation and effects of women in the wars and the politics of the country of Iraq in different eras of Jahiliyyah, the beginning of Islam, after Islam, the era of Ottoman governments, Mongol and other governments and the new era. In the present article, which is prepared in a documentary and library method and is a descriptive-analytical type; By referring to the Quran and various sources, and by answering questions such as the attitude of Islam and other religions, especially during the era of ignorance, towards Iraqi women and the effects of Iraqi women on political and social developments, a correct and comprehensive picture of the attitude of Islam towards The woman and her rights should be presented and compared with other courses. During the Jahiliyyah era, women had very few rights and benefits, the Arab society did not regard women as independent in life, and they did not recognize any respect and honor for her other than the respect and honor of the family. The condition and condition of women during the Jahiliyyah period shows that Islam provided a platform for women to become a valuable and role-playing element from a powerless element.

Key words: Jahiliyyah era, political participation, mandatory covering, women's education, women of Iraq.

۹- Bachelor student of Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq (AS) University, Girl's Campus, Tehran, Iran, E-mail address: fatemehasadyv^۹@gmail.com (Responsible Author)



مكانة المرأة في عصر الجهل و الإسلام مع التركيز على نساء العراق

فاطمة اسدى^{١٣}

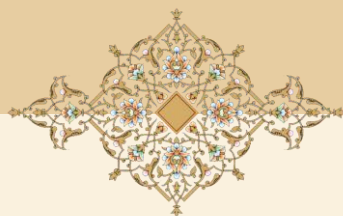
المخلص

هذه المقالة تساعد ان تبين موقف النساء و جودة حياتهن من الزوايا و التحولات المختلفة، الثقافية، السياسية و الاجتماعية في العراق من الجاهلية حتى الان خاصة في أوائل الاسلام. اذن تبدأ هذه المقالة بلمحة تاريخية من بلد العراق، ثم تتناول التحديات المقبلة و مشاركة النساء في الحروب و آثارها و سياسة العراق في العصور الجاهلية المختلفة في بداية الإسلام، بعد الإسلام، عصور الحاكمية العثمانية، المغولية و الحكومات الاخرى و العصر الحديث. تمت كتابة هذه المقالة على نحو بحث و ثائقي و مكتبي و منهج البحث هو المنهج الوصفي-التحليلي هذه المقالة تحاول إجابة هذه الأسئلة مع استنادها إلى القرآن و المصادر المختلفة: ما هي وجهة نظر الإسلام و الأديان الأخرى حول النساء العراقيات و تأثيرهن في التحولات السياسية و الاجتماعية خاصة في العصر الجاهلي، و تعرض صورة متكاملة و صحيحة من وجهة نظر الإسلام إلى المرأة و حقوقها و تقارنها مع فترات أخرى. كان للمرأة ادنى الحقوق و المنافع في العصر الجاهلي، لم يلاحظ المجتمع العربي استقلالاً للنساء في الحياة و انحصر شرفها في الإطار العائلي فقط. وضع حياة النساء في العصر الجاهلي تبين أن الإسلام مهد الطريق لتغيير المرأة الضعيفة الى المرأة الناشطة.

الكلمات المفتاحية: عصر الجهل، المشاركة السياسية، الستر الإجباري، تعليم المرأة، المرأة العراقية

١٠- طالبة بكالوريوس في مجال الفقه و القانون الإسلامي، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، قسم الأخوات، طهران، إيران، البريد الإلكتروني:

fatemehasady79@gmail.com (المؤلف المسؤول)



جایگاه زن در دوران جاهلیت و اسلام با تأکید بر زنان کشور عراق

فاطمه اسدی^{۱۴}

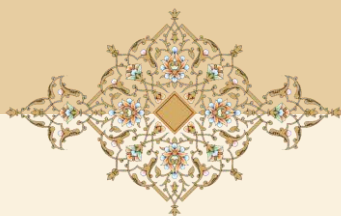
چکیده

مقاله حاضر تلاشی در نشان دادن جایگاه و چگونگی زندگی بانوان در عراق از جاهلیت تاکنون به‌ویژه در صدر اسلام از ابعاد و تحولات مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. لذا با پیش‌سخنی از گذشته آن کشور آغاز می‌شود و سپس به پاره‌ای از نگرگاه‌ها و همچنین چالش‌های پیش روی آنان و مشارکت و تأثیرات زنان در جنگ‌های پیش آمده و سیاست کشور عراق در عصرهای مختلف جاهلیت، صدر اسلام، بعد از اسلام، عصر حکومت‌های عثمانی، مغول و دیگر حکومت‌ها و عصر جدید می‌پردازد. در مقاله حاضر که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه شده و از نوع توصیفی تحلیلی است؛ سعی شده است با استناد به قرآن و منابع مختلف و با پاسخگویی به سؤالاتی نظیر نحوه نگرش اسلام و دیگر ادیان مخصوصاً در دوران جاهلیت نسبت به زنان عراقی و تأثیرات زنان عراقی در تحولات سیاسی و اجتماعی، تصویری صحیح و جامع از نگرش دین اسلام نسبت به زن و حقوق وی ارائه شده و با دیگر دوره‌ها مقایسه شود. زن در دوره جاهلیت از حقوق و مزایای بسیار کمی برخوردار بوده، جامعه عرب برای زن استقلالی در زندگی قائل نبود و حرمت و شرافتی برای او جز حرمت و شرافت خانواده نمی‌شناخت. شرایط و وضعیت زنان در دوران جاهلیت نشان می‌دهد که اسلام بستری را فراهم کرد تا زن به‌عنوان یک عنصر بی‌اختیار به یک عنصر پرازش و نقش‌آفرین تبدیل شود.

واژگان کلیدی: دوران جاهلیت، مشارکت سیاسی، پوشش الزامی، آموزش زنان، زنان عراق

۱۱- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

fatemehasadavy9@gmail.com (نویسنده مسئول)



۱- مقدمه و بیان مسئله

هرگاه سخن از زنان جاهلی می‌شود، فقط به مباحثی، چون انواع ازدواج‌ها و طلاق‌ها، تعدد همسر، عدم مالکیت و دختر کشی توجه می‌شود و به موقعیت زنان آن جامعه با دیدی منفی می‌نگرند، قرآن کریم از آن دوران با عنوان جاهلیت یاد کرده و دختر کشی آن‌ها را سخت مذمت کرده است و در این باره می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ: بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر، ۸-۹) ولی این به آن معنا نیست که تمام فرهنگ، عقاید و باورهای عرب قبل از اسلام درباره زنان از افکار و عقاید منفی تشکیل شده باشد. مطالعه سایر ابعاد زندگی زنان جاهلی، چون مشارکت اجتماعی آنان که از آن غفلت شده است، عنصری اساسی در تبیین جایگاه آن‌ها می‌باشد. این بررسی وجود برخی از آداب و سنن مثبت، چون مشارکت فعالانه زنان در اجتماع را نشان می‌دهد و بیان‌گر مقام و موقعیت برتر زنان جاهلی در جامعه است. در این پژوهش برای نشان دادن این دیدگاه، نخست به توضیح دوران جاهلیت و عناصر مثبت و منفی آن جامعه می‌پردازیم و سپس مباحث را در چهار بخش حضور سیاسی، حضور نظامی، حضور در مراسم و حضور اقتصادی بررسی می‌کنیم و در ادامه به جایگاه زنان عراقی در دوره‌های مختلف پس از اسلام می‌پردازیم.

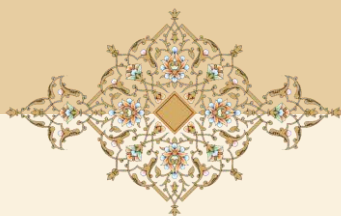
۲- روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، اسنادی - کتابخانه‌ای و نوع تحقیق کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی است.

۳- پیشینه بحث

۳-۱- شاه نوری، ندا، ۱۳۸۶، خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکا به عراق، تحقیقات زنان، ش ۲.

مقاله حاضر به موضوع شکل‌های خشونت بتنی بر جنسیت علیه زنان در عراق می‌پردازد و مختصری به شرایط حقوق و اجتماعی زنان، محدودیت‌ها و فرصت‌های آن در دوران رژیم بعث عراق اشاره دارد.



۳-۲- کولایی، الهه، ۱۳۹۶، دولت شکننده در عراق و امنیت زنان، سیاست، دوره ۴۷، ش ۱.

در این مقاله با استفاده از شاخص‌های شکنندگی دولت و امنیت انسانی، به بررسی تأثیر دولت شکننده عراق در بروز تهدیدهای امنیتی نسبت به زنان این کشور پرداخته شده و امنیت زنان در اثر بحران و شکنندگی دولت عراق که با تهدیدهایی مواجه شده است را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در مقالاتی که در این حوزه نگاشته شده است تنها به یک بعد از زندگی زن در عراق پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر با استفاده از منابع گوناگون سعی نموده به تمامی ابعاد زندگی زنان کشور عراق در گذشته و حال بپردازد.

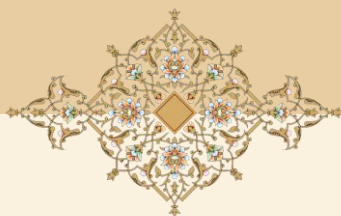
۴- تعاریف و مفاهیم

۴-۱- دوران جاهلیت

جاهلیت، اصطلاحی قرآنی و حدیثی درباره نوعی از ویژگی‌های رفتاری، اخلاقی و اعتقادی در دوره‌ای از تاریخ پیش از اسلام در شبه جزیره عربستان. جهل و مشتقات آن، در اشعار عرب پیش از اسلام نیز به کار رفته است. معنای جهل در عصر جاهلی بیشتر ناظر به رفتار است نه آنکه مقابل علم و دانایی باشد؛ نوعی خودسری در رفتار و روح تکبرآمیز که از سر فرود آوردن در برابر هر قدرتی، خواه انسانی و خواه الهی و خواه به حق یا ناحق سر باز می‌زده است (لاجوردی، ۱۳۹۳).

۴-۲- مشارکت سیاسی

مشارکت را می‌توان کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم‌وبیش سازمان‌یافته افراد و گروه‌ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی تعریف کرد و فعالیت سیاسی را فعالیت داوطلبانه جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری تعریف کرده‌اند. هانتینگتون مشارکت سیاسی را فعالیت اعضای جامعه برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی دانسته است. بی‌تردید یکی از شاخه‌های اصلی مشارکت، دخالت و تأثیرگذاری زنان به عنوان قشر مولد، مربی و کانون عاطفه و احساس در میان انسان‌ها است.



در جامعه قبل از اسلام نیز با وجود عقاید خرافی و باطلی که درباره اصل، هویت و بدشگونی زن مطرح بود، زنان می کوشیدند در شئون مختلف جامعه، مشارکت بیشتری داشته باشند. (دیار بکری، بی تا)

۴-۳- زنان عراق

عراق با نام رسمی جمهوری عراق، کشوری در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا است که از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شمال با ترکیه و از شرق با ایران همسایه است و پایتخت آن شهر بغداد است. عراق با حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت سی و ششمین کشور پرجمعیت جهان بوده و دارای تمدن و فرهنگ دیرینه و پرباری است.

وضعیت زنان در عراق طبق شاخص های جهانی وضعیت مطلوبی ندارد؛ و به طور کلی شرایط زنان عراق تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله جنگ، تاریخ، مذهب و رویدادهای سیاسی قرن ۲۰ و ۲۱ قرار گرفته است. باینکه سازمان های خصوصی مشغول مبارزه علیه خشونت خانگی هستند؛ اما هنوز هم عراق با رتبه ۱۲۰ در جدول شاخص نابرابری جنسیتی قرار گرفته است. (پایگاه خبرگزاری ایرنا)

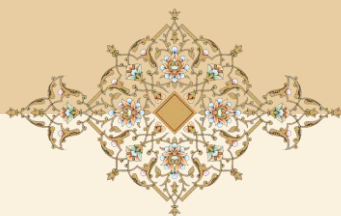
۵- تحلیل محتوا

پس از بیان مقدمات و تعاریف، به بررسی ابعاد مختلف زندگی زنان عراق از جمله ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در دوره های مختلف جاهلیت، صدر و بعد اسلام و دیگر دوره ها می پردازیم.

۵-۱- زن در دوران جاهلیت

سخن از زنان در دوران جاهلی؛ تنها منوط به مسائلی چون ازدواج، طلاق، تعدد زوجات، عدم مالکیت و دختر کشی نمی گردد که در این باره تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ بلکه مطالعه سایر ابعاد زندگی زنان جاهلی؛ از جمله مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان نیز حائز اهمیت است که به تفکیک بیان می گردد.

۵-۱-۱- عناصر فرهنگی مثبت و منفی در فرهنگ جاهلیت



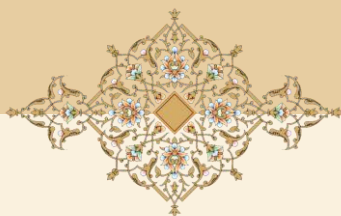
آموزه‌های قرآن، پیروان خود را به برخورد منطقی و موضوعی با پدیده‌ها، به‌دوراز تعصب و پیش‌داوری دعوت می‌کند و هرگز اجازه نمی‌دهد با نگاهی یک‌بعدی، به سبب یک نقطه منفی، تمام فضایل یک پدیده انکار شود یا به سبب یک نقطه مثبت، تمام عیوب نادیده گرفته شود. قرآن به پیامبر خاتم خود که صاحب لوای خاتمیت و جامع فضایل است، می‌فرماید: «أولئك الذين والله فبهدهم اقتده» این پیامبران کسانی هستند که خدا هدایتشان فرمود، پس به هدایتشان اقتدا کن و درباره قول که شامل گفتار و عقیده است، همگان را به انتخاب بهترین دستور، آن را به انتخاب بهتر فرمان می‌دهد: «فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه»، پس بشارت بده بندگان مرا، آن بندگان که چون سخن حق بشنوند نیکوتر آن را عمل می‌کنند. بر این اساس، لازم است عناصر منفی و غیرقابل دفاع فرهنگ جاهلی و عناصر مثبت ارزشمند آن به‌عنوان بخشی از فرهنگ انسانی بررسی شوند. (زمر: ۱۷ و ۱۸)

الف- عناصر مثبت

عناصر مثبت آن دسته از افکار، آداب، رسوم و سنت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است که به‌دوراز شرک، ظلم و فساد بوده‌اند. با تکیه بر فطرت پاک انسانی که استثنا نمی‌پذیرد، می‌توان موارد جالبی را از ویژگی‌ها و صفاتی یافت که پیامبر ﷺ در عرصه دعوت به اسلام به‌خوبی به آن‌ها استناد می‌فرمود. ویژگی‌هایی مانند مهمان‌نوازی، جود و سخاوت، مروت و جوانمردی، هم‌پیمانی، پناه دادن، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان. بر اثر غلبه فرهنگ شرک و ظلم، بسیاری از فضیلت‌های فوق به شکل چندان مطلوبی پیاده نمی‌شد و آن‌گونه که انتظار داریم نتیجه اخلاقی نداشت. فضایی مانند سخاوت که به شکل افراطی در آن جامعه رواج داشت؛ اما در اصل کاری ارزشمند و پدیده‌ای مثبت قلمداد می‌شد.

ب- عناصر منفی

با نگاهی منصفانه و عاری از تعصب و یک‌سوگر و با معیار فطرت بشری و اخلاقی انبیا، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان عناصر منفی فرهنگ جاهلی مطرح کرد: ۱- عبادت غیر خدا؛ ۲- قربانی کردن برای غیر خدا؛ ۳- فاصله شدید طبقاتی و عدم امکان تغییر طبقه، حتی با



داشتن تلاش، استعداد فراوان و دانش؛ ۴- نگرش به زن به عنوان انسان در جه دو؛ می پردازیم که از عناصر مثبت آن جامعه به شمار می آید و در اسلام نیز تأیید شده است.

۵-۱-۲ مشارکت زنان در دوران جاهلیت

مشارکت زنان در دوران جاهلیت در قالب مشارکت سیاسی؛ حضور نظامی و حضور در عرصه های اقتصادی گوناگون بوده است که به تفکیک، توضیح هر یک بیان می گردد.

الف- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از حقوق مهمی است که افراد می توانند در اجتماع از آن برخوردار باشند. حضور سیاسی زنان در جاهلیت به شکل های مختلف قابل مشاهده است.

الف-۱- بیعت

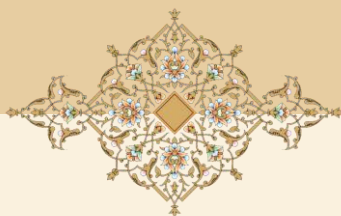
بیعت روشن ترین نماد حرکت سیاسی، اجتماعی و مظهر حضور عینی در متن جامعه است. بیعت پیمانی سیاسی، اجتماعی با رهبری جامعه برای استوار سازی پایه های حکومت و یاری رسانی به رهبری است.

الف-۲- حکمیت و قضاوت

در میان افراد صاحب کمال، زنانی بودند که به حسن رأی، صلابت حکم، فصاحت و بلاغت شهرت داشتند و در خصومت ها و نزاع میان افراد حکم می کردند. در میان قبایل عرب، قبیله تمیم به داشتن حکمای زن، معروف بود. نمونه ای از زنانی که حکمیت را در عصر جاهلی بر عهده داشتند، عبارت اند از: صحر، دختر لقمان که به داشتن عقل، کمال و حکمت مشهور بود و اعراب به هنگام نزاع در نسب و غیره، برای قضاوت نزد او می رفتند، هند، دختر خس الایادیه که به حکیمه العرب دختر خس الایادیه از حکیمان عرب به شمار می آمدند، خصله، دختر عامر بن ظرب عدوانی از حکیمانی است که در حکمت از صحر، هند و او و خواهرش جمعه، پیشی گرفته بود. (آلوسی، ۱۴۲۹)

ب- حضور نظامی

شواهد بسیاری در تاریخ جاهلیت می یابیم که زنان جاهلی به شیوه های گوناگون در جنگ ها شرکت می کردند. حضور نظامی زنان را در حوزه های مختلف جنگ مشاهده می کنیم.



ب-۱- فرماندهی سپاه

برای پیروزی در جنگ به فرماندهی هوشیار، باتجربه و باذکاوت نیاز است که سپاهیان را به بهترین شکل اداره کند. عجیب نیست اگر در تاریخ فرماندهان جنگ‌ها، مردان غالباً فرماندهی جنگ‌ها را در دست گرفته‌اند، عجیب آن است که زنانی که با محدودیت‌های بی‌شمار به این جایگاه عالی رسیده بودند که مردان در برابر عظمت آن‌ها تسلیم شده و مطیع آنان می‌شدند.

ب-۲- تشویق و دل‌گرمی مردان

عرب در بیشتر جنگ‌ها زنانشان را همراه خود می‌بردند تا با خواندن رجز آن‌ها را در نبرد، تشویق کنند. آن‌ها در آوازه‌های جنگی، ارتباط معنوی باخدایان خود برقرار کرده و از آن‌ها استمداد و پیروزی بر دشمن را می‌طلبیدند و آن را با رقص حماسی ادامه می‌دادند و به یک غنای جنگی تبدیل می‌کردند.

ج- حضور در مشاغل اقتصادی

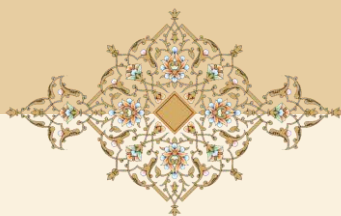
حضور فعال زنان در مشاغل اقتصادی در عصر جاهلیت به شکل‌های مختلف دیده می‌شود.

ج-۱- تجارت و بازرگانی

شتغال به تجارت و خریدوفروش در جاهلیت مخصوص مردان نبود. برای نمونه، می‌توان از حضرت خدیجه علیها السلام نام برد. وی از تاجران پرآوازه و والامقام روزگار خود بود که مردان بسیاری برای او تجارت می‌کردند، همچنین اسماء دختر مخربه، مادر عبدالله بن ابی ربیعه، در مدینه به تجارت عطر می‌پرداخت. وی عطرهايش را از یمن می‌آورد. (طبری. ۱۳۸۷، ج ۲)

ج-۲- فروشندگی

گزارش‌های روشنی درباره فروشندگی، نوع کالا و شیوه دادوستد زنان در عصر جاهلیت وجود دارد. بسیاری از متون تاریخی به حرفه عطر فروشی زنان اشاره کرده‌اند که یکی از این زنان، منشم عطاره است. او حنوط نیز می‌فروخت. ملیکه مادر سائب بن قریع از زنان عطر فروشی بود که نزد پیامبر است به عطر فروشی می‌پرداخت.



ج-۳- آرایشگری

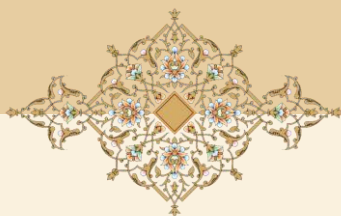
آرایشگری از فنون متداول و رایجی است که در تمام زمان‌ها رواج داشته است. در جاهلیت از مدل‌های آرایشی گوناگونی، چون کوپ، رنگ مو و مانند آن استفاده می‌کردند. خال کوبی بر لب و چهره و تغییر رنگ پوست و دست‌ها در حوزه کار آرایشگر بود. خالده دختر انس انصاریه از زنانی بود که با حنا آرایش می‌کرد. ام رعله، آرایشگری بود که حرفه خود را بر پیامبر عرضه کرد و از آن حضرت به اجازه کار گرفت و پیامبر کارش را تأیید کردند. ام زفر، آرایشگر حضرت خدیجه علیها السلام، همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. آمنه دختر عفان نیز از دیگر فعالان در این حرفه بود.

۵-۱-۳- زن در عراق قبل از اسلام

سنگ‌نوشته‌ها، نقاشی‌ها و شواهد دیگر تاریخی نشان می‌دهد که نقش زنان عراقی بیشتر معطوف به تهیه غذا و تولیدمثل بوده است. در واقع جامعه و مردان، همچون سایر نقاط جهان، هیچ نقش برجسته‌ای در اداره زندگی به زنان واگذار نمی‌کردند. این شرایط به‌طور نسبی در هر دوره‌ای ادامه داشته و رفته‌رفته به فرهنگ تبدیل شده است. مثلاً زنان عراقی قبل از ورود اسلام با مشکلات متعددی مواجه بوده‌اند و باینکه اسامی متعددی از زنان به‌عنوان دانشمند ذکر شده است؛ اما خشونت مردان و جامعه علیه زنان، نشان‌دهنده فراگیر بودن تفکرات ضد زن در جامعه آن زمان است. به‌عنوان مثال صدور برخی از فرمان‌ها توسط حکومت‌های وقت، نشان می‌دهد که سلاطین و پادشاهان وقت عراق، حاضر به دادن موقعیت اجتماعی بالایی به این قشر نبوده‌اند.

۵-۲- زن در عراق بعد از اسلام

برای اولین بار برخی از قوانین موجود در کتاب مسلمانان بانام قرآن، به زنان دسترسی‌های بیشتری اعطا کرد. مثلاً پیامبر مسلمانان با دادن سهم ارث، نفقه و ایجاد برخی از قوانین سعی در بهبود جایگاه زنان داشت. هرچند به گفته بسیاری از کارشناسان، نگاه و تفکرات خود اسلام به زنان سبب تشدید خشونت‌ها در آینده شد. به‌عنوان مثال گروه داعش با بهره‌گیری و تفسیر آیات قرآن، دست به اقدامات عجیبی علیه زنان عراقی زده است. به‌هر حال ورود اسلام



هم نتوانست شرایط نیمی از افراد جامعه را بهبود بخشد و احکام موجود در قرآن رفته‌رفته سبب تشدید فشارها علیه زنان شد. به‌عنوان نمونه احادیث و سوره‌های قرآن موجب اجرای قوانینی همچون حجاب اجباری، چندهمسری و ازدواج موقت شد.

۵-۲-۱- صدر اسلام

باینکه برخی از احکام اسلامی توانست ارزش بیشتری به زنان عراق دهد و مانع کشته شدن نوزادان دختر شود؛ اما وجود تفکرات قبیله‌ای، باورهای مذهبی جدید و دستوران الهی موجود در قرآن شرایط را بدتر کرد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵)

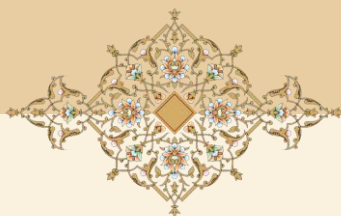
در صدر اسلام ماندن زن در خانه و پرداختن به امور کودکان ارزشمند شد. به همین دلیل حبس کردن زنان عراقی که قبل از ورود اسلام همه‌گیر نشده بود، به نشانه ایمان مردان مسلمان تبدیل شد.

چند سال پس از استقرار حکومت مسلمانان، زنان عراق به تبعیت از دستور الهی رو به پوشش الزامی آوردند. درواقع با توجه به استقرار حکومت مسلمین، افراد غیرمسلمان هم مجبور به اجرای این حکم شدند.

۵-۲-۲- خلافت عباسی

به‌طور کلی در دوران حکومت عباسیان زن به‌عنوان مظهر زیبایی و گرم کردن مجالس به شمار می‌آمد و غیرازاین موارد ظاهری هیچ ارزش دیگری نداشت. همین تفکرات زمینه بروز خشونت‌های شدید را ایجاد کرد. باینکه در همان برهه تاریخی فیلسوفان، دانشمندان و عارفان زن متعددی وجود داشتند، اما حکومت عباسی کمترین توجهی به دستاوردهای زنان نداشته است. با نگاه به کتب تاریخی می‌توان دریافت که ارزش زن در این دوره به کیفیت رقص، زیبایی و اندام خوبشان بوده است و نه نوع تفکر و زیستن آنها. با وجودی که زنان هنرمند و باسواد زیادی در جامعه زندگی می‌کردند؛ اما قوانین سفت‌وسخت حاکمان عباسی مانع ورود زنان تحصیل کرده به اداره کشور شد. (خضری، ۱۳۹۱)

قانون پوشش اجباری در عراق رفته‌رفته به سنتی قدیمی تبدیل شد و حاکمان عباسی در کشور عراق کوشیدند تا با پررنگ کردن آن نشان دهند که همچنان احکام اسلامی و احترام



به آموزه‌های قرآن برقرار است. این گونه افکار سیاسی موجب شد تا خدشه جبران‌ناپذیری به جایگاه زنان وارد شود.

۵-۲-۳- حکومت مغولان

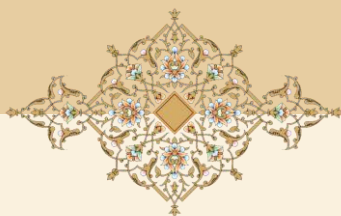
با تصرف سرزمین‌های کشور عراق توسط سرداران چنگیز خان، مثل همیشه زنان بزرگ‌ترین ضربات انسانی را متحمل شدند. در این عصر زنان عراقی به عنوان کنیز و یکی از ابزار ارضا شهوات مردان، خرید و فروش شدند و علاوه بر اوایل حکومت مغولان در عراق، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفتند. طبق اسناد موجود رفتار سربازان مغول با زنان بعد از هر پیروزی خارج از چهارچوب‌های انسانی بود. زنان عراقی پس از هر بار نزدیکی توسط صاحبانشان به بازار برده‌فروش‌ها برده می‌شدند.

با این حال آزادی حجاب و تحصیلات فراگیر از دستاوردهای حضور مغولان برای زنان عراقی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر به دلیل مسلمان نبودن حاکمان مغول، زنان عراقی توانستند تا سال‌ها بنا بر اختیار خودشان زندگی کنند و خانواده‌های ثروتمند دخترانشان را برای تحصیل به مکتب بفرستند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸)

۵-۲-۴- عثمانی‌ها

با تصرف سرزمین‌های عراق توسط ترکان و روی کار آمدن حکومت عثمانی در این کشور، بار دیگر مجموعه‌ای از محدودیت‌ها علیه زنان شکل گرفت. به گفته کارشناسان این عصر ضربات مهیبی به پیکر نیمه‌جان جامعه زنان وارد آورد.

اولین اقدام حاکمان عثمانی، صدور قوانینی مبنی بر پوشش اجباری زنان در بیرون از خانه بود. مردان مسلمان هم که عرصه را برای پیاده‌سازی آموزه‌های مذهبی خود مناسب می‌دیدند، با فشار علیه زنانشان بار دیگر قدرت انتخاب پوشش را از همسرانشان گرفتند. با اینکه هیچ قانونی از طرف عثمانی‌ها در رد یا تأیید خانه‌نشینی زنان صادر نشد، اما با گسترش روزافزون قوانین مذهبی، مردان با تکیه بر آموزه‌های دینی بار دیگر زنان عراقی را در خانه حبس کردند.



همچنین در خصوص تفکیک جنسیتی باید گفت قبل از این پسران و دختران در محیط‌های آموزشی در کنار یکدیگر به تحصیل می‌پرداختند؛ اما با قدرت گرفتن عثمانی‌ها، تفکیک جنسیت از سوی حاکمان آغاز شد و به بهانه‌های مختلف زنان از ورود به کلاس‌های درس محروم شدند.

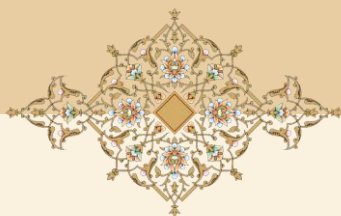
۵-۳- زن در عراق جدید

قیام بزرگ مردم عراق در سال ۱۹۲۰ سبب تشکیل کشور جدید به نام عراق شد. در واقع عراق پس از قرن‌ها، استقلال خود را از امپراتوری عثمانی باز پس گرفت. نقش زنان از نخستین روزهای قیام مردم عراق مشهود بود. آن‌ها توانستند در کنار مردان عراقی اعتراضاتشان را ساماندهی کرده و به هدف خود برسند. به دلیل عدم ثبات سیاسی از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ کمتر کسی به فکر دادن حقوق اولیه به زنان عراقی بود، چراکه اکثر جنبش‌های مردمی در فکر پیش بردن اهداف دیگری بودند. (روحانی، آشنایی با کشورهای اسلامی. ج ۱. ۱۳۸۸)

۵-۳-۱- حق رأی

با قدرت‌گیری حزب بعث عراق با سردمداری احمد حسن البکر، تحولات گسترده از به نفع زنان عراقی اتفاق افتاد. آن‌ها برای اولی‌بار در تاریخ سیاسی عراق دارای حق رأی، حق مالکیت و مشارکت در امور سیاسی شدند. این تصمیم با وجود مخالفت‌های گسترده از سوی برخی از علمای شیعه، اهل سنت و با اقبال جامعه جهانی و روشنفکران عراقی مواجه شد. در حال حاضر زنان با داشتن حق رأی یکی از عوامل تغییر حکومت‌ها به روش دموکراتیک هستند. هرچند میزان مشارکت پایین آن‌ها سبب نگرانی جامعه جهانی و بنیاد دفاع از حقوق زنان شده است؛ اما این روند در حال پیشرفت است. گروهی از فعالان حقوق زنان در عراق با انتشار نامه‌ای در سال ۲۰۱۲ به ضرورت دفاع از حق رأی زنان تأکید کردند. در قسمتی از این نامه آمده است:

«... کمترین تأثیر حق رأی زنان این بوده که مردان عراقی برای نخستین بار پذیرفته‌اند که یک زن حق انتخاب افراد حکومتی را دارد...» جالب است که مردان عراقی این نکته را



پذیرفته‌اند و اعتراضی هم ندارند. این شروع خوبی در جهت رسیدن به حداکثر حقوق زنان در جامعه‌ای پویا است.

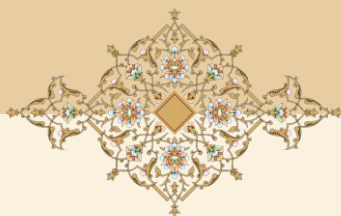
۵-۳-۲- آموزش زنان

نظام آموزشی عراق در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد، اما تحول اصلی برای زنان در دهه ۱۹۷۰ میلادی رخ داد. به وجود آمدن آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خصوصی، یکی از دستاوردهای نظام عراق در امر برابری حقوق زن و مرد بود؛ اما با تحریم این کشور توسط جامعه جهانی و ایالات متحده آمریکا، بیشتر این مراکز که توسط بودجه‌های دولتی اداره می‌شد بسته شد. در واقع این اتفاق سبب شد تا آموزش زنان در شرایط بدی قرار بگیرد. در زمان تحریم‌های گسترده جهان علیه حزب بعث عراق، دولت حاکم بر عراق را با مشکلات اقتصادی زیادی روبرو کرد در نتیجه آن دولت بسیاری از هزینه‌های خود را کاهش داد. یکی از قسمت‌هایی که در پی اتخاذ سیاست کاهش بودجه عمومی ضربات شدیدی خورد، بخش آموزش زنان بود تعداد زیادی از مدارس دولتی بسته شد و مدارس خصوصی جدیدی تأسیس شد. قشرها ضعیف جامعه که توانایی پرداخت شهریه‌های سنگین را نداشتند، با خانه‌نشینی کردن دختران خود مانع از باسواد شدن آن‌ها شدند.

الف- دوران پس از صدام

پس از سرنگونی حزب بعث عراق توسط ایالات متحده آمریکا، نظام عراق با چالش‌هایی نظیر جنگ داخلی و شورش‌های گسترده مواجه شد. به همین دلیل نتوانست به آموزش زنان عراقی توجه ویژه‌ای نشان دهد. هرچند صدور قوانین حکومتی سبب ازبین‌رفتن برخی از تبعیض‌ها شد.

دولت وقت که متشکل از جناح‌های سیاسی مختلفی بود، توانست با صدور قوانین جدیدی مانع از جدایی دختران و پسران در مدارس شود. این کار یک موفقیت محسوب می‌شود، چراکه به گفته کارشناسان، اولین شکاف‌ها را در تفکرات سنتی مردم عراق باز کرد.



ب- آموزش در حکومت داعش

با قدرت گرفتن داعش در قسمت‌هایی از کشور عراق، همچون گذشته‌های دور زنان از تحصیل منع شدند و تبعیض جنسیتی در آموزش عمومی از سر گرفته شد در واقع احکام داعش مانع از حضور دختران جوان در مدارس سطح پایه شد، چراکه معتقد بودند وظیفه زن حفظ ارزش‌های خانواده و رسیدگی به کودکان است. این دیدگاه‌ها بار دیگر زنان عراقی را از تدریس و تحصیل محروم کرد و سبب شد تا نسل دیگری از زنان بی‌سواد در عراق شکل بگیرد (پایگاه خبرگزاری ایرنا)

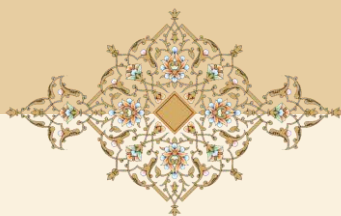
ج- آمار کنونی آموزشی زنان عراقی

در حال حاضر ۲۶ درصد زنان عراقی بی‌سواد هستند. این آمار در زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۸۵ درصد است. طبق استانداردهای جهانی زنان عراقی با داشتن شاخص بالای بی‌سوادی در بین نوجوانان، دچار ساییدگی سواد هستند. با اینکه ۶۵ درصد جمعیت عراق را زنان تشکیل می‌دهند و ۷۵ درصد نیروی کار کشاورزی این کشور متعلق به این گروه است، اما شرایط حقوقشان در وضعیت بدی قرار دارد. به‌طور کلی نقض حقوق زنان در عراق مشهود است و در سال‌های اخیر با تقویت تفکرات سلفی و وهابی افزایش یافته است. (پایگاه خبرگزاری ایرنا)

۵-۳-۳- ازدواج زنان در عراق

طبق قانون حداقل سن برای ازدواج دختران ۱۸ سال است. هرچند این قانون به‌صورت ظاهری رعایت می‌شود و خانواده‌ها در نقاطی از کشور دختران را در سنین کمتر وادار به ازدواج می‌کنند.

به‌عنوان مثال گزارش سالیانه دیدبان حقوق بشر نشان می‌دهد که در کردستان عراق ازدواج اجباری، ازدواج کودکان و بریدن آلت زنانه سه مورد از مشکلات بزرگ است؛ بنابراین با اینکه قوانین روشنی در مورد ازدواج زنان در کشور عراق موجود است؛ اما تفکران سنتی و قبیله‌ای مانع اجرای آن شده است.



طلاق در جامعه عراق تا حدودی قابل قبول است، هر چند تفسیر مردم از این موضوع می تواند متفاوت باشد و حتی برای زنان مطلقه آزاردهنده باشد. (لاجوردی، ۱۳۹۳)

۵-۳-۴- تلاش ها برای حقوق زنان

سازمان نجات زنان (OWFi) در سال ۱۹۹۸ در کردستان عراق تأسیس شد و پس از سرنگونی صدام حسین، فعالیت هایش را به کل کشور گسترش داد. تمرکز این گروه بر روی مبارزه با قتل های ناموسی و آزار و اذیت زنان است. قوانین کلی این گروه از زبان مؤسس آن به شرح زیر است:

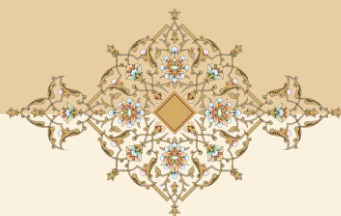
در این سازمان به دنبال ایجاد شرایطی برابر و لغو قانون های تبعیض آمیز؛ به دنبال جدا کردن دین از آموزش و پرورش؛ پایان دادن به قتل های ناموسی و هرگونه فشاری علیه زنان توسط سیاسیون؛ پایان دادن به پوشش و حجاب اجباری؛ ایجاد شرایطی در جهت مشارکت زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به دنبال تفکیک جنسیتی در هر مقطعی در نظام آموزشی کشور هستیم.

همچنین با تلاش های صورت گرفته توسط ینار محمد، ناصیک احمد و نادیا محمد، سازمان آزادی زنان در عراق شکل گرفت. وظیفه این سازمان بهبود شرایط زندگی و قوانین مربوط به زنان عراقی است. به طور کلی این گروه به دنبال از بین بردن تأثیر آموزه های مذهبی از قوانین زنان جامعه در چهارچوب سکولاریسم است.

در تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۱ مطابق با روز جهانی زن، یک ائتلاف بزرگ متشکل از ۱۷ گروه که هدفشان حمایت از حقوق زنان بود در عراق، شبکه سراسری برای مبارزه با خشونت علیه زنان را تشکیل دادند.

۵-۳-۵- مشکلات حقوقی زنان عراقی

سیستم حکومتی عراق در مورد زنان بر پایه احکام اسلامی است. قانون اساسی که در سال ۲۰۰۵ توسط نمایندگان احزاب گوناگون نوشته شد، معتقد است که همه قوانین خانواده و زنان باید مطابق اسلام و شریعت اجرا شود. قانون عراق مشکلات زیادی را برای زنان به وجود آورده است. طبق قانون زنان در اموری همچون حضانت، ارث، شهادت در دادگاه و

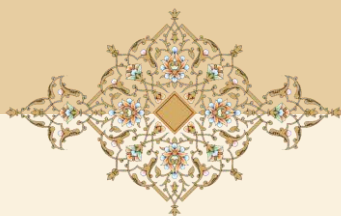


بعضی موارد نیمی از آن مردان حق و حقوق دارند. به عنوان مثال شهادت هر دو زن با شهادت یک مرد در دادگاه برابر است.

یکی دیگر از مشکلات حقوقی زنان در عراق، مربوط است به نداشتن حق انتخاب و حمایت نکردن قانون از آن‌ها. به عنوان مثال اگر زنی به دلیل خیانت به همسر یا نزدیکی با یک فرد بیگانه، توسط همسر یا اقوام نزدیکی همچون پدر یا برادرش به قتل برسد، قانون عراق کمترین حمایتی از وی به عمل می‌آورد و مردم و قانون حق را به قاتل یا قاتلان می‌دهد. سال ۲۰۰۸ میلادی، یک دختر ۱۷ ساله عراقی پس از برقراری ارتباط جنسی و عاطفی با یک سرباز انگلیسی، توسط پدر و دو برادرش در خیابان به قتل رسید. پلیس قاتلان را دستگیر کرد؛ اما پس از چند ساعت آن‌ها را آزاد کرد.

۶- نتیجه‌گیری

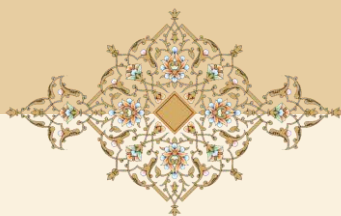
با توجه به مطالب فوق به طور خلاصه دانستیم که از دوران جاهلیت تاکنون هنوز وضعیت زنان در عراق طبق شاخصهای جهانی وضعیت مطلوبی ندارد؛ و به طور کلی شرایط زنان عراق تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله جنگ، تاریخ، مذهب و رویدادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته است؛ و تنها با ورود اسلام بود که بعد از دوران جاهلیت زنان از حق زندگی و رفاه بهتری برخوردار شدند ولی هنوز هم متأسفانه با تمام تلاش‌های صورت گرفته در این کشور، عراق با رتبه ۱۶۰ در جدول شاخص نابرابری جنسیتی قرار گرفته است.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۸، تاریخ مغول، تهران، انتشارات نگاه.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۲۹ ق، اخبار بغداد و ما جاورها من البلاد، بیروت، الدار العربیة للموسوعات.
۴. خضری، سید احمد رضا، ۱۳۹۱ ش، تشیع در تاریخ، قم، دفتر نشر معارف.
۵. دیار بکری، حسین بن محمد، بی تا، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس، بیروت، دار صادر.
۶. روحانی، حسن، ۱۳۸۸، آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران، نشر مشعر.
۷. شاه نوری، ندا، ۱۳۸۶، خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکا به عراق، تحقیقات زنان، ش ۲.
۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار التراث، چ ۲.
۹. کولایی، الهه، ۱۳۹۶، دولت شکننده در عراق و امنیت زنان، سیاست، دوره ۴۷، ش ۱.
۱۰. لاجوردی، شهاب، ۱۳۹۳، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام.

۱۱. <https://www.irna.ir>



The position and role of women during the Iranian Islamic Revolution

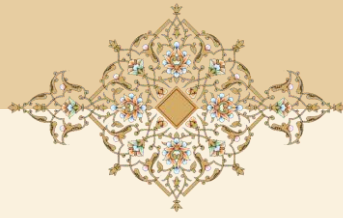
Sahar Gomar^{۱۵}

Abstract

The purpose of the upcoming article is to examine the role of women in three eras: "pre-revolution", "Islamic movement" and "post-revolution". The method of collecting information in the current research is documentary-library and the type is qualitative and descriptive-analytical research. The important and fundamental issue of this article is the comparison of the role and presence of women in different fields of society in these three periods, which have not been expressed in a single collection before. Before the revolution, women were viewed in two ways, either as a beautiful and charming element and a tool for men to exploit them, or as a weak object. However, at the same time as the Islamic revolution and the formation of the Islamic movement, and with the widespread presence of women in demonstrations and strikes, the activities of women in society expanded; Although, due to the dominance of traditional thinking, women were still deprived from participating in some social activities. The peak of women's presence in various scientific, social, economic and industrial fields is after the Islamic revolution and the sacred defense and coincides with the beginning of the construction era. During this period, women became active in the fields of politics, employment, and education, and also maintained and strengthened their position and constructive role as "mothers" in the society.

Key words: social participation, political participation, women's employment, women's struggles, maternal status, Islamic revolution

^{۱۵}- Bachelor student, Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq University, Girl's Campus, Tehran, Iran, E-mail address: Shahidgomnam.۳۰@gmail.com (Responsible Author)



مكانة و دور المرأة خلال الثورة الإسلامية الإيرانية

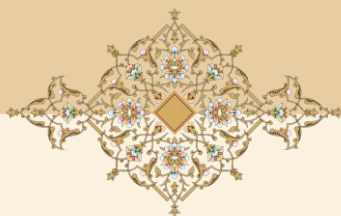
سحر گمار^{١٣}

الملخص

الهدف من كتابة هذه المقالة هو البحث حول دور النساء في الفترات الثلاثة ، قبل الثورة، في الحركة الإسلامية و بعد الثورة. تمت كتابة هذه المقالة على نحو بحث و ثائقي و مكتبي و منهج البحث هو المنهج الوصفي التحليليالموضوع الهام و الأساسي في هذه المقالة هو مقارنة دور و حضور النساء في شتى مجالات المجتمع في هذه الفترات الثلاثة التي لم تذكر في مجموعة واحدة حتى الآن.و كان رأى السائد قبل الثورة أن المرأة هي جذابة جسديا و هي مجرد وسيلة للاستمتاع أم هي ذات شخصية ضعيفة لكن تزامنت الثورة الإسلامية و تأسيس الحركة الإسلامية مع حضور النساء الواسع في المظاهرات و الإضرابات. و توسعت نشاطات النساء في المجتمع لكن كانت النساء محرومات من المشاركة في النشاطات الإجتماعية نوعا ما بسبب غلبة التفكير التقليدي.ذروة حضور النساء في المجالات المختلفة، العلمية، الإجتماعية، الاقتصادية و الصناعية تكون من بعد الثورة الإسلامية و الدفاع المقدس و في نفس الوقت مع بداية فترة الانشاء. في هذه الفترة أصبحت النساء ناشطات في المجالات السياسية و العمل و تعلم العلوم و ايضا احتفظت النساء موقفهن و دورهن الفعال كأمهات في المجتمع.

الكلمات المفتاحية: المشاركة الاجتماعية ، المشاركة السياسية ، عمل المرأة ، نضال المرأة ، مكانة الأم ، الثورة الإسلامية

١٣- طالبة بكالوريوس في مجال الفقه و القانون الإسلامي، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، قسم الأخوات، طهران، إيران، البريد الإلكتروني: Shahidgomnam030@gmail.com (المؤلف المسؤول)



جایگاه و نقش زن در دوران انقلاب اسلامی ایران

سحر گمار^{۱۲}

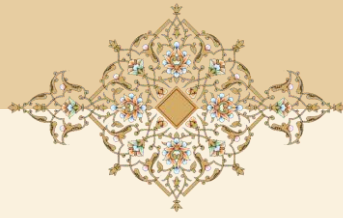
چکیده

هدف از مقاله پیش‌رو بررسی نقش زنان در سه دوران "پیش از انقلاب"، "نهضت اسلامی" و "پس از انقلاب" است. روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، اسنادی- کتابخانه‌ای و نوع تحقیق کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. مسئله‌ی مهم و ریشه‌ای این مقاله مقایسه‌ی نقش و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع در این سه دوره است که تا پیش‌ازاین در یک مجموعه واحد بیان نشده بودند. تا پیش از انقلاب نگاه غالب به زنان به دو صورت بود یا به شکل عنصری زیبا و افسونگر و ابزاری برای بهره‌وری مردان از آن‌ها و یا به شکل شیئی ضعیف و کم‌توان. اما هم‌زمان با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهضت اسلامی و با حضور گسترده زنان در تظاهرات و اعتصابات، فعالیت زنان در جامعه گسترش یافت؛ اگرچه همچنان تا حدودی به علت غلبه تفکرات سنتی زنان از مشارکت در برخی فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند. اوج حضور زنان در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی مربوط به بعد از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و هم‌زمان با آغاز دوران سازندگی است. در این دوران زنان هم در عرصه‌های سیاسی و اشتغال و علم‌آموزی حضور فعال پیدا کردند و همچنین جایگاه و نقش سازنده خود را به‌عنوان "مادر" در جامعه حفظ و تقویت کردند.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، اشتغال زنان، مبارزات زنان، جایگاه مادری، انقلاب اسلامی

۱۲- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

Shahidgomnam۰۳۰@gmail.com (نویسنده مسئول)



۱- مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید؛ اما از سال‌ها قبل زمینه‌های این پیروزی به رهبری امام خمینی ره زمینه‌سازی شده بود. در این میان زنان نقش مهمی در به ثمر رسیدن این پیروی داشتند. چنانکه هم‌زمان با پیروزی انقلاب و حملات همه‌جانبه دشمنان در فروپاشی آن؛ زنان به عنوان ستون‌های اصلی نگه‌دارنده انقلاب همواره در تلاش و تکاپو بودند.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز جایگاه زنان در خصوص نقش‌آفرینی در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غیرقابل انکار است.

امامین انقلاب همواره به نقش مهم بانوان در پیروزی انقلاب و پیشرفت کشور اشاره داشته‌اند و زمینه را برای نقش‌آفرینی هرچه بیشتر آنان جهت رشد ایشان و آبادانی کشور فراهم نموده‌اند.

روش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در مبارزات دوران نهضت اسلامی، وضعیت علم‌آموزی و اشتغال ایشان از جمله مواردی است که در مقاله حاضر بدان می‌پردازیم. برای این منظور، پس از بیان تعاریف، نقش زنان در دوران پیش از انقلاب، دوران نهضت اسلامی و دوران پس از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، اسنادی-کتابخانه‌ای و نوع تحقیق کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

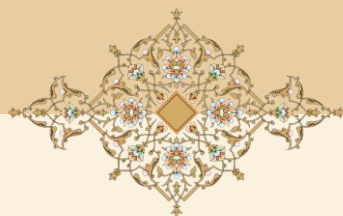
۳- پیشینه بحث

در رابطه با جایگاه، حقوق و نقش زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران،

پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود

۳-۱- آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۸۰، رشد علمی زنان در دو دهه انقلاب، پیام زن، دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۱.



در مقاله مذکور از رشد علمی زنان در دو دهه پس از انقلاب اسلامی صحبت شده است و تلاش‌های علمی زنان را در زمینه‌های گوناگون علمی و کسب مدارک علمی توسط آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

۳-۲- بهرامی، فاطمه، ۱۳۸۷، جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، سال ۵، ش ۱۸.

نویسنده در این پژوهش به تساوی حقوق زن و مرد در قانون اساسی، حدود مشارکت‌های سیاسی زنان، تشکله‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنان، حمایت از زنان در قانون اساسی می‌پردازد.

۳-۳- معین الاسلام، مریم، ۱۳۸۳، جایگاه و نقش مادری در جمهوری اسلامی ایران، زنان، ش ۱۵۶.

در مقاله حاضر تأکید ویژه‌ای بر نقش مادری زنان شده و به حمایت از این نقش و فراهم کردن امکانات جهت ایفای صحیح آن در حکومت و قانون اساسی پرداخته شده است.

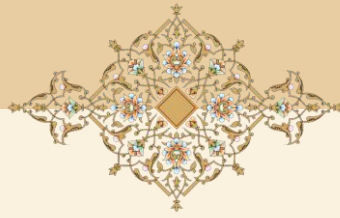
باین حال پژوهشی که از پیش از انقلاب اسلامی جایگاه زن را مورد بررسی قرار داده و سپس به مشارکت زنان در حین انقلاب و زمینه‌سازی‌های آنان و در نهایت جایگاه آنان را در پس از انقلاب اسلامی به طور یک مجموعه واحد بیان کند، یافت نگردید.

۴- تعاریف و مفاهیم

۴-۱- اشتغال زنان

منظور از اشتغال زنان را به دو صورت می‌توان مطرح نمود:

الف- اشتغال به معنای حضور در ساختار اجتماعی آن‌هم به دلیل بهره‌وری اقتصادی



ب- اشتغال به معنای دارا بودن سهم تأثیر در تکامل جامعه

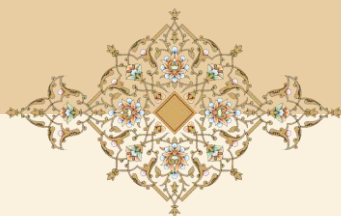
با فرض پذیرش تعریف اول که تعریفی ساخته شده در سطح بین‌المللی است و امروز نیز تقریباً کلیه مطالعات بر مبنای این تعریف انجام می‌گیرد، دارای محدودیت‌های بسیاری است. اشتغال در این شکل به معنای دارا بودن پست رسمی درون یک ساختار (اعم از دولتی یا خصوصی) است که شاخصه‌ای برای گردآوری آمار رسمی در کشور برای مقایسه در سطح جهانی می‌باشد. این شاخصه تعیین‌کننده معیارهای دیگر مانند میزان سواد، کارایی و نهایتاً تشخیص اجتماعی می‌باشد. این نگرش به دلیل محدودیت، بسیاری از مشاغل یا مشغولیت‌ها را که مستقیماً سود اقتصادی ندارد، حذف می‌کند. با پذیرش فرض دوم، یعنی مؤثر بودن در تکامل جامعه، نمونه‌هایی می‌توان یافت که به معنای اول و متداول شاغل نیستند، ولی در تغییر وضعیت سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی جهان نقش مهم و اصولی داشتند. (مکنون، ۱۳۸۱)

۲-۴- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی در اصطلاح به معنای مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است پس مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان‌یافته مردم درباره حکومت و سیاست است یعنی مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن، بیگانه احساس نمی‌کنند: به عبارت دیگر مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت، هدایت آن را بر عهده می‌گیرند. (موسوی، ۱۳۹۰)

۳-۴- انقلاب اسلامی

انقلاب ایران بیشتر از هر عنوانی با نام «انقلاب اسلامی» مطرح شده است. بسیاری از تحلیلگران انقلاب، آن را انقلابی مردمی یا مردم‌گرا می‌دانند. محور مهم انقلاب اسلامی ایران که از ویژگی الهی بودن انقلاب سرچشمه می‌گیرد، نقش دین، عالمان دینی و رهبری و هدایت انقلاب توسط امام خمینی ره است. طراح و معمار کبیر انقلاب اسلامی همواره با تأکید بر پیوند عمیق و ناگسستنی انقلاب اسلامی ایران با آموزه‌های اسلامی و تعالیم دینی بر استثنایی بودن آن تأکید



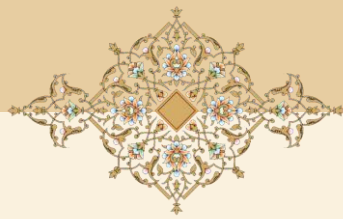
می‌نمود. این انقلاب با رهبری و هدایت عالمان دینی آغاز شد و به سرانجام رسید. در رأس این بزرگان، شخص امام خمینی ره قرار داشت که بالاترین جایگاه دینی، یعنی مرجعیت را دارا بود. امام خمینی، انقلاب و پیروزی آن را وام‌دار زنان می‌شمارد. چراکه آنان سبب تقویت روحیه و انگیزه انقلابی مردان شدند. حضور زنان در انقلاب، هرچند پدیده‌ای بی‌سابقه نبود و تاریخ جنبش‌های سیاسی و اعتراض‌آمیز ملت ایران، از شور و شعور زنان مسلمان ایرانی حکایت دارد، اما با توجه به فراگیر بودن انقلاب، باید گفت که آنان الهام‌بخش همگان بودند. (یزدانی، ۱۳۹۶)

۵- تحلیل محتوا

در پژوهش حاضر بر آنیم تا جایگاه زنان در دوران انقلاب اسلامی ایران را موردبررسی قرار دهیم. از این رو به نقش زنان در دوران پیش از انقلاب، دوران نهضت اسلامی و دوران پس از انقلاب می‌پردازیم.

۵-۱- نقش و جایگاه زن در دوران قبل از انقلاب اسلامی

در جامعه قبل از انقلاب اسلامی، به لحاظ سلطه فرهنگ بیگانه و در نتیجه شکل‌گیری یک بافت اجتماعی خاص، هرگونه تحرک و فعالیت سیاسی از زنان مسلمان سلب شده بود. جامعه پیش از انقلاب در قبال نقش و جایگاه زن در کل دو گونه نگرش داشت؛ نگرشی که زن را عنصری زیبا، افسونگر، تنوع‌آفرین و گذراننده اوقات فراغت هوس‌بازان می‌دانست؛ و نگرشی که زن را همچون پیچک ضعیفی معرفی می‌کرد که تاب هیچ مقاومتی در مقابل طوفان حوادث را ندارد و انتظار هیچ کار جدی و مهمی از او نمی‌رود. زن در صحنه اجتماع آن روز الهه دل‌فریبی بود که تنها نقش دلبری خویش را خوب می‌دانست. زندگی او عاری از هدف بود و عمر خود را در تاریکی و بی‌خبری سپری می‌کرد. با روشن شدن اولین شعله‌های انقلاب، زن ایرانی که قبل از آن تنها ایفاگر نقشی بسیار ساده و ناقص و بی‌خبر از نقش‌سازنده و ارزشمند خود بود، حصار بی‌بندوباری را در هم شکست، قیام کرد و همپای مردان جامعه به مبارزه برخاست و بدعتی نو گذاشت. (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۵۳، ش ۴۸)



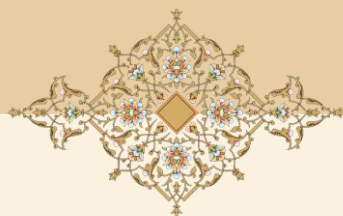
۵-۲- نقش و جایگاه زن در نهضت اسلامی

از هنگامی که زمامداری و حکمرانی شاهان پهلوی و نفوذ وسیع انگلیس و حضور بی‌چون و چرای آمریکای جهان‌خوار، فرهنگ اسلام را مورد تاراج و چپاول قرار داد و فرهنگ غربی جای پای خود را جهت ناتوان کردن جامعه در ایران مستحکم نمود بدیهی بود که در این تاراج گسترده و نفوذ وسیع، بیش از همه زنان جامعه مورد آسیب واقع شوند. سلطه‌گران به‌خوبی می‌دانستند که خواهند توانست از طریق نفوذ و هجوم بر افکار زنان، اجتماع را به ابتدال بکشند و قوه محرکه جامعه را سست و ناتوان و بی‌اثر سازند و احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی را از بین ببرند. استعمارگران با شعارهای فریبنده، زن را در لجنزار سیاسی اهداف شوم خویش قرار دادند و از او تنها به‌عنوان یک ابزار تبلیغاتی ضد اخلاقی بهره جستند. ولی از جنبشی که در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد، زن مسلمان ایرانی که در این سال‌ها همچون آتش زیر خاکستر منتظر فرصت بود همگام با مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت به حرکت درآمد و هر چه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می‌شد بر تعداد و شدت فعالیت این زنان افزوده می‌شد. با شعله‌ور شدن آتش انقلاب، زن مسلمان نیز که تا پیش از این با فعالیت‌های مخفی و به‌عنوان مادر شهید و یا همسر مبارزان دربند با رژیم شاه مبارزه می‌کرد، به خیابان‌ها آمد و با فریاد «مرگ بر شاه» نهضت انقلاب را تداوم بخشید. (یزدانی، ۱۳۹۶، ص ۸۷)

۵-۲-۱- روش‌های مشارکت زنان در عرصه مبارزات سیاسی در دوران نهضت اسلامی

زنان به شیوه‌های مختلفی در دوران نهضت اسلامی مشارکت داشتند، بارزترین این شیوه‌ها، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها بود. مشارکت زنان در تظاهرات توده‌ای علیه رژیم شاه در ماه‌های واپسین سال ۱۳۵۷ مهر تأییدی است بر پیدایش این آگاهی تازه میان زنان که نباید نقش آن‌ها به فعالیت‌های درون‌خانه محدود شود و ریختن به خیابان‌ها در کنار مردان نیز وظیفه آنان به‌عنوان زن ایرانی می‌باشد. (حافظیان، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸)

شرکت در اعتصابات نیز شکل دیگری از مشارکت آن‌ها در دوران مبارزه بود. همان‌گونه که می‌دانیم یکی از عوامل اصلی در پیشبرد نهضت که نهایتاً به فلج شدن رژیم پهلوی انجامید اعتصابات و دست کشیدن از کار بود. مشارکت زنان در اعتصابات در همه سازمان‌ها و نهادهای



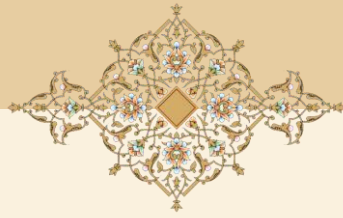
دولتی و خصوصی بسیار گسترده بود. به گونه‌ای که در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، حتی کارکنان نهاد دولتی «سازمان زنان ایران» نیز به اعتصابات پیوستند. (حافظیان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶)

شکل دیگر از فعالیت زنان در دوران انقلاب، تکثیر و پخش اعلامیه‌ها و نوارهای امام باهدف رساندن پیام اسلامی و شناسایی حقایق اسلامی به مردم بوده است. (فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱)

شهید مطهری حضور زنان در پیروزی انقلاب اسلامی را این چنین تبیین می‌نماید: «اتفاقاً یکی از جنبه‌های جالب و حیرت‌انگیز انقلاب اسلامی ایران همین مسئله است. یعنی انقلابی با ویژگی‌هایی در جامعه پیدا شد که از نظر آن‌ها که برای خودشان معیارهایی دارند غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل سنجش بوده است. در غرب این تبلیغ زیاد شده است به‌طوری‌که برای آنان تبدیل به یک باور شده که زن در جامعه اسلامی از حقوق خویش محروم بوده و هست و زن‌ها عناصر ناراضی در میان مسلمانان هستند.

بنابراین اگر به آن‌ها عرضه شود که انقلابی در جهت اسلامی می‌خواهد پیدا شود و انقلابی است که خواهان برقراری ارزش‌های اسلامی است نهایتاً در جبهه مخالف شرکت خواهد کرد. چون بر اساس فرضیه آن‌ها، زن‌ها از اسلام و از جامعه‌ای که با معیارهای اسلامی اداره شود ناراضی‌اند. بنابراین در این انقلاب شرکت نخواهند کرد. ولی در عمل، زن‌ها نه تنها در این انقلاب شرکت کردند بلکه اگر حضور آنان نبود هیچ‌گاه انقلاب به ثمر نمی‌رسید؛ چراکه زنان نه فقط شرکت مستقیمشان مؤثر بود بلکه تأثیر شرکت غیرمستقیمشان (یعنی تأثیری که روی برادران، پدران، شوهران فرزندان‌شان داشتند) از تأثیر مستقیم خودشان کمتر نبوده و این خود یک مسئله فوق‌العاده است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰)

رهبر انقلاب اسلامی با تیزبینی و تیزهوشی خاص خود دریافته بود که انقلاب اسلامی ایران بدون شرکت بانوان به ثمر نخواهد رسید؛ از این رو ایشان سعی نمود قوانین اسلامی در مورد زنان را به‌وضوح به تصویر بکشد تا جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند؛ از این رو در یکی از بیانات خود می‌فرماید: «ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به‌عنوان یک شیء و عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز

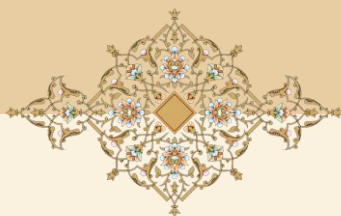


اجازه نمی‌دهیم که زنان فقط شیء برای مردان و آلت هوسرانی باشند.» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۵۶) ایشان در پاریس مؤکداً و صریحاً اعلام داشتند که شرکت خانم‌ها در تظاهرات و راهپیمایی‌ها ولو با منع صریح پدران و شوهرانشان مواجه شوند، واجب است و آن‌ها حق ندارند مانع شرکت زنان شوند. طرح مسئله تکلیف شرعی زنان برای شرکت در فرآیند انقلاب از سوی امام، تمامی محیط‌های خصوصی و عمومی را به چالش کشید: «نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند یا می‌تواند به‌عکس آن باشد. بدون شک آنچه در این پنجاه‌ساله روزگار سیاه ایران به دست این رژیم سیه‌روی به ملت عزیز ایران به‌ویژه بانوان مظلوم گذشت، با طرح و نقشه از پیش حساب‌شده ابر جنایتکاران جهان بوده است. رضاخان و فرزند جنایتکارش با فکر علیشان به چنان جنایات عمیقی دست زدند که در طول تاریخ این کشور بی‌نظیر یا کم‌نظیر بوده است.» (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۵۶-۵۷)

۵-۳- نقش و جایگاه زن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

یکی از تحولاتی که در خصوص زنان رخ داد تغییر نگرش به نقش و جایگاه زنان در اجتماع از طرف مجامع مذهبی بود، قبل از پیدایش نگرش جدید، نگاه غالب تأکید بر ضرورت خانه‌نشینی و انجام وظایف مربوطه به خانه و خانه‌داری بود اما نگرش روحانیان روشن‌بین غیرازاین بود و خواهان این بودند که زنان با حفظ شئون اسلامی حضور پررنگی در عرصه‌های مختلف داشته باشند. (تقی زاده و بیگی زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۳)

زن ایرانی با ظهور انقلاب اسلامی تحول یافت و تحول آفرید؛ هرروز به‌سوی رشد و کمال تازه‌ای راه یافت و در کوره انقلاب آبدیده و استوار شد. زنان مسلمان و متعهد کشورمان برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی، بسیار فعال و سازنده قدم برداشتند و حرکت‌های اجتماعی عظیمی با مشارکت آنان شکل گرفت. (عیوضی، ۱۳۸۵، ص ۵۷)



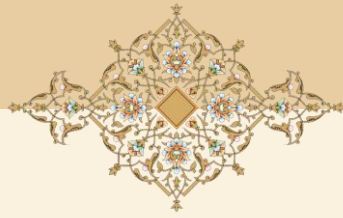
از جمله عرصه‌ها و صحنه‌هایی که زنان نقش مؤثری در آن داشتند می‌توان به دوران جنگ ایران و عراق و حضور در عرصه سیاسی اشاره کرد.

۵-۳-۱- نقش زنان در جنگ ایران و عراق

فعالیت عمده زنان در طول ۸ سال جنگ تحمیلی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد؛ شرکت در بسیج نظامی و انتظامی، شرکت در ستاد پشتیبانی جنگ و فراهم ساختن کمک‌های مادی مختلف برای رزمندگان، حمایت معنوی از مردان و رزمندگانی که به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند، مهاجرت از مناطق جنگی و تجربه دیگر محیط‌های اجتماعی. (مصفا، ۱۳۷۳، ص ۳۷۰)

امام خمینی ره در این خصوص می‌فرماید: «مادرهای امروز نمونه است، خدا می‌داند؛ یعنی در طول تاریخ مثل این مادرها ما نداشتیم الا کم که فرزندان کشته بشود و بعد بیاید بگوید که نه من افتخار دارم. بعضی از این جوان‌ها به من می‌گفتند که این مادرها ما را گرم نگه داشته‌اند؛ این عکس‌العمل این مادرهای جوان مرده، ما را زنده نگه داشته و گرم نگه داشته برای اینکه این‌ها هستند که به ما شجاعت می‌دهند، این‌ها هستند که ما را تشویق می‌کنند.» (خمینی، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۲۶۹)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آن‌ها را حتی از پدران شهدا هم قوی‌تر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدان‌های سیاسی و فرهنگی است.» (موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۹، ص ۳۸) «زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ - چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها - و کلاً در همه‌ی میدان‌ها، حضوری فعال داشتند. امروز هم در میدان سیاست، در میدان فرهنگ، در میدان انقلاب، در فعالیت‌های مقابل چشم دشمنان جهانی، زنان ما حضور فعال دارند. امروز اجتماع عظیم شما در اینجا، یک مفهوم فرهنگی، یک مفهوم سیاسی و یک مفهوم اجتماعی دارد. آن کسانی که قضایای کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی را تحلیل می‌کنند، وقتی این اجتماع عظیم، این اراده‌های استوار، این آگاهی و این شور و شوق را از شما مشاهده می‌کنند، نسبت به ایران بزرگ



و ملت عظیم الشان ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، احساس تعظیم و ستایش خواهند کرد.»
(الحسینی الخامنه ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

۵-۳-۲- زمینه‌های سیاسی افزایش مشارکت زنان

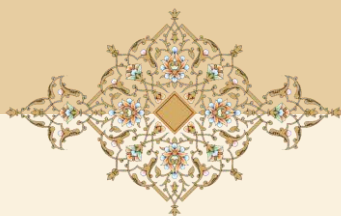
در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به زنان توجه خاصی شده است. در راستای استیفای بیشتر حقوق زنان، قانون اساسی علاوه بر این که در اصول متعدد به حقوق برابر و وظایف زن و مرد اشاره می‌نماید حتی در مواردی نیز با توجه به آسیب‌پذیری زنان در قبال برخی موقعیت‌ها لزوم حمایت از آنان را مقرر می‌دارد و دولت را مسئول تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند و هرگونه تبعیض و عدم تساوی بر مبنای جنسیت را که در واقع ایجادکننده زمینه برای بروز خشونت با تمامی انواع آن علیه زنان می‌شود را نفی می‌کند. (تقی زاده و بیگی زاده، ۱۳۹۷، ص ۱)

تبعیض علیه زنان بر اساس «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۳۵۸» بدین گونه تعریف شده است: در چارچوب پیمان‌نامه حاضر، تبعیض علیه زنان، به معنی هرگونه تمایز، محدودیت یا محدودیت ناشی از جنسیت است که از لحاظ تساوی حقوق زن و مرد و صرف‌نظر از وضعیت تأهل، منظور از آن آسیب رساندن یا تضعیف، برخورداری یا به‌کارگیری حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی یا هر زمینه دیگر بوده و یا منجر به آن می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به همین مسئله در اصول متعدد به برابری حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی زن و مرد اشاره می‌کند. (بهرامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵)

اصل سوم قانون اساسی، از اصولی است که حقوق برابری را صرف‌نظر از جنسیت برای افراد جامعه بر عهده دولت نهاده و مقرر می‌دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه

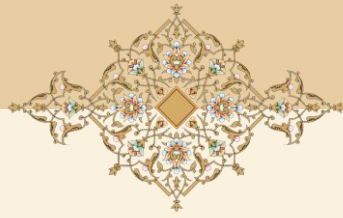
مظاهر فساد



۲. بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه
۴. مشارکت عامه مردم اعم از زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی خویش
۵. رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه
۶. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (کار، ۱۳۸۰، ص ۵۳)

۵-۳-۳- اشتغال زنان

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و تأکید رهبر کبیر انقلاب بر نقش مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی و پیروزی انقلاب، زنان به حضور در فعالیت‌های اجتماعی ترغیب شدند اما در آغاز انقلاب به دلیل نابسامانی‌های موجود در برخی تفکرات سنتی غالب، زنان از فعالیت‌های اجتماعی به امور خانه‌داری و دوری از مشارکت در حوزه‌های اجتماعی، ترغیب شدند. این مسئله باعث افت حضور زنان در عرصه‌های کار و فعالیت اقتصادی در این دوره گردید. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حضور زنان در پشت جبهه و پایگاه‌های کمک‌رسانی، سبب تقویت روحی و حمایت مالی بسیار قوی و مؤثری در جهت پایداری و مقاومت رزمندگان (که اغلب فرزندان و همسران خود آنان بودند) گردید. پس از پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی دیگر عرصه‌های مختلف اجتماعی، برای رشد و توسعه‌ای فراگیر؛ حضور زنان را به مشارکت در همه عرصه‌های اجتماعی می‌طلبید و نیاز به این نیمه دیگر پیکره جامعه شدیداً احساس می‌شد. با خاتمه جنگ و آغاز دوران سازندگی لزوم گسترش فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی صنعتی بیش‌ازپیش احساس شد. لغو بسیاری از محدودیت‌هایی که در رشته‌های دانشگاهی، رشته‌های فنی مهندسی تا سال ۱۳۷۲، برای زنان وجود داشت، عاملی برای رشد و توسعه زنان گردید و زنان توانستند تا حدودی پست‌های علمی و تحقیقاتی را اشغال نمایند. مهم‌ترین پشتوانه حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های اقتصادی؛ قانون اساسی می‌باشد که بر فعالیت اقتصادی زنان و لزوم حمایت و پشتیبانی از این امر خطیر صحنه‌گذارده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه بر انجام وظایف مادری برای زنان تأکید شده است، زن و مرد از نظر تحصیل



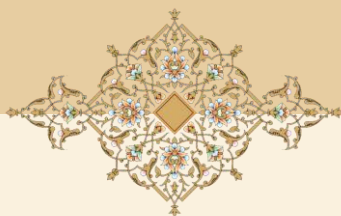
علم و اشتغال به کار از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه، برافزایش میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد محیطی امن برای فعالیت هر چه بیشتر زنان تأکید دارد. بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی بر تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تأکید دارد. (فروزنده، ۱۳۹۷، ص ۴۲۱)

۵-۳-۴- آموزش و رشد علمی زنان

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آن فقیه فرزانه، حضرت امام خمینی ره، تحولی عظیم در جامعه زنان پدید آمد. با حاکمیت ارزش‌های اسلامی در جامعه، زنان تشویق به علم‌آموزی شده و محیط مناسب جهت این امر نیز فراهم گردید. تفکر حاکم بر جامعه نیز بر اساس رهنمودهای حضرت امام با پرهیز از غرب‌باختگی و تحجر فکری شکل گرفت. آن رهبر فرزانه مسئولین و متفکران جامعه را هشدار داد که: «قرآن کریم انسان‌ساز است و زن نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است، اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت گرفته شود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهد شد.» محصول این رهنمود آن شد که از ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در اولین اصول قانون اساسی، از جمله وظایف دولت این امر قرار داده شد: «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۹)

۵-۴- جایگاه و نقش مادری در جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در اولین سطرهای مقدمه قانون اساسی آمده، مجموعه قوانین آن بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. چراکه مهم‌ترین ویژگی انقلاب، مکتبی و اسلامی بودن آن است. به این ترتیب همه مواضع قانون اساسی و تمامی دیدگاه‌های آن از جمله حقوق زن، همگون با اصول اسلامی تدوین و تبیین گردید و زنان به برکت انقلاب عظیم مردم و تدوین قانون اساسی بر اساس نگاه دینی، هویت اصلی و حقوقی خود را بازیافتند. چنان‌که مادری به عنوان محوری‌ترین نقش در خانواده (که واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و زمینه‌ساز حرکت تعاملی و رشد‌یابنده شخص در جامعه می‌باشد). به‌طور ویژه مورد توجه و



عنایت قانون‌گذاران قرار گرفت، نیز حمایت از نقش مادری و فراهم کردن امکانات جهت ایفای صحیح این نقش کلیدی و اساسی در خانواده از مهم‌ترین وظایف قانون و حکومت اسلامی محسوب گردید. از این رو در اصل ۲۱ قانون اساسی آمده است:

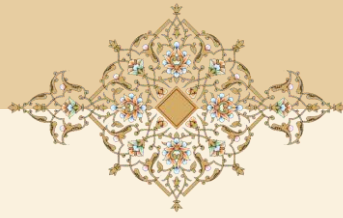
دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
۲. حمایت مادران به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده بی‌سرپرست.
۵. اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت مصلحت و غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی.

همچنین قانون اساسی توجه زیادی به وضع قوانینی در جهت حمایت از مادران مبذول داشته و جنبه بسترسازی جهت ایجاد شرایط لازم برای انجام رسالت مادری را دارد؛ از جمله ۱- سپردن مسئولیت و سرپرستی خانواده به مردان، ۲- قرار دادن نفقه به‌عنوان وظیفه مرد جهت آسودگی خیال زنان از هزینه‌ها، ۳- همکاری مرد در تربیت فرزندان با همسر خود، ۴- استفاده مادران (بانوان باردار) از معذوریت، ۵- حمایت از مادران در دوران شیردهی، ۶- اشتغال مادران و امکان خدمات نیمه‌وقت برای بانوان، ۷- حق حضانت. (معین الاسلام، ۱۳۸۳، ص ۴۳ و ۴۴)

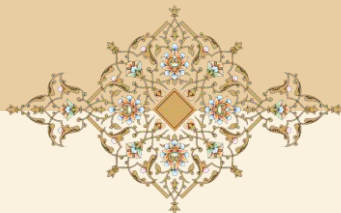
۵-۴-۱- نظر امامین انقلاب درباره جایگاه و نقش مادری

حضرت امام خمینی رحمه‌الله خطاب به زنان می‌فرمودند: «بانوان محترم! مسئولید همه؛ مسئولیم همه. شما مسئول تربیت اولاد هستید؛ شما مسئولید که در دامن‌های خودتان اولاد متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم؛ لکن در دامن شما بهتر تربیت می‌شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. مسئولیت دارید نسبت به



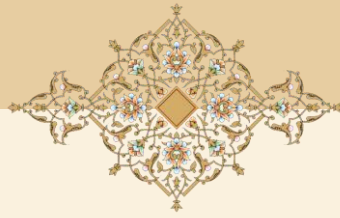
فرزندان خود، مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان؛ و شما می‌توانید بچه‌هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند. شما می‌توانید بچه‌هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند؛ حفاظت از آماں انبیا بکنند. شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان، اولاد شما هستند؛ آن‌ها را تربیت کنید. خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد. منزل علماست منزل شما؛ و منزل تربیت علمی، تربیت دینی، تهذیب اخلاق. توجه به سرنوشت این‌ها بر عهده پدران است و بر عهده مادرها. مادرها بیشتر مسئول هستند؛ و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است.» (موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۹، ص ۲۵) «انبیا آمده‌اند که انسان درست کنند، انبیا مأمورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - آمده‌اند که این‌ها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزگی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه‌هایی که در دامنشان هست. بچه‌ها را از آن اول که در دامنشان هست تزکیه کنند. آن‌ها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند. در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استاد. آن علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد؛ و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود یا می‌بیند، آن نقش می‌بندد در قلبش؛ و تا آخر همراهش هست. مادرها باید توجه به این معنا بکنند که این بچه‌ها را خوب تربیت کنند، مزگی تربیت کنند؛ یک مدرسه علمی - ایمانی باشد دامن‌هایشان و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می‌آید؛ و از کس دیگر نمی‌آید. آن قدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود. آن قدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می‌شود از دیگران نمی‌شود، مادرها مبدأ خیرات‌اند و اگر خدای نخواست مادر می‌باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند.» (خمینی، ۱۳۵۸، ج ۹، ص ۱۳۶)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی» نیز درباره مادر چنین فرموده‌اند: «مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی می‌شود، پایه بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الامهات» (موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۹، ص ۲۶)



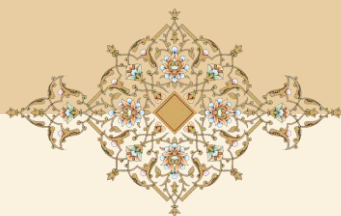
۶- نتیجه‌گیری

با مقایسه نقش زنان در دوران پیش از انقلاب، دوران نهضت اسلامی و دوران پس از انقلاب، پی‌می‌بریم که بیشترین رشد زنان و والاترین جایگاه ایشان در اجتماع مربوط به پس از انقلاب اسلامی علی‌الخصوص بعد از جنگ تحمیلی و در دوران سازندگی است. در این دوران زنان به حضور در عرصه‌های اقتصادی و آموزشی ترغیب شده و همچنان جایگاه و نقش مادری خود را حفظ کرده و ارتقا دادند.

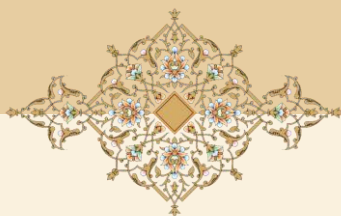


کتابنامه

۱. آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۸۰، رشد علمی زنان در دو دهه انقلاب، پیام زن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۱۹.
۲. بهرامی، فاطمه، ۱۳۸۷، جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، ش ۱۸.
۳. تقی زاده، کامبیز، بیگی زاده، مرضیه، ۱۳۹۷، جایگاه زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی.
۴. حافظیان، محمدحسین، ۱۳۸۰، زنان-انقلاب-داستان‌های ناگفته، تهران، اندیشه برتر.
۵. الحسینی الخامنه ای، سید علی، ۱۳۷۶، دیدار با خانواده شهدا.
۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.
۷. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۱، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه‌الله تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۵، انقلاب برای زنان، زمانه - کانون اندیشه جوان، پیاپی ۴۸.
۹. فاضلی بیارجمندی، احمد، ۱۳۸۱، نقش زنان در زمان امام علی، قم، میثم تمار.
۱۰. فروزنده، زهرا، ۱۳۹۷، بررسی اشتغال زنان پس از انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی.
۱۱. کار، مهرانگیز، ۱۳۸۰، مشارکت سیاسی زنان - موانع و راهکارها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
۱۲. مصفا، نسرین، ۱۳۷۳، نقش مشارکت سیاسی در توان سازی زنان، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، آینده انقلاب اسلامی ایران، قم، صدرا.
۱۴. معین الاسلام، مریم، ۱۳۸۳، جایگاه و نقش مادری در جمهوری اسلامی ایران، زنان، ش ۱۵۶.
۱۵. مکنون، ثریا، ۱۳۸۱، وضعیت اشتغال زنان، شمیم یاس، ش ۹.



۱۶. موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۹، ناشنیده‌هایی درباره قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری با مقدمه علیرضا پناهیان، تهران، چ ۱۰
۱۷. موسوی، سید رضا، ۱۳۹۰، مشارکت سیاسی، سایت مدیریت دولتی نوین.
۱۸. یزدانی، مریم، ۱۳۹۶، نگاهی به پیدایش انقلاب اسلامی و نقش زنان در پیروزی آن، حضور، ش ۸۹



تربیت عیفاانه در فقه اجتماعی

زهرا السادات نجم آبادی^{۱۵}

یکی از کارکردهای مهم خانواده، اجتماعی کردن فرزندان است؛ بدین معنا که تشکیل شخصیت فرهنگی و اجتماعی طفل در خانواده محقق می‌شود. اگرچه در دهه‌های اخیر بخش عظیمی از وظایف اجتماعی کردن به سایر نهادها واگذار شده است؛ اما بایستی خانواده را نهاد اصلی آموزش و پرورش کودکان دانست. اسلام هم با توجه به جنبه‌های فردی و اجتماعی خانواده، آن را نهادی معرفی می‌کند که وظیفه مهم تعلیم و تربیت فرزندان را به عهده دارد. (۱)

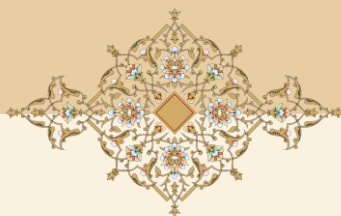
یکی از وظایف والدین در حوزه تعلیم و تربیت؛ آموزش عقاید و احکام مورد ابتلا به فرزندان است. احکام مرتبط با عفاف و حجاب نیز از جمله مواردی است که تعلیم آن به فرزندان بر والدین الزامی است و اگر دختران و پسران به این مسائل جاهل باشند چه بسا دچار مفاسدی شوند که جبران‌ناپذیر باشد؛ بنابراین علاوه بر وظیفه عام ارشاد جاهل، با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۲) می‌توان قائل به وجوب تعلیم شد؛ به‌ویژه پدر که وظیفه دارد خود به‌طور مستقیم و یا به‌واسطه استخدام معلم و مانند آن به فرزندش آموزش دهد.

همچنین در خصوص وظیفه والدین در زمینه آموزش عفاف و حجاب به فرزندان، می‌توان به اطلاق روایاتی استناد کرد که با توصیه به تعلیم قرآن، آموزش احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، تعلیم حلال و حرام و تأدیب، به‌طور ضمنی بر این مطلب تأکید کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده‌اند: کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، پدر و مادرش فراخوانده شده و دو لباس بر آنان پوشیده می‌شود که از نور آن، چهره‌های بهشتیان نورانی می‌گردد. (۳) و در بیان دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: در آموزش احادیث دینی به

۱۵- دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

z.najmabadi@gmail.com (نویسنده مسئول)



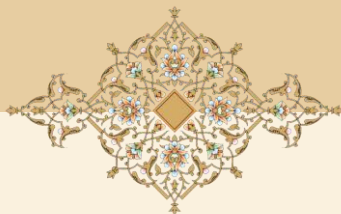
کودکان و نوجوانان خود مبادرت ورزید، پیش از آنکه فرقه مرجئه بر شما سبقت گیرد {و عقاید باطل خود را به آنان القا کند} که بر لزوم آموزش احادیث دینی و به‌طور خاص احادیث اعتقادی به کودکان و تسریع در این امر برای جلوگیری از جذب شدن آنان به فرقه‌های انحرافی تأکید می‌کند. (۴)

همچنین از پیامبر ﷺ نقل شده است که ایشان به برخی از کودکان نگاه کردند و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان! عرض شد یا رسول‌الله از دست پدران مشرکشان؟ فرمودند نه؛ از دست پدران مؤمنشان که هیچ‌یک از واجبات را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندانیشان بخواهند چیزی فراگیرند، آنان را باز می‌دارند و به همین رضایت می‌دهند که فرزندانیشان متاع ناچیزی از دنیا برایشان به دست آورند. پس من از آنان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (۵)

علاوه بر تعلیم احادیث دینی و احکام مرتبط با عفاف و حجاب؛ تربیت عاطفی فرزندان که منجر به صیانت ایشان از انحرافات جنسی و بی‌عفتی می‌گردد نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و نقش صیانتی والدین در این خصوص را نمی‌توان نادیده گرفت. در روایات نیز توصیه‌های فراوانی درباره توجه والدین به رشد عاطفی فرزندان شده است و بر موضوعاتی چون بازی کودکان، بوسیدن فرزندان و کودکی کردن با فرزندان خردسال تأکید شده است که می‌توان به چند نمونه اشاره کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: فرزندت را هفت سال رها کن تا بازی کند. (۶) روایت دیگری از ایشان نقل شده است که می‌فرمایند: مردی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: من هرگز تاکنون یکی از فرزندانم را نبوسیده‌ام. زمانی که رفت، رسول خدا ﷺ فرمود: این مرد در نظر من یکی از اهل دوزخ است. (۷)

پیامبر اکرم ﷺ دریانی دیگر می‌فرمایند: هر کس فرزندش را ببوسد خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد و هر کس او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد می‌کند. (۸)



در کنار وظایف مرتبط با آموزش و رشد عاطفی فرزندان، یکی دیگر از مسائلی که در روایات مورد اشاره قرار گرفته است، توجه به ویژگی‌های زنی است که به نوزادان شیر می‌دهند؛ چنانکه تأکید شده است دایه نباید زنازاده باشد و همچنین شیر او نباید حاصل ارتکاب زنا باشد.

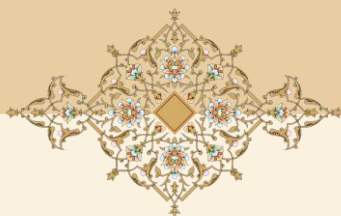
روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: از شیردهی زنان زناکار و زنان دیوانه به فرزندان جلوگیری کنید؛ زیرا شیر مسری است. (۹)

فقها با استناد به روایت مذکور و روایاتی دیگر در این خصوص قائل به کراهت این امر شده‌اند؛ چراکه با توجه به روایات شیر در توانایی عقلی، ویژگی‌های شخصیتی و جسمی کودک شیرخوار اثر دارد و بر جلوگیری از سرایت گرایش‌های غیر عقیقه‌افشان از دایه به کودک تأکید شده است. (۱۰)

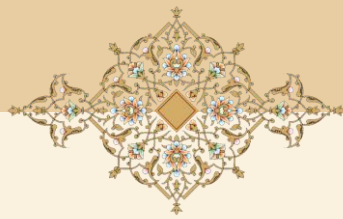
در مجموع باید گفت نقش والدین در نهادینه شدن عفاف و حیا و اهتمام به حفظ حجاب در فرزندان، نقشی بی‌بدیل است و ایشان از حیث تعلیم و تربیت مسائل اعتقادی و احکام مورد نیاز، از حیث رشد و تأمین نیازهای عاطفی و همچنین اهتمام به یافتن فرد مناسب برای شیردهی به فرزندان خود وظایفی بر عهده دارند که بنا بر نصوص دینی می‌توان به وجوب برخی از این موارد و استحباب برخی دیگر قائل شد. رویکرد فقه اجتماعی به مسائل تربیتی می‌تواند منجر به استنباط احکام جدیدی شود که در حل چالش‌های این حوزه راهگشاست.

پانوش

۱. سجادی بافقی، سید حسین، ۱۳۹۶، خانواده و حقوق فرزندان از منظر قرآن و احادیث، تهران، آوای نور، ص ۸.
۲. قرآن کریم، سوره تحریم، آیه ۶.
۳. الحر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۲۹ ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۲۱، ص ۴۷۵.



۴. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷.
۵. النوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، لبنان، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۱۵، ص ۱۶۴.
۶. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۵.
۷. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۵.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۲، ص ۴۹.
۹. الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵.
۱۰. بستان نجفی، حسین، ۱۳۹۹، فقه عفاف جنسی (فقه اجتماعی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۲۹-۲۲.



حریم خصوصی و نهاد خانواده

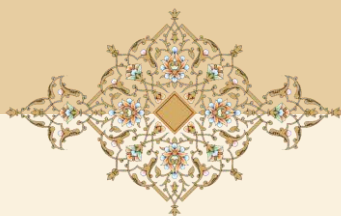
معصومه شهریاری^{۱۶}

ضرورت‌های زمان ما را بیش‌ازپیش به اهتمام در امور خانواده ناگزیر می‌کند؛ همچنان که غفلت از خانواده در جامعه کنونی، مشکلات متعددی را در پی داشته است؛ زیرا خانواده مابه‌الاشتراک فرد و جامعه است که هرگاه از آن غفلت شده، مشکلات غیرقابل‌جبرانی را به دنبال آورده است. اساس مفهوم معاصر حریم خصوصی نیز بین رنسانس و عصر روشنگری ایجاد شده است. مفهوم حریم خصوصی، مفهوم پیچیده و گسترده‌ای است که شامل تمامی انواع افکار و رفتارهای موجود در جوامع مختلف است. این حق از بنیادی‌ترین حق‌های حقوق بشر است که با شخصیت انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. در دوران بین رنسانس و عصر روشنگری توجه به نقش خانواده و حوزه خصوصی آن در ایجاد آرامش و حفظ نظم و حقوق افراد افزایش یافت و اهمیت حریم خصوصی خانواده که قبلاً نسبت به شرف و اعتبار زندگی اجتماعی در درجه دوم بود، بیشتر شد. بالا رفتن اهمیت خانواده به‌عنوان حوزه اصلی فعالیت‌های خصوصی، اهمیت حریم خصوصی افراد را نیز بیشتر کرد. احساس اینکه روابط شخصی انسان اختصاص به خود او دارد و باید حرمت آن حفظ شود، زاده مفهومی است که اگرچه ریشه‌های مذهبی دارد، ولی به‌صورت رشد یافته فعلی از دوران رنسانس عقب‌تر نمی‌رود. این مفهوم همان اعتقاد مسیحیت به حاکمیت مطلق خدا و قوانین فطری یا برابری آدمیان در پیشگاه الهی است که در ادیان اسلام و یهود نیز وجود دارد.

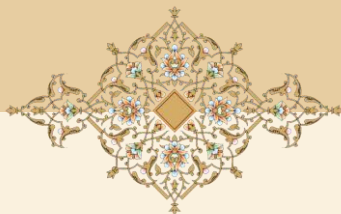
مراد از حریم خصوصی خانواده قلمرو و محدوده‌ای از عقاید، احساسات، اعمال، رفتار و ویژگی‌های نهاد خانواده است که برای دیگران آشکار نیست یا در صورت آشکار بودن، خانواده رضایت به آن ندارد و نسبت به ورود، نظارت و نقض آن توسط دیگر افراد واکنش نشان می‌دهد. چنان‌که اصل ۱۸ قانون اساسی اسپانیا به حریم خصوصی نهاد خانواده اشاره کرده و اعلام داشته

۱۶- دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

Masoumeh.shahriari@yahoo.com (نویسنده مسئول)

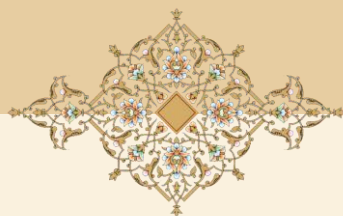


است: «۱- حیثیت، حریم شخصی و خانوادگی و وجهه اشخاص تضمین می‌شود؛ ۲- مسکن اشخاص از تعرض مصون است؛ ورود و بازرسی محل سکونت بدون اجازه صاحب ملک یا حکم قضایی، ممنوع است؛ ۳- محرمانه بودن کلیه وسایل ارتباطی بالاخص نامه‌ها، تلگراف‌ها و تلفن‌ها تضمین می‌شود، مگر به حکم قضایی؛ ۴- قانون حدود استفاده از اطلاعات را برای تضمین حیثیت و حریم‌های شخصی و خانوادگی شهروندان مشخص می‌سازد.» این اهتمام در آموزه‌های فقه امامیه نیز مشاهده می‌شود؛ لذا ضرورت رعایت حریم خصوصی نهاد خانواده در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز تبلور یافته است؛ تا جایی که در مورد محاکمه، اصل رازداری امور خانوادگی و نیز رعایت حریم خانواده از جنبه فیزیکی اطلاعاتی و سایر زمینه‌ها ضروری مورد توجه قرار گرفته است تا از این حیث، حرمت خانواده رعایت گردد. همچنین علی‌رغم آنکه در اصل ۱۶۵ قانون اساسی آمده است: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است»؛ ولی بر اساس ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳، رسیدگی به امور خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی صورت می‌گیرد. این تقیید به علت اصل محرمانگی در روابط خانوادگی و عدم مصلحت انتشار جریان زندگی در بین افرادی که اطلاعات آنان هیچ‌گونه ضرورتی ندارد و نیز کمکی به حل مسئله یا استحکام خانواده نخواهد داشت، پیش‌بینی شده است و نشانگر جایگاه والای نهاد خانواده و اهمیت حریم خصوصی آن نزد قانون‌گذار است. در واقع زندگی خصوصی دامنه وسیعی دارد و می‌توان هر آنچه را که به دیگران مربوط نیست و با زندگی امور دیگران ارتباط ندارد، جزء زندگی خصوصی دانست که امور خانوادگی هم بخشی از زندگی خصوصی به حساب می‌آید. از مصادیق حریم خصوصی خانواده می‌توان به حریم مکانی خانواده، حریم اطلاعاتی خانواده، حریم کرامت خانواده و حق استقلال عمل خانوارها اشاره کرد. (۱) به نظر می‌رسد که حق فرزندآوری نیز مربوط به حریم خصوصی نهاد خانواده مرتبط می‌شود که دولت حق مداخله در آن ندارد؛ بلکه صرفاً بنا به مصالح می‌تواند یک سری حمایت‌های ویژه‌ای از این نهاد مستقل انجام دهد. باید افزود در نظر گرفتن حمایت‌ها و امتیازات ویژه از خانوارهای دارای فرزند تا جایی که به حقوق دیگران صدمه‌ای نرزد وجیه می‌نماید.



پانوشت

۱. نقیبی، سید ابوالقاسم؛ شهریاری، معصومه، ۱۴۰۱، مفهوم، مصادیق و مستندات فقهی و حقوقی حریم خصوصی خانواده، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دوره ۲۷، شماره ۷۶، بهار و تابستان، ص ۵۹-۸.



جامعه و امنیت اجتماعی

فاطمه دائیان^{۲۰}

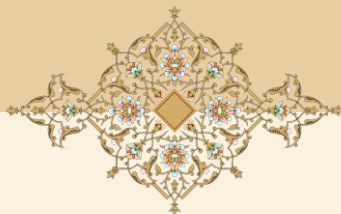
بدون تردید یکی از مؤلفه‌های هر جامعه‌ای که در آن مردمان مختلف زندگی می‌کنند و به دنبال سعادت خودشان و رسیدن به اهدافشان هستند؛ بحث مهم امنیت است، موضوعی که در واقع ریشه و بنای یک جامعه‌ی سالم است و اگر نباشد فعالیت‌های دیگری نمی‌تواند به شکل مثبت و تأثیرگذار در جامعه ورود کرده و قطعاً به مشکل برخورد خواهند کرد. به همین دلیل است که تمامی عقلا و خردمندان از امنیت به عنوان نخستین نیاز یک جامعه یاد کرده و حاکمان را به امنیت و ایجاد آن توصیه می‌کنند؛ کما اینکه در احادیث و روایات منقول از حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز امنیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و ایشان این موضوع را مورد تأکید و عنایت خویش قرار داده‌اند.

این بحث آن‌قدر اهمیت بالایی دارد که مقام معظم رهبری خاطرنشان کرده‌اند برای زندگی مردم و یک جامعه گاهی امنیت از نان شب هم واجب‌تر است. (۱)

اگر بخواهیم از لحاظ لغوی کلمه‌ی امنیت را بررسی کنیم یک رابطه‌ای بین ایمان و امنیت می‌یابیم، به نحوی که شهید مطهری ایمان را از ماده امن و امان می‌داند و بر این باور است که انسان وقتی تصدیق به وجود یک حقیقت مافوقی می‌اندیشد نگرانی‌های قبل او برطرف گشته و به یک امنیت و آسایش درونی می‌رسد. (۲) امنیت در تفکرات شهید مطهری به عنوان یک سرمایه‌ی زندگی مطرح شده است (۳) و در یکی از بیانات ایشان آمده است: «امنیت یکی از مقدسات بشر است» (۴) به اعتقاد ایشان ناامنی سبب می‌شود که مردم بهره‌ی درست از نعمت‌ها نبرند و با خود نعمت دشمن شوند. (۵) اما به طور کلی امنیت یعنی چه؟! شهید مطهری هنگامی که از احتیاجات یک موجود زنده بحث می‌کند به امنیت در دومین مسئله می‌پردازد و می‌گوید: «امنیت یعنی موجود زنده هنگامی که چیزی در اختیار دارد، حیات دارد، لوازم و وسایل حیات را هم دارد؛

۱۷- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست

الکترونیکی: fdaeeyan@gmail.com (نویسنده مسئول)



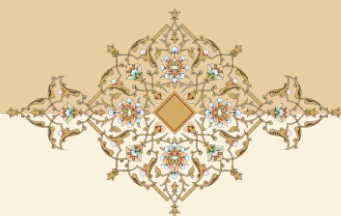
باید امنیت داشته باشد تا آنچه را دارد از او نگیرند؛ یعنی از طرف یک دشمن و یک قوه خارجی، آنچه دارد از او سلب نشود» (۶) ایشان معتقد هستند که برخی افراد یا ملت‌ها در هنگام امنیت و رفاه به عیاشی و تن‌پروری دچار می‌شوند و در آخر به ذلت و خواری می‌رسند؛ اما در مقابل عده‌ای از ملت‌ها از شلاق بدبختی و گرسنگی به جنبش درمی‌آیند و به آقایی و عزت می‌رسند.

(۷)

در اینجا باید دانست که امنیت از جمله موضوعاتی است که دارای اقسام متعددی است و علم جامعه‌شناسی برای آن انواعی قائل شده‌اند که می‌توان به امنیت شغلی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی و سایر موارد اشاره کرد؛ اما ما به دنبال تقسیم‌بندی کلی‌تری هستیم به همین دلیل می‌توانیم آن را به دو نوع امنیت فردی و امنیت اجتماعی تقسیم کرده و مورد بررسی قرار دهیم در ابتدا باید بگوییم که این دو باهم ارتباط تنگاتنگی دارند به گونه‌ای که محقق ساختن یک مورد از آن نمی‌تواند تمام اهداف مدنظر را به ثمر برساند.

امنیت فردی یعنی اینکه فرد بتواند در جایی قرار گیرد که تعرض بر آن وارد نشود؛ چه از لحاظ جانی، چه مال، چه ابرو و از همه مهم‌تر چه از لحاظ اندیشه! در حقیقت امنیت فردی فقط یک بعد نیست بلکه ابعاد متفاوتی را در خود جای می‌دهد.

در خصوص امنیت اجتماعی باید گفت انسان برای فعالیت در زمینه‌های فردی و اجتماعی اهدافی را دنبال می‌کند که باعث انگیزه برای انجام آن فعالیت‌ها می‌شود؛ یکی از همان اهداف هم تأمین امنیت اجتماعی است که مسئولین برقراری امنیت در هر جامعه‌ای بر اساس خاستگاه اعتقادی خویش اهدافی را دنبال می‌کنند. در این میان قرآن کریم که مسئولیت خود را در جانب تربیت انسان به عنوان خلیفه و جانشین پروردگار بر روی زمین بر عهده دارد، برقراری امنیت اجتماعی را به عنوان وسیله‌ی بسیار مهم و اساسی در نظر قرار داده و اهدافی را از امنیت دنبال می‌کند که در نهایت منجر به دستیابی به این غایت و نتیجه مبارک گردد که به مهم‌ترین این اهداف اشاره خواهیم کرد.



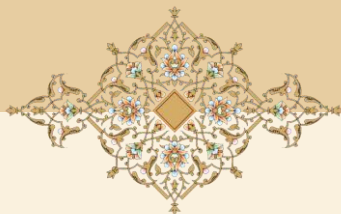
محو فتنه و آثار شرک

از آنجا که یکی از اهداف خلق انسان عبودیت و بندگی بوده است، آدمی زمانی در آن مسیر حرکت می‌کند که در جامعه توحید متجلی باشد؛ بنابراین هرگونه پدیده اجتماعی که مغایر با توحید و هدف اصیل و الهی باشد به‌نوعی آن فضای امن را از بین برده و زمینه‌ی ناامنی را فراهم می‌کند؛ به همین دلیل است که خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به جهاد با عوامل ناامنی فرامی‌خواند تا با از بین بردن آن عوامل، امنیت اجتماعی به جامعه باز گردد. از جمله این ایات می‌توان به آیه ۱۹۳ سوره‌ی مبارکه بقره اشاره کرد: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و يكون الدين الله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين»

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چگونه منجر به استمرار آن اهمیت ایجاد شده شویم و نگذاریم از بین برود؟! باید بدانیم که امنیت اجتماعی در تمامی جوامع بشری همواره از جانب کسانی تهدید شده ولی آنچه برای ما باید روشن شود رسیدن به درجه‌ای از «امنیت پایدار» است که در اینجا انسان به دنبال نسخه‌ی شفابخش خود دست دراز می‌کند و طلب امداد و یاری می‌نماید؛ زیرا قوانین قرآن کریم است که تردیدی در صحت و اصالت آن روا نیست. این کتاب اسمانی راهکارهای فراوانی را ارائه داده است که ما به دو تا از آن‌ها اکتفا می‌کنیم.

۱- توجه به عبادت و یاد خدا

باوجود پیشرفت‌های عظیم صنعتی انسان امروزی بیش از گذشته در معرض ناامنی قرار دارد؛ زیرا باینکه این فناوری سبب راحتی جسم او شده است اما روحش را به بند کشیده است و این به دلیل غرق شدن در ظواهر تمدن امروزی و غافل شدن از یاد خدا است که در نتیجه موجب به خطر افتادن امنیت فردی و اجتماعی می‌شود؛ به همین جهت قرآن کریم همواره انسان را متذکر می‌گرداند که اگر طالب آسایش و آرامش هستید راهی جز روی آوردن به خدا وجود ندارد. «الذين امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب» (۸) فی الحال هنگامی که



دل و جان انسان در اثر یاد خدا به ساحل آرامش برسد به طور طبیعی جامعه‌ی بشری از امنیت مطلوب برخوردار خواهد شد.

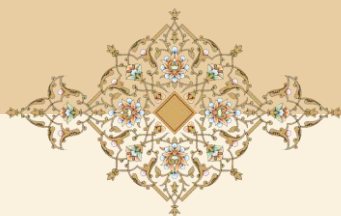
۲- اجرای حدود اسلامی

اسلام آیینی است که به منظور فراهم کردن آن فضای امن و خالی از هرگونه ناامنی یک فاکتورهای تشویقی برای دور کردن انسان از عوامل مخل امنیت اجتماعی در نظر گرفته است به طوری که ثابت گردیده برخی انسان‌ها تنها هنگامی که با مجازات سخت و کیفری شدید مواجه می‌شوند دست از گناه کشیده و خود را آلوده به معصیت نمی‌نمایند.

به عنوان مثال گناه بزرگ قتل از جمله عاملی است که اگر نسبت به آن هرگونه سهل انگاری و مسامحه‌ای صورت گیرد بسیار زودتر از آنچه تصور می‌کنید در جامعه فراگیر شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را به طور جدی تهدید می‌کند؛ به همین دلیل در قرآن کریم قاعده‌ی «قصاص» در برابر با مرتکبین قتل وضع گردیده است و خداوند متعال از این اصل به عنوان عاملی برای تداوم حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد فرموده است: «و لکم فی القصاص حیات یا اولی الاباب لعلکم تتقون» (۹)

این آیه که در نهایت فصاحت و بلاغت است؛ به صورت یک شعار اسلامی در ذهن همگان نقش بسته است و این را نشان می‌دهد که برخلاف نظر عامه قصاص حالت انتقام جویی ندارد بلکه در پیچه‌ای به روی حیات و زندگی انسان‌هاست؛ زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشت افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند و باعث می‌شد امنیت اجتماعی عده‌ای دیگر در معرض خطر قرار گیرد.

به اعتقاد شهید مطهری «هم علم به انسان امنیت می‌بخشد و هم ایمان؛ علم امنیت بیرونی می‌دهد و ایمان امنیت درونی؛ علم در مقابل هجوم بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها، طوفان‌ها ایمنی می‌دهد و ایمان در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها، پوچ انگاری‌ها؛ علم جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان انسان را با خودش.» (۱۰) بر این اساس، آنجا که دین و ایمان نیست

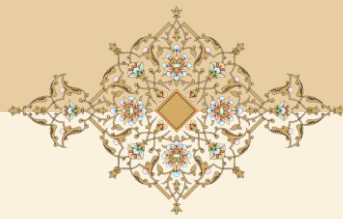


امنیت نیست و شهید مطهری در تبیین این مسئله اشاره می‌کند که؛ «به آدم بی‌ایمان در هیچ چیز نمی‌شود اعتماد و اطمینان کرد. آنجا که امنیت و اعتماد و اطمینان نیست زندگی گوارا نیست، دائماً نگرانی است، خوف است، اضطراب و دلهره است.» (۱۱)

گرچه برخی از محققین به نظم و امنیت، بیش از حد بهاداده‌اند تا آنجا که عدل و آزادی را فدای نظم و امنیت کرده‌اند؛ یعنی به بهانه نظم و امنیت، مانع رشد آزادی شده‌اند و این همان چیزی است که مستبدان و ستمگران می‌خواهند. ستمگران و مستبدان همواره به بهانه برقراری نظم و حفظ امنیت، آزادی را که عالی‌ترین موهبت الهی است و جوهر انسانیت است کشته‌اند و عدل را زیر پا قرار داده‌اند؛ اما تحقق آزادی و عدالت در سایه امنیت بایستی مورد اهتمام قرار گیرد.

پانویس

۱. حسینی الخامنه ای، سید علی، بیانات در دانشگاه علوم انتظامی ۱۳۸۳/۷/۱۵.
۲. مطهری؛ مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار شهید مطهری، صدرا، ج ۲۸، ص ۷۴۹.
۳. نجف لک زایی، راه‌های تحصیل امنیت در اندیشه استاد مطهری، فصلنامه دین و قانون، ش ۱۶، ص ۸.
۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، مجموعه آثار شهید مطهری، صدرا، ج ۲۱، ص ۴۵۹.
۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴، یادداشت‌های شهید مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۲۶۷.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، آزادی معنوی، صدرا، ص ۱۲.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، مجموعه آثار شهید مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۱۸۳.
۸. قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۲۸.
۹. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۷۹.
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، بیست گفتار، بی‌جا، صدرا، ص ۱۶۱.
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، نهضت‌های اسلامی در یک‌صد سال اخیر، ص ۴۸.



تربیت فرزند؛ رسالت مادری

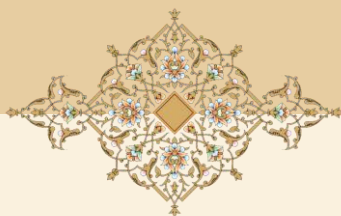
مبینا عطر^{۲۱}

مادر، مربی انسان و پرورش دهنده جامعه است. اوست که می‌تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت بکشانند. مادر، بامحبتی که نسبت به فرزند دارد در جهت تربیت او همت می‌گمارد. حکمت حب و عشق مادر، منحصر به رشد جسمی فرزند نیست، بلکه مقدمه‌ای برای پرورش عاطفی روح فرزند است؛ بنابراین زنان در راستای همان رسالتی ایفای وظیفه می‌کنند که خالق انسان‌ها برای آنان قرار داده است و معمار انقلاب، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آن را به خوبی تبیین کرد و فرمود: «شغل اصلی زن، مادری و همسری است. انبیا آمدند انسان بسازند، شغل مادرها هم همین است.» (۱) از این رو مهم‌ترین مفهوم زندگی انسان مفهوم مادری است. در قرآن نیز راجع به رسالت مادران تأکید فراوانی شده است که این‌ها همه در ایفای نقش مادری و در پرورش جسمی و روحی فرزند بسیار مؤثر است.

مفهوم مادری

مادری عبارت است از انجام دادن سلسله‌ای از امور برای فرزندان؛ بنابراین، مادری با فرزند دار شدن معنا می‌یابد. مادران هم‌زمان با بارداری خود احساس مسئولیت ویژه‌ای می‌یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد. مراقبت، حمایت، محبت، بازی و تربیت از سلسله اموری هستند که مادران در ارتباط با فرزندان انجام می‌دهند. (۲) مادر دارای محبتی است بلاشرط، محبتی توأم با دخالت احساس و گاهی بدون دخالت عقل، با شدت و قوتی فوق‌العاده که از مهم‌ترین جلوه‌های حیاتی بشر است. مادری تنها به پذیرش رنج دوران حمل و به دنیا آوردن و یا پوشاندن طفل نیست، بلکه پروراندن آن به معنای علمی کلمه است. اساس کار مادری لااقل از لحظه حمل تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد و در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، رشد عاطفی، اخلاقی و بالاخره انسان‌سازی است و باید آگاهی به مسائل اجتماعی، روانی، تربیتی، بهداشتی داشته باشد و در

۱۸- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پردیس خاوران، تهران، ایران، پست الکترونیکی: Mobina.atr.۸۱@gmail.com (نویسنده مسئول)



اجرای آن‌ها کوشا باشد. مادر شدن از این باب مشکل است که مسئولیتی در قبال خود، شوهر، فرزند، جامعه و پروردگار است و در برابر این وظایف مورد بازخواست قرار می‌گیرد. او پیش از اینکه اقدام به ساختن دیگران کند باید خود را پروراند و بسازد و این کاری آسان نیست.

جایگاه مادر در آیات و روایات

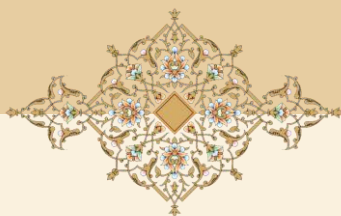
هرچند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قایل هستند، ولی اسلام بیش از مکتب‌های دینی به این مسئله توجه کرده است و به مادر احترام و عظمت بزرگی بخشیده است. مادری هنر و نقشی است که جز زن هیچ‌کس نمی‌تواند آن را با این قداست ایجاد کند و اوست که می‌تواند با نوع تربیت فرزند خود جامعه را به‌سوی سعادت یا شقاوت بکشانند. از این‌رو به بیان و بررسی جایگاه مادر و رسالت ایشان در آیات و روایات می‌پردازیم.

با دقت در برخی آیات قرآن از جمله آیه ۱۴ سوره لقمان، پس از سفارش به احسان و نیکی در رابطه با پدر و مادر به مراحل سختی که یک مادر برای به‌دنیا آمدن فرزندش متحمل می‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [درحالی‌که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و بازگرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرش سپاس‌گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به‌سوی من است.

با عنایت به روایت مشهور پیامبر اکرم در مورد جایگاه مادر که می‌فرمایند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» بهشت زیر قدم‌های مادران است. (۳) می‌توان گفت که رسیدن به آخرین مرحله کمال انسانی با جلب رضایت مادر تأمین می‌شود.

از ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در تبیین جایگاه مادری سخنان بسیاری روایت شده است از جمله حقوق مادر که در رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام بسیار مورد توجه است و ایشان به تبیین حقوق مادر پرداخته که نشانه ارزش و بزرگی مقام مادر است. (۴)

به نظر می‌رسد این همه ارج نهادن به مقام مادر، شاید به دلیل زحمتهایی است که مادر تحمل می‌شود و رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات بسیار



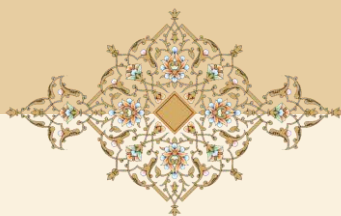
طاقت فرسایی است که مادر بر آن بسیار صبور است و خداوند متعال به همین دلیل و به واسطه جایگاه و مفهوم مادری، پاداشی بی پایان به او عنایت می کند. (۵)

نقش مادر از نظر رهبر انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب «مدظله العالی» با توجه به سخنرانی در مناسبت های مختلف، بر نقش مادری و اهمیت این نقش در خانواده و جامعه تأکید داشته اند که می خواهیم به بررسی آن بپردازیم.

رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید:

«فاطمه زهرا علیها السلام یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می توانست پیغمبر باشد، همین زن مادری می کند، همسری می کند، خانه داری می کند؛ ببینید این ها را باید فهمید. این فریفتگان غافل - انسان چه بگوید؟ حرف های پوچ غربی ها، این قدر خانه داری را تحقیر نکنند. معنای خانه داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه داری یعنی این. ما در روز ولادت فاطمه زهرا علیها السلام جا دارد که حدّ زن مسلمان را درست تشخیص بدهیم. امروز را روز زن و روز مادر نام گذاری کرده اند؛ خیلی خیلی خوب است؛ می شد گفت روز رهبر، اشکالی نداشت؛ می شد گفت روز والاترین انسان؛ اما امروز نیاز جامعه ما به این است که بداند مادری یعنی چه؟ زن خانه بودن یعنی چه؟ کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه زهرا با آن شأن و با آن رتبه و با آن مقام و با آن عظمت، یک خانم خانه دار است؛ این تحقیر او نیست؛ او که با آن عظمت قابل تحقیر نیست، مگر این عظمت را می شود کوچک شمرد؟ این عظمت به جای خود محفوظ است، اما یکی از شئون و یکی از مشاغل همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه داری کردن؛ با این چشم به این مفاهیم نگاه کنیم». (۶) با توجه به سخنان مقام معظم رهبری مدظله العالی و اهمیت نقش مادر در خانواده و جامعه و تربیت فرزندان صالح به عنوان نسلی مؤمن و ولایی در مسیر یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مادران باید اصول و روش های مناسب را جهت آشنایی با جایگاه خود و اهمیت دادن به آن و تربیت فرزند به نحو احسن به کار گیرند، همچنین بهتر است در این زمینه از الگوهای مهم زندگی از جمله زندگی اهل بیت علیهم السلام استفاده نمایند و از فرهنگ غرب هرگز تقلید نکنند و آمادگی



خود را در این مسیر با توکل به خدا و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه و با تلاش خود مهیا کنند؛ چرا که مفهوم مادری زیباترین و مهم‌ترین مفهوم زندگی بانوان است.

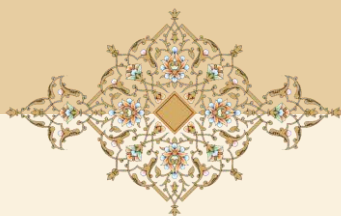
مهم‌ترین رسالت مادران

تربیت فرزند یکی از رسالت‌های مادران است که وظیفه بسیار مهمی است. تربیت انواع متفاوتی دارد که از جمله آن‌ها تربیت عبادی و اخلاقی است.

تربیت عبادی به معنای مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدف‌دار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است؛ به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. (۷) درواقع تربیت عبادی، بعدی از تربیت دینی است که مادر، فرزند را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا و او را با انگیزه راسخ، به انجام آن مکلف می‌کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات مادر برای آماده‌سازی کودک جهت گرایش به معنویت، با وضو شیر دادن است؛ این اقدام باعث آزادسازی روح کودک و ایجاد رابطه معنوی او با خدا می‌شود. نمونه دیگر از تربیت عبادی این است که مادر از دوره طفولیت، آمادگی لازم را برای انجام اعمال عبادی از جمله نماز، روزه و ... در فرزند خود ایجاد کند.

مادران باید فضای معنوی و آکنده از توجه به خدا را برای فرزند خود ایجاد کنند تا فرزند در آن فضا رشد کند و انسانی باایمان و بااخلاق از او ایجاد شود؛ زیرا محیط خانه نخستین مدرسه است که فرزند در آن آموزش می‌بیند و تمام عوامل موجود در آن محیط، بر روح و روان و کردار وی اثر خواهد گذاشت. اساس روحیه دین‌پذیری و کسب فضایل اخلاقی توسط فرزند درون خانه شکل می‌گیرد. همچنین حضرت امام ره در این باره می‌فرمایند: «مادرها مسئولیت دارند نسبت به فرزندان خود و نسبت به کشور خود. مادرها بیشتر مسئول هستند و اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر و تأثیر مادر در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است.» (۸)

از آنجاکه توجه به سلامت روحی فرزندان از مهم‌ترین وظایف مادران است؛ رسالت مادری از دوران پیش از تولد و پس از آن آغاز می‌شود و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را نیز در برمی‌گیرد.



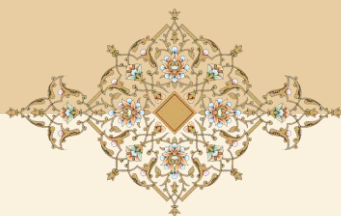
از نظر اسلام حتی اثرگذاری تربیتی مادر به دوران بارداری و قبل از انعقاد نطفه مربوط می‌شود و دوران بارداری در سلامت کودک بسیار دخیل است. تربیت مادری در دوران نوجوانی نیز خود را با رفتارهایی مثل همدلی و ایجاد رابطه دوستانه با فرزند نشان می‌دهد. مادر به عنوان کسی که رابطه مستقیمی با فرزندان خود دارد و سرپرستی خانه با اوست، می‌تواند این رابطه دوستانه را با فرزندان خود برقرار کند.

مادران سرمشق و الگوی فرزندان و شکل‌دهنده روح و شخصیت آنان هستند. همچنین مادران باید به این نکته توجه کنند که هریک از پسران و دختران، تربیت متفاوتی دارند؛ زیرا هر کدام از دختران و پسران نقش خاصی را در آینده ایفا می‌کنند؛ بنابراین به‌مرور زمان و با رعایت شرایط، نکاتی را که فرزندان در زندگی آینده به آن نیاز دارند، به آن‌ها بیاموزند. (۹)

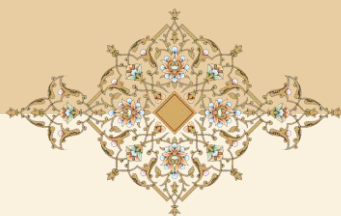
درمجموع می‌توان گفت مفهوم مادری و انجام رسالت مادری یک تجربه بسیار شیرین زندگی هر بانویی در این جهان است که خداوند متعال زن را دقیقاً متناسب با همین نقش آفریده است و این بانوان هستند که باید از این نقش حفاظت کرده و به واسطه آن خود را رشد دهند؛ ولی باید دانست عدم توجه به این جایگاه مهم می‌تواند تغییرات زیادی در خود مادران و خانواده او و حتی جامعه ایجاد کند؛ زیرا که جایگاه مادری یکی از مهم‌ترین پایه‌های خانواده و از همه مهم‌تر، جامعه است.

پانویس

۱. قران کریم.
۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، مجموعه آثار و یادداشت‌ها، تهران، صدرا، ج ۷، ص ۲۷ و ۲۹.
۳. علی‌اکبری، راضیه، ۱۳۹۶، رسالت مادری در آموزه‌های دینی، قم، فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، سال سوم، ش ۲۲، ص ۹۰.
۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، نهج الفصاحه، قم، انصاریان، چ سوم، ص ۴۳۴.
۵. احسانی، محمد، ۱۳۸۷، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، ج ۱، ص ۲۲.
۶. الهی دوست، سعیده؛ ربانی، علی؛ شمس، بهزاد، ۱۳۹۲، زنان و مادری و شیردهی، اصفهان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، ش ۱، ص ۲۸.



۷. الحسینی الخامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیه السلام، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹
۸. داودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی، ۱۳۹۵، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تهران، سمت، چ ششم، ج ۲، ص ۲۶.
۹. مکارم شیراز، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چ ۱، ج ۳، ص ۱۶۴.
۱۰. مظاهری، حسین، ۱۳۸۶، تربیت فرزند از نظر اسلام، تهران، امیر کبیر، ج ۱، ص ۶ و ۲۳.



عفاف و امنیت اجتماعی

مأنده بابی^{۲۲}

عفاف و حجاب اسلامی و محدوده آن یکی از مهم ترین مسائل دینی و از ضروری ترین احکام دین و شریعت اسلامی است که فقط مختص به دختران و بانوان نیست؛ بلکه مردان نیز باید عقیف باشند ولیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و برخلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تأکید بیشتری نموده است (۱) و نیز برای دختران و بانوان زبیده تر و برای امنیت فردی و خانوادگی و اجتماعی او تأثیر بسزایی دارد.

حجاب حکمی ضروری از طرف خداوند متعال است که با سنجش خیر و صلاح همه ی بندگان صادر شده و حاصل آن، نتایجی مانند استواری خانواده و نمایان شدن ارزش و احترام زن را در پی دارد و همچنین نقش بسیار مهمی را در استواری خانواده و جامعه و همچنین سلامت جسم و روان افراد ایفا می کند و کمی بی توجهی به آن ممکن است پایه های تمامی این موارد را متزلزل کرده، آرامش و امنیت خانواده و جامعه را بر هم بریزد و چه بسا خانواده که مهم ترین بنیاد ساختاری هر جامعه ای هست به دلیل بی توجهی به موضوع از هم فروپاشد و افراد به دلیل بی توجهی به این موضوع از هم دور شده و روابط اجتماعی خدشه دار گردد

حجاب در آیات و روایات

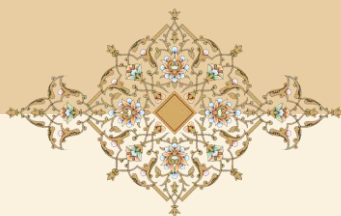
از آیه به دست می آید که نگاه داشتن چشم برای عموم افراد است؛ چه زنان و چه مردان؛ چرا که می فرماید: «يَغْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ» و «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ». همچنین به زنان نسبت به حفظ زینت خود تأکید میکند که «لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» زنان زینت های خود را آشکار نکنند.

تبیین حد و مرز زینت در برابر افراد به سه قسم تقسیم می شود:

- الف- زینت برای غیر محارم که آشکار نکردن زینت های پنهان است و نگاه به زینت های آشکار در صورتی خالی از اشکال است که خالی از هر گونه قصد لذت و ریه باشد.
- ب- زینت برای شوهر که زینت علی الاطلاق می باشد و شامل تمام بدن می باشد.

۱۹- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران،

پست الکترونیکی: maydh@۰۴۳gmail.com (نویسنده مسئول)



ج- زینت برای سایر محارم که مربوط به زینت برای سایر محارم است که شامل محل گردنبند و بالای آن، بازوبند و زیر آن، خلخال و آنچه پائین آن است می‌شود. بنابراین باید از پوشیدن لباس حلقه آستین، دامن‌های کوتاه با پاهای برهنه و یقه‌های باز بیش از حد متعارف حتی در برابر محارمی به‌جز شوهر خودداری کنیم و جواز نگاه کردن به زینت‌های باطنی زنان آن‌هم در محدوده‌ای که در روایات نقل شده برای محارم غیر شوهر به شرطی است که فسادى در بین نباشد.

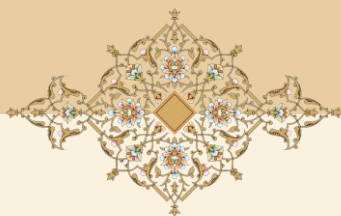
آیه دوم که در آن به مسئله پوشش زنان مسلمان پرداخته شده، آیه ۵۹ سوره احزاب است. در این آیه از زنان پیامبر اسلام و زنان مؤمنان خواسته می‌شود که جلباب‌های خود را بر خویش فروافکنند تا شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ كَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». روایت متعددی در خصوص فواید عفاف در سه حوزه فردی و خانوادگی و اجتماعی وجود دارد؛ از جمله بیان امام علی (ع) که عفت را منشأ تمام نیکی‌ها دانسته‌اند (۲) و بیان می‌دارند که عفت، نفس را مصون و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد. (۳)

انسان در سایه عفاف عزت پیدا می‌کند و کسانی که هرچه می‌خواهند می‌خورند و آنچه می‌خواهند می‌گویند و دائماً به دنبال هوسرانی هستند، نزد دیگران اعتبار و ارزشی ندارند. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: آن هنگام که پوشش، سر زنی باشد، ارزش آن از دنیا و آنچه در آن است، بیشتر است (۴) و همچنین فرموده‌اند: زنان خود را با پوشش اندام و جسم، از دیدار نامحرمان بازدارید که زنان هرچه پوشیده‌تر باشند، سعادتمندتر هستند. (۵)

ایشان در بیان دیگری فرموده‌اند: زنی که برای حفظ غیرت، استقامت ورزید و برای خدا وظیفه خود را به خوبی انجام داد، خداوند پاداش شهید را به او خواهد داد. (۶) از دیگر برکات عفاف، قدر و منزلت و تقرب یافتن در درگاه خداوند است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسی که عفت داشته باشد، گناهانش سبک و منزلتش در درگاه خداوند زیاد خواهد شد. (۷)

استحکام بنیاد خانواده و سلامت جامعه

همان‌طور که عفاف، موجب تحکیم خانواده است. می‌توان گفت یکی از علل تزلزل خانواده‌ها نیز بی‌عفتی است. اگر جوانان، قبل از ازدواج، با جنس مخالف خود در تماس نباشند



ازدواج برای آن‌ها به یک آرزو تبدیل می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش، آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بپوشاند. (۸) عفاف سلامت جامعه را به دنبال دارد؛ زیرا جامعه را افراد آن تشکیل می‌دهند و اگر افراد اصلاح شوند جامعه نیز اصلاح خواهد شد. عفاف موجب مصونیت پسران و دختران جوان از آشفته‌گی‌های ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بالاخره بیماری‌های روحی و روانی می‌شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها جلوگیری می‌کند.

مراتب عفاف

۱- عفت در میل جنسی

به این معنی که انسان برای خاموش کردن شهوت خود به اعمال منافی عفت و حرام متوسل نشود و آن میل را در جهت صحیح و حلال خود هدایت کند.

۲- عفت در اعضای بدن

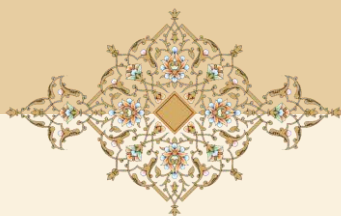
به این معنی که انسان علاوه بر کنترل شهوت، هر یک از اعضای بدن خود را از گناه بازدارد؛ چشم را از دیدن حرام و گوش را از شنیدن غیبت و ناروا دور دارد؛ زبان را از کلامی ناحق و غیبت دیگران و دست‌وپا را از رفتار گناه آلوده بازدارد. چنانچه امام علی (ع) در باب پوشش فردی می‌فرماید: زن (باید) مو و سینه و دور گردن و زیر گلوئی خود را بپوشاند. (۹) و یا امام صادق (ع) فرموده‌اند: برای زن مسلمان جایز نیست که روسری (مقنعه) و پیراهنی بر تن کند که بدنش را بپوشاند. (۱۰)

۳- عفت در افکار

به این معنی که انسان علاوه بر کنترل اعضای بدن نسبت به گناه، حتی فکر گناه نیز به ذهنش خطور نکند. آدمی به جایی برسد که ظاهر و باطنش یکسان و وجودش مجسمه عفاف باشد؛ نه مرتکب گناه شود و نه حتی به فکر انجام آن افتد.

امنیت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب

با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می‌گردد که هدف از تشریع وجوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاک‌دامنی جهت استحکام و

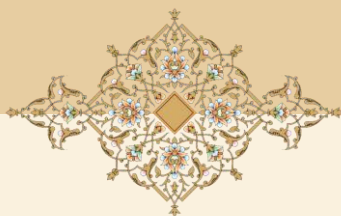


گسترش امنیت اجتماعی است. «و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (۵۳/ احزاب) چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امنیت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لَمَّا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ». (۱۱)

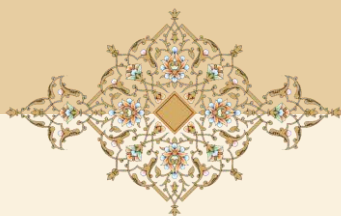
از مجموع گفتار فوق روشن می‌گردد که هدف از وجوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امنیت اجتماعی است. در مجموع باید گفت زن به خاطر ارزش و کرامتی که دارد باید محفوظ بماند و خود را حراج نکند. حجاب و عفاف این فرصت را به زن می‌دهد تا او با شخصیت انسانی خود با جامعه در تعامل باشد نه با شخصیت و زیبایی ظاهر؛ علاوه بر آن باعث می‌شود سرمایه انسانی زنان پوشیده بماند؛ دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه‌ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم، تا انسان‌های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش‌های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

پانویس

۱. قرآن کریم.
۲. عیون الحکم و المواعظ (لیثی)، ص ۴۵، ح ۱۱۱۵.
۳. اکبری، محمود، ۱۳۷۶، مروارید عفاف، قم، انتشارات قم.
۴. انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ سخن، تهران سخن.
۵. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵، ح ۱۱۱۵.
۶. بحرانی، هاشم، ۱۴۱۶ ه.ق، الرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۷. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۷۸، همگام با وحی، قم، سبط النبی.



۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۶، ح ۵۴۲۰.
۹. جواد، علی، ۱۹۶۸، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم.
۱۰. حاجی عبدالباقی، مریم، ۱۳۸۶، روش قران در طرح مساله حجاب، نامه الهیات، دانشگاه آزاد تهران شمال.
۱۱. خوش باور، داود؛ خوش باور، فاطمه معصومه، ۱۳۹۸، بررسی و مطالعه فلسفه و چرایی حجاب در پرتو اسلام، کنفرانس بین المللی علوم تربیتی.
۱۲. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۲، سبک زندگی اسلامی ایرانی، تهران، آفتاب توسعه.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۱۱۰ق، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۴.
۱۴. نیکوترش راد، فرزانه، ۱۳۹۳، بررسی مبانی حجاب و عفاف در قرآن، اولین همایش ملی فرهنگ عفاف.



گشت ارشاد؛ طرح ارتقای امنیت اجتماعی

فاطمه سوزی^{۲۳}

گشت ارشاد با نام رسمی طرح ارتقای امنیت اجتماعی که در راستای مصوبه طرح جامع عفاف اجرا شده است مورد حمایت حکومت جمهوری اسلامی قرار دارد. در روزگار اخیر برخی به شکلی تبلیغ می‌کنند که گشت ارشاد هیچ جایگاه قانونی ندارد و نیرویی سرکوبگر است که مأموریتش توهین و بگیروبیند و درگیری با بی‌حجاب‌هاست اما بنابر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن صریح‌ترین مورد اشاره شده به مجازات بدحجابی است. بر طبق آن زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا ۵۰۰۰۰ هزار تا ۵۰۰۰۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. (۱)

طبق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی برخورد با مفاسد و جرائم وظیفه نیروی انتظامی است. همچنین طبق بند ۱۲ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، این نیرو وظیفه پیشگیری از جرم را دارد و اقل مرتبه پیشگیری آن است که زنی که حدود حجاب را رعایت نکرده است، مورد تذکر قرار بگیرد؛ بنابراین گشت ارشاد خلاف قانون نیست. (۲)

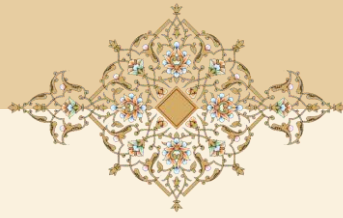
در این زمینه به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱- امر به معروف و نهی از منکر از واجبات دینی است که عمل به آن بر همگان واجب است. بدون تردید یکی از دلایل گسترش ناهنجاری‌ها در جامعه از جمله بی‌حجابی عمل نکردن به وظیفه دینی و شرعی است.

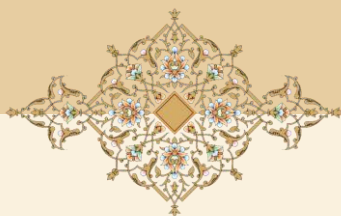
خداوند در آیه ۴۱ سوره حج به صراحت اعلام می‌کنند که یکی از وظایف قدرتمندان در جوامع اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است؛ «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین

۲۰- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام، پردیس خاوران، تهران، ایران،

پست الکترونیکی: fsovize1382@gmail.com (نویسنده مسئول)



- دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست. (۳)
- ۲- مسئولین گشت ارشاد باید در انجام وظایف، تمامی شروط امر به معروف را رعایت کنند از جمله رفتار توأم با مهربانی و بدون خشونت، و اینکه خود آمر به آن عمل پایبند باشد؛ در غیر این صورت نه تنها اثر مثبت ندارد بلکه بازخورد منفی نیز دارد.
- برخی تصور می‌کنند که در برخورد با یک خانم بی‌حجاب و بدحجاب باید با رفتار تند و کلام نامناسب او را متوجه اشتباه خود کنند اما فلسفه امر به معروف، هدایت فرد خاطی است و برای انتقام یا مجازات فرد نیست.
- ۳- پوشش از یک جهت شخصی است؛ اما از زمانی که فرد در جامعه حضور پیدا می‌کند تبدیل به موضوع اجتماعی می‌شود که عدم رعایت پوشش موجب آسیب اخلاقی و زمینه‌ساز فساد و بی‌بندوباری خواهد شد.
- ۴- در جامعه اسلامی هر انسانی یک حریم خصوصی دارد که هیچ کس حق تعرض به آن را ندارد اما اگر کسی حریم اجتماعی افراد را زیر پا بگذارد و گناهی را مرتکب شود باید دستگاه‌های مربوطه با او برخورد کنند. محیط اجتماع حریم عمومی است و انجام تخلف در فضای اجتماع زیر پا گذاشتن حقوق عمومی است.
- و سخن پایانی اینکه گشت ارشاد یکی از ارگان‌های ضروری و اساسی جامعه است و امکان برکناری آن نیست؛ اما آنچه مسلم است این است که اگر مأموری در ارگانی تخلف کرد نباید کل آن سازمان مورد هجمه قرار گیرد؛ بلکه بایستی با فرد خاطی برخورد شود. اگر این موارد رعایت گردد؛ برخی از مشکلات جامعه که اخیراً نیز موجب ناآرامی‌هایی شده است، تا حد زیادی کاهش می‌یابد.



پانوش

۱. جهانگیر، منصور، ۱۴۰۱، قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات دید آور، چ ۱۷۰، ص ۲۹۳، م ۶۳۸.
۲. جهانگیر، منصور، ۱۴۰۱، قانون نیروی انتظامی، تهران، انتشارات دید آور، چ ۱۲۰، ص ۱۰-۱۲، م ۴.
۳. الهی قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۸۶، قرآن مجید، قم، انتشارات موسسه فرهنگی هنری المقربون، چ ۵، ص ۳۹۸.

